بامه تعالی

فهرستبرگه منابع چاپ سنگی - اداره مخطوطات

شماره ثبت:	۱۲۶۴۰
رده‌بندی دیویی	۲۹۷/۶۱ ق ب/ ح ۲۸۱م ۱۳۲۲ مرجع ☐
سرشناسه:	قمی، عباس، ۱۲۵۴ - ۱۳۱۹، خلاصه کننده
عنوان قراردادی:	حلیة المتقین. برگزیده
عنوان:	مختصر الابواب فی السنن و الاداب
شرح پدیدآور:	
کاتب:	غلامحسین — تاریخ کتابت:
محل نشر:	تهران — ناشر: احمد شیرازی — تاریخ نشر: ۱۳۲۲ ق
صفحه شمار:	۳۳۵ ق — مصور ☐ درسی ☐ گراور یا افست ☐
زبان:	عربی — ابعاد: ۱۱×۱۷ — نوع خط: نسخ
روش تهیه:	وقفی ☑ اهدایی ☐ خریداری ☐ ارسالی ☐
واقف:	کربلائی محمدحسین کفشدار — تاریخ ثبت: شهریور ۱۳۴۸
یادداشتها:	۱. این کتاب برگزیده حلیة المتقین مجلسی می‌باشد. ۲. از صفحه ۳۲۱ تا ۳۳۵ دستنویس است.
موضوع(ها):	۱. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، ۱۰۳۷ - ۱۱۱۱ ق. حلیة المتقین. برگزیده. ۲. اخلاق شیعه. ۳. احادیث اخلاقی. ۴. شیعه شعائر و مراسم مذهبی. ۵. احادیث شیعه - قرن ۱۱ ق
شناسه(های) افزوده:	الف. مجلسی، محمد باقر بن محمدتقی، ۱۰۳۷-۱۱۱۱ ق حلیة المتقین. ب. غلامحسین، کاتب. ج. کفشدار، محمدحسین، واقف. د. عنوان. هـ. عنوان: حلیة المتقین. برگزیده
فهرستنگار:	ا. سردار. — تاریخ فهرستنگاری: خرداد ۸۸

٤٤٤٤

آستان قدس

٢٩٧١٧

م ٧٧٤ ق

فارسی

اسم کتاب مختصر الاداب فی السنن والاداب

مصنف عباس بن محمد رضا القمی

مؤلف

خطی

چاپی سربی - نسخ - تهران

سال چاپ یا تحریر ۱۳۴۳ ق عدد اوراق ۲۲۵

جزء کتب اخبار شمارهٔ ۱۲۶۴۰

شمارهٔ عمومی ۳۲۶۳۴ شمارهٔ قبض

واقف کربلائی محمد حسن نقشدار تاریخ وقف شهریور/ ۴۱

طول ۱۷ عرض ۱۱ گنجهٔ

۳۳۸ صفحه

اسید زدائی شد

سال ۱۳۴۸ خورشیدی

عکس برداری شد

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله والمنة لمرتجفی و پوشیده نماند بر اخوان ذوی
المجد والاحترام چون گوهر این کتاب مستطاب موسوم بمجلی
الابواب فی السنن والاداب محبوب ارباب بصیرت است
اداب و سنن ماثوره محبوبه شریفه حضرات اهل بیت
عصمت و طهارت وعدد باب های بجمل بمنزله گوهریست
ابواب بود و فذلکه و مختصریست از کتاب مستطاب حلیة
المتقین از مصنفات مرحوم ابن الله فی العالمین
علامه مجلسی اعلی الله مقامه و درجته فی اعلی علیین
و بجهت اخیار و ابرار از خواص و عوام محل حاجت
بملاحظه اختصار و قلت حجم و سهولت حمل و
نقل و محض ترویج احکام شرع مبین و نشر اداب
و سنن ماثوره از حضرت سید المرسلین و ائمه
طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین حسب الامر الاکرم
لازم الاطاعة حضرت ملاذ الاسلام و قبلة الانام
و ثقة المسلمین و فخر المحققین والمدققین فائز

اقا میرزا محمد تقی گرگانی ادام الله

ایام افاداته تقرباً الی الله تعالی و طلباً لمرضاته

اقل المشتغلین و اضعف المخلوقین الحاج

شیخ احمد شیرازی بحلیه طبع در دار الخلافه

طهران بحسن خط و جودة طبع در آوردم تا انکه

مطالعه کنند کان اینکتاب مؤلف و بانی و

داعی و کاتب را بدعای خیر یاد کنند صورة خط

المؤلف

بسم الله الرحمن الرحیم

مستور نماند که غالب مطالب اینکتاب متون

اخبار معتبره است بجهت اختصار مکررات را انداختیم

نمودیم و چنان بر شته در آوردیم که ناظر توهم کند

که اینها سخن مؤلف است ولکن تمام عین خبر

است و گاه کاهی در صدر خبر جزئی کذاشته

ایم که اشاره است

با نکه

کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی
شماره ...

سال ۱۳۴ ۸ خورشیدی
... شد

کتابخانه آستان قدس مشهد

این خبر مروی از صاحب این رموز است پس رمز

که اشاره برسولخدا صلی الله علیه و آله است

لا ست و ی اشاره بامیر المؤمنین

علی علیه السلام است و قر اشاره بحضرت

امام محمد باقر علیه السلام است و ق اشاره

بحضرت امام جعفر صادق علیه السلام است و

سی باظم اشاره بحضرت امام موسی کاظم علیه

السلام است و ضا اشاره بحضرت امام

رضا علیه السلام است پس اگر عارف باین رموز

خواسته باشد کلام را بطور روایت بخواند می

تواند خواند و ما در اینجا بسهم استقصاء و

استیعاب نمودیم بلکه گاه گاهی چنین کردیم

چنانچه واضح

است

منه

سال ۱۳۴۸ خورشیدی
ارزیابی شد

مقدمة

مختصر الأبواب في السنن والآداب

بسم الله الرحمن الرحیم

حمد بیحد و ستایش از اندازه بدر سزاوار خالقی است
که زیور اخلاق و مزین کردانید پیغمبران و مرسلین و بعد عطای بهی نوع انسان از کرم
اینکه مخصوص برکزیده انبیا محمد مصطفی صلوات الله و سلامه
علیه و آله از برای تتمیم مکارم اخلاق مؤمنین و
کامل کردانید و اوصیاء آنحضرت افضل خصلتهای
نبیین و درود کثیر بر آنجناب و بر آل و بعد تقسیمهای
تسبیح کنندکان از ملائکه و ثقلین و لعنت ابد بر دشمنان
ایشان تا برقرار است آسمان و زمین و بعد چنین گوید
بنده مجرم مسمی عباس بن محمد رضا القمی حشرهما الله تعالی

مع موالیهما المطهرین صلوات الله علیهم اجمعین که
بی ریب و شکی بینست که عمده امتیازی که انسان از سایر انواع
حیوانات دارد بجهت تخلق و آراستن باخلاق حسنه و تزیین
بآداب مستحسنه و چون جمیع اخلاق حمیده در شرع انور و دین
اظهر حضرت رسالت پناه صلوات الله علیه و آله ظاهر و
مبین گردیده بمقتضای حدیث شریف بعثت لاتمم مکارم
الاخلاق علمای اعلام و خادمان شریعت سید الانام در
هر عصر و زمان در مقام آن برآمده که آنچه از آداب حسنه و سنن و
آدابیکه از شریعت مبین حضرت سید المرسلین و آل اطهر
و کتب اخبار و آثار اهل بیتین مسطور شده بود بوضع جدید و ابواب
و فصول مرتب گردانیده که وسیله سهولت وصول گردد و برخی
از اعاظم علما همت بر آن گماشته و آن اخبار را بفارسی ترجمه
نموده که نفع آن تمام شود و بهره عوام و خواص در خور دو بهترین
کتب در این باب کتاب مستطاب حلیة المتقین است که
دره ایست از درر بحار و جوهریست از جواهر ابداکار قلم

در دربار حضرت شیخنا و مولانا الجامع بین المعقول والمنقول الاوحدی فی الفروع والاصول ناشر اخبار الائمة الطاهرین علیهم السلم رئیس الفقها والمحدثین آیة الله فی العالمین استاذ المحققین والمدققین وقدوة المتقدمین والمتاخرین شیخ الاسلم والمسلمین وخادم اخبار الائمة المعصومین حجة الشریعة ومروج الطریقة المحقق النحریر العلامة المولی محمد باقر المجلسی روح الله روحه القدسی برون آمده وچون در اینکتاب مستطاب از کثرت باع الجناب سطر وافری از اخبار این باب مسطور بود و بدین جهت کثیر الحجم و عظیم المقدار گردیده بود و اکثر ناس از حفظ وضبط جمیع آن عاجز واز حمل ونقل آن در کلال بودند تا آنکه هر مؤمن زکی زیرکی ناچار است از همراه داشتن این نوع کتاب رحمه وقت وبحر حال لعلی هذا این بنده خاکسار و مستمسک باذیال علماء اهل بیت اطهار در خدمتگذاری بعامه ناس برآمده و مهمات آنکتاب مستطاب را جمع کرده بدون تکرار و تطویل در اینکتاب قلیل الحجم مسطور

داشتم و نام نهادم آنرا به مختصر الابواب فی السنن والآداب و مرتب کردانیدم آنرا بچهارده باب و هر بابی مشتمل بر چند فصل و فهرست ابواب و فصول آنرا از این قرار است

باب اول ص ۱ در آداب پوشیدن و کندن جامه‌ها و مشتمل بر هشت فصل است **فصل اول** ص ۱۸ در پوشیدن پنبه و کتان و پشم و بیان رنگهائیکه در جامه سنت یا مکروه است **فصل دوم** ص ۲۰ در آداب جامه و ذکر بعضی از آداب پوشیدن آن **فصل سیم** ص ۲۴ در بیان عمامه بستن است **فصل چهارم** ص ۲۵ در آداب جامه نو پوشیدن **فصل پنجم** ص ۲۶ در آداب جامه نو پوشیدن **فصل ششم** ص ۲۷ در بیان سایر آداب پوشیدن و کندن جامه است **فصل هفتم** ص ۲۹ در آداب نعلین و موزه و رنگ آنها **فصل هشتم** ص ۳۰ در آداب پوشیدن و کندن کفش است **باب دوم** ص ۳۱ در آداب حلی و زیور پوشیدن مردان و زنان و سرمه کشیدن و در آئینه نظر کردن و خضاب کردن است و آن مشتمل بر هفت

فصل است فصل اوّل ص۳۴ در فضیلت انگشتر بدست
کردن فصل دوّم ص۳۲ در نگین انگشتر و فضیلت عقیق
و فیروزه و جزع یمانی و سایر نگینها فصل سیّم ص۳۶ در بیان
آنچه سزاوار است که در نگین نقش کنند فصل چهارم ص۳۸ در
زیور طلا و نقره پوشانیدن بزنان و اطفال فصل
پنجم ص۳۹ در آداب سرمه کشیدن فصل ششم ص۴۱ در آداب آینه
نظر کردن فصل هفتم ص۴۲ در فضیلت خضاب کردن مردان
و زنان باب سیّم ص۴۴ در آداب خوردن و آشامیدن و در آن
شش فصل است فصل اوّل ص۴۴ در تجویز خوردن طعامهای
لذیذ و مذمّت حرص و افراط در آن فصل دوّم ص۴۶ در بیان
بعضی از آداب و اوقات طعام خوردن فصل سیّم ص۴۷ در آداب
طعام خوردن و دست شستن فصل چهارم ص۵۴ در آداب
بعد از طعام و فضیلت خلال و آداب آن فصل پنجم ص۵۷
در فضیلت ضیافت مؤمنان و آداب آن فصل ششم ص۶۰
در فضیلت آب و انواع آن و آداب آشامیدن آن باب چهارم

کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی

در بیان فضیلت تزویج و آداب مجامعت و معاشرت با زنان
و کیفیت تربیت فرزندان و معاشرت ایشان و در آن نه
فصل است فصل اوّل ص۶۴ در فضیلت تزویج فصل
دوّم ص۶۶ در اصناف زنان فصل سیّم ص۶۹ در آداب نکاح
و اراده آن و آداب خلوت و چیزهائی که متعلق باوست فصل
چهارم ص۷۳ در بیان حق زن و شوهر بر یکدیگر و احکام
ایشان فصل پنجم ص۷۷ در بیان فضیلت اولاد و دعاهائی که
در طلب اولاد وارد شده است فصل ششم ص۸۰ در آداب
مدت حمل و تعویذ ولادت و نام نهادن طفل فصل هفتم ص۸۴
در آداب عقیقه کردن از برای مولود و تراشیدن سر و ختنه
کردن و سوراخ کردن گوش ایشان فصل هشتم ص۸۸ در آداب
شیر دادن و تربیت کردن فرزندان و رعایت ایشان فصل
نهم ص۹۲ در بیان حقوق والدین بر فرزند و وجوب رعایت ایشان
باب پنجم ص۹۵ در بیان آداب مسواک کردن و شانه کردن و ناخن
و شارب گرفتن و سر تراشیدن و امثال آن و در آن هفت فصل است

فصل اوّل (ص ۹) در بیان فضیلت مسواک کردن و آداب
آن فصل دوّم (ص ۱۷) در فضیلت سر تراشیدن و آداب آن
و آداب موی سر نگاه داشتن زنان و مردان فصل سیّم (ص ۱۰۰)
در فضیلت شارب گرفتن و آداب ریش بلند کردن فصل
چهارم (ص ۱۰۲) در بیان فضیلت موی سفید و حکم کندن آن
و کندن موی بینی و بازی کردن با ریش فصل پنجم (ص ۱۰۳)
در بیان فضیلت ناخن گرفتن و اوقات و آداب آن فصل (ص ۱۰۶)
ششم در دفن کردن مو و ناخن و سایر چیزهائیکه باید
دفن کرد فصل (ص ۱۰۷) هفتم در فضیلت شانه کردن موی سر
و ریش و اوقات و آداب شانه کردن و انواع شانه‌ها باب ششم (ص ۱۱۰)
در آداب بوی خوش کردن و گل بوئیدن و روغن مالیدن و
در آن پنج فصل است فصل اوّل (ص ۱۱۰) در فضیلت مشک
و غالیه و امثال اینها فصل دوّم (ص ۱۱۲) در فضیلت بوی
خوش و آداب آن و کراهت رد کردن آن فصل سیّم (ص ۱۱۴)
در فضیلت و آداب روغن بر بدن مالیدن و فوائد روغن

بنفشه و زنبق و غیر آن فصل چهارم (ص ۱۱۸) در فضیلت
بخور و بعض انواع و آداب آن فصل پنجم (ص ۱۱۹) در بیان فضل
گلاب و گل سرخ و انواع گلها و آداب گل بوئیدن باب
هفتم (ص ۱۲۱) در آداب بحمام رفتن و سر و بدن شستن و نوره
کشیدن و ذکر بعضی از اغسال و آداب آنها و آن مشتمل
بر هشت فصل است فصل اوّل (ص ۱۲۱) در فضیلت حمام
و آداب داخل شدن و بیرون آمدن و دعاهائیکه در حمام باید
خواند فصل دوّم (ص ۱۲۵) در بیان آنچه در حمام نباید کرد و آنچه
تجویز شده فصل سیّم (ص ۱۲۶) در فضیلت شستن سر و بدن و شستن
سر با سدر و خطمی فصل چهارم (ص ۱۲۸) در فضیلت نوره کشیدن
و ازاله نمودن موی زیر بغل فصل پنجم (ص ۱۲۹) در بیان غایت
زمانیکه نوره را تاخیر توان کرد فصل ششم (ص ۱۳۰) در اوقات
نوره کشیدن و ذکر بعضی از آداب آن و فضیلت حنا مالیدن
بعد از او فصل هفتم (ص ۱۳۲) در آداب غسل جمعه و ذکر سایر غسلها
باب هشتم (ص ۱۳۷) در آداب خواب رفتن و بیدار شدن و بیت الخلاء

خفتن و در آن نه فصل است فصل اول در بیان اوقات (ص ۱۳۷)
خواب فصل دوم در وضو ساختن پیش از خواب و بعضی
از آداب خوابیدن فصل سیم در مکان خوابیدن و آداب (ص ۱۳۶)
پیش از خوابیدن فصل چهارم در آداب و ادعیه که (ص ۱۴۱)
پیش از خواب باید خواند فصل پنجم در دفع ترسیدن (ص ۱۴۳)
در خواب و خواب پریشان دیدن و محتلم شدن فصل (ص ۱۴۳)
ششم در بیان دعاهائیکه برای دفع بیداری و برای
بیدار شدن در آخر شب و دعای وقت بیدار شدن فصل (ص ۱۵۴)
هفتم در سبب خواب سنت و دروغ فصل هشتم (ص ۱۴۵)
در آداب بیداری و مذمت خواب بسیار کردن فصل نهم (ص ۱۵۵)
در آداب بیت الخلا و آنچه با او تعلق دارد باب ششم در
ثواب بیماری و آداب حجامت کردن و تنقیه و معالجه بعضی از
امراض و ذکر بعضی از ادعیه و احراز و در آن ده فصل است فصل
اول در ثواب بیماری و صبر بر آن فصل دوم در فضیلت
و آداب حجامت کردن فصل سیم در بیان انواع تداوی

که از ائمه علیهم السلام رسیده و بیان جواز رجوع باطبا فصل چهارم (ص ۱۷۱)
در معالجه انواع تب فصل پنجم در معالجه درد سر و شقیقه (ص ۱۷۶)
و زکام و صرع و اختلال دماغ و نفس تنگی فصل ششم (ص ۱۷۹)
در معالجه درد چشم و رعاف و درد گوش و درد دندان و غیر
آن فصل هفتم در معالجه خنازیر و قروح و جروح و (ص ۱۸۳)
ثالول و خره و پیسی و بهق و امثال آنها فصل هشتم (ص ۱۸۶)
در معالجه امراض اندرونی و قولنج و بادها و سرفه و معالجه
و غیر اینها از سایر امراض فصل نهم در بیان تعلیق (ص ۱۹۱)
تعویذات و ذکر بعضی از فوائد تربت شریفه حضرت سید الشهداء
فصل دهم در بیان ثواب عیادت بیماران و بر خاستن
آدابیکه در وقت مرگ باید بعمل آورده شود و ذکر بعضی از
آداب بعد از مرگ باب هفتم در آداب معاشرت با خدم (ص ۲۰۷)
و حقوق اصناف ایشان و در آن نه فصل است فصل
اول در بیان حقوق خویشان و غلامان و کنیزان فصل
دوم در حقوق همسایگان و یتیمان فصل سیم (ص ۲۱۱) (ص ۲۱۴)

در حقوق صداقت و اخوت (ص ۲۱۷) فصل چهارم در بیان
حقوق مؤمنان بر یکدیگر و حسن معاشرت با خلق
(ص ۲۲۱) فصل پنجم در قضای حاجت مؤمنان و سعی در
کارهای ایشان نمودن و شاد گردانیدن ایشان را
(ص ۲۲۳) فصل ششم در فضیلت رفتن مؤمنان بدیدن
یکدیگر (ص ۲۲۸) فصل هفتم در اطعام مؤمنان و آب
دادن و جامه پوشانیدن ایشان و سایر اعانتهای یکدیگر
(ص ۲۳۱) فصل هشتم در حقوق فقیران و ضعیفان و پیران
و اصحاب بلا و آداب معاشرت با ایشان (ص ۲۳۴) فصل نهم
در بیان مجملی از آداب معاشرت با ظالمان و مخالفان و
کافران (ص ۲۴۰) باب یازدهم در آداب مجالس از سلام و مصافحه
و معانقه و بوسیدن و آداب عطسه کردن و آداب نشستن
و برخاستن و صحبت داشتن و امثال اینها و در آن ده
فصل است (ص ۲۴۱) فصل اول در فضیلت سلام و آداب آن
(ص ۲۴۵) فصل دوم در فضیلت مصافحه و معانقه و بوسه کردن

و آداب هر یک (ص ۲۴۶) فصل سیم در آداب نشستن در مجالس
و ملاقات صاحبخانه با آنکسیکه بر او وارد میشود
(ص ۲۵۱) فصل چهارم در بیان جاییکه هم نشستن با اینها
سزاوار است (ص ۲۵۲) فصل پنجم در بیان آداب عطسه و آروغ
و آب دهان انداختن است (ص ۲۵۵) فصل ششم در بیان مزاح کردن
و خندیدن و سر بگوشی کردن و آداب صحبت داشتن
و راز مجلس را پنهان داشتن (ص ۲۶۱) فصل هفتم در بیان
سایر آداب مجالست و حقوق اصحاب مجالس با یکدیگر
(ص ۲۶۳) فصل هشتم در فضیلت ذکر خدا و ذکر حضرت رسول
و ائمه علیهم السلم و ذکر فضایل ایشان و مباحثه علوم
ایشان نمودن در مجالس (ص ۲۶۸) فصل نهم در مشورت
با برادران و آداب آن (ص ۲۷۰) فصل دهم در آداب نامه نوشتن
(ص ۲۷۲) باب دوازدهم در آدابیکه متعلق بخانه است و آداب
داخل شدن و بیرون رفتن از خانه و در آن هفت فصل است
(ص ۲۷۳) فصل اول در گشادگی خانه و مذمت تکلف بسیار

در خانه کردن و بنا بلند ساختن و آداب ساختن خانه
فصل دوم (ص ۲۷۵) در نقاشی کردن و صورت کشیدن
و آداب فرش خانه فصل سیم (ص ۲۷۸) در آداب عمارت کردن
در خانه و فضیلت قرآن خواندن در آن فصل چهارم (ص ۲۸۰)
در بیان سایر آداب خانه و آداب چراغ افروختن و خاموش
کردن آن فصل پنجم (ص ۲۸۲) در نگاه داشتن حیوانات در خانه
خصوصاً کبوتر و خروس و گوسفند و بز و منع از نگاه داشتن
سگ در خانه فصل ششم (ص ۲۸۷) در بیان احوال بعضی از طیور
و ذکر بعضی از حیوانات که کشتن آنها روا است یا نیست (ص ۲۹۱)
فصل هفتم در آداب بیرون رفتن از خانه و داخل شدن
در آن باب سیزدهم (ص ۲۹۳) در آداب سواری و پیاده رفتن و
بازار رفتن و تجارت و زراعت نمودن و نگاه داشتن چهار
پایان و در آن هفت فصل است فصل اول (ص ۲۹۴) در نگاه داشتن
اسب و استر و الاغ و سوار شدن بر آنها و آداب غیر سواری
فصل دوم (ص ۲۹۶) در حقوق چهارپایان و در عقاب آنها فصل سوم (ص ۳۰۰)

در آداب خریدن و نگاه داشتن حیوانات و مجملی از احوال
و اقسام حیوانات فصل چهارم (ص ۳۰۴) در آداب پیاده رفتن
فصل پنجم (ص ۳۰۸) در فضیلت تجارت کردن و طلب حلال
نمودن و آداب آن فصل ششم (ص ۳۱۲) در آداب تجارت فصل
هفتم (ص ۳۱۶) در فضیلت زراعت کردن و درخت کشتن و
آداب ترکیب باب چهاردهم (ص ۳۱۸) در آداب سفر است
و در آن ده فصل است فصل اول (ص ۳۱۹) در بیان سفرها
نیک و بد و ایام و ساعات نیک و بد از برای سفر فصل (ص ۳۲۱)
دوم در دفع نحوستهای سفر بتصدق و دعا فصل (ص ۳۲۳)
سیم در آداب وقت بیرون رفتن از منزل و نماز و دعا (ص ۳۲۵)
و بیان چیزی چند که باید مسافر با خود بردارد فصل
چهارم در آداب توشه برداشتن (ص ۳۲۶) در سفر و آداب
صرف کردن آن فصل پنجم در بیان مذمت تنهائی
سفر کردن و آداب رفیق با خود بردن و آداب معاشرت اینها
فصل ششم (ص ۳۲۷) در بیان سایر آداب سفر فصل هفتم

در آداب راه رفتن و فرود آمدن فصل سیم در بیان
دعاهائیکه در راه و منازل باید خواند فصل چهارم در
آداب سفر دریا و کشتی از جرها و بلیها فصل پنجم
در آداب مشایعت و استقبال و غیره باب اول در
آداب پوشیدن و کندن جامها و مشتمل بر هشت فصلست

فصل اول در پوشیدن پنبه و کتان و پشم و بیان
رنگهائیکه در جامه سنت یا مکروه هست بدانکه بهترین
جامها جامه ایست که از پنبه بافته باشند و آن پوشش رسول
خدا و اهل بیت است و بعد از آن کتانست که پوشش
پیغمبرانست و اما لباس پشمینه را همیشه پوشیدن
و لباس خود قرار دادن کراهت دارد بخصوص اگر جهت
آن پوشند که از سایرین ممتاز شوند و گمان کنند که
ایشان را باین سبب بر دیگران فضیلت و زیادتی
هست و چنین جماعت را حضرت رسول صلی الله علیه و
آله لعن فرموده چنانچه در حدیث ابوذر غفاری رضی

علیه منه

الله عنه است و اما آنکه بجهت رفع سرما یا گرما
یا قناعت پوشند مضایقه ندارد و پوشیدن حریر
محض و طلا باف بر مردان حرام است و علامه مجلسی
فرموده حرام است مردان را پوشیدن لباسیکه مخصوص
زنانست مانند مچک و مقنعه و بر زنان حرامست
عکس آن یعنی پوشیدن لباس مخصوص مردان مانند
قبا و عمامه و از حضرت امام محمد باقر ع روایتکرده
که جایز نیست زنان را که شبیه بمردان شوند برا
که پیغمبر صلی الله علیه و آله لعن فرموده مردانیرا که
شبیه بزنان شوند و زنانیکه شبیه بمردان شوند
و همچنین حرام است پوشیدن لباسیکه مخصوص
بکافران باشد مانند زنار و کلاههای فرنگی
غیران و اما رنگ جامه پس بهترین رنگها در
جامه سفید است که نیکوتر و پاکیزه ترین رنگهاست
است و امیر المؤمنین ع در اکثر اوقات لباس سفید

میپوشیدند و بعد از آن زرد و بعد از آن سبز
و بعد از آن سرخ هم رنگ و کبود و عدسی و است
مکروه است سرخ تیره خصوص در نماز و از
حضرت امام جعفر صادق علیه السلم منقول
استکه جامه سرخ تیره پوشیدن کراهت دارد
مگر برای نو داماد و پوشیدن جامه سیاه کراهت
شدید دارد در همه حال مگر در عمامه و عبا و موزه
و وارد شده که مپوشید جامه سیاه که آن پوشش
فرعونست و منقولستکه شخصی از امام جعفر
صادق علیه السلم پرسید که در کلاه سیاه
نماز بکنم فرمود که در آن نماز مکن که لباس اهل
جهنم است **فصل دویم** در آداب جامه و ذکر
بعضی از آداب پوشیدن آن مذموم است
جامهها دراز پوشیدن و آستین را دراز کردن
و جامه را از روی تکبر بر روی خاک کشیدن و وارد

شده که جامه آنچه از غوزک پا میگذرد در آتش
جهنم است و حضرت امیر المؤمنین علیه السلم
چون پیراهن میپوشیدند آستین را میکشیدند
آنچه از سر انگشتان میگذشت میبریدند و منقول
استکه حضرت رسول صلعم با ابی ذر فرمودند که
هر که از روی تکبر جامه اش را بر زمین کشد حق
تعالی در قیامت نظر رحمت با و نفرماید و نیز
وارد شده که آن از اخلاق قوم لوط است و از
حضرت صادق علیه السلام منقولستکه حضرت
امیر المؤمنین ع تشریف بردند ببازار و سه جامه
برای خود خریدند بسیار شرفی پیراهن را تا نزدیک
بند پا و لنگ را تا نیمه ساق و ردا را از پیش
تا پستان و از عقب تا پایین تر از کمر پس دست
باسمان برداشت و پیوسته حمد الهی مینمود بر
این نعمت تا بخانه باز گشت **فصل سیم** در بیان

عمامه بر سر بستن است عمامه بر سر بستن سنت است
و وارد شده که آن تاج عربانست هرگاه که عمامه را
بر طرف کنند خداوند عزت شانرا بر طرف خواهد
کرد و مرحوم مجلسی ره از شیخ شهید علیه الرحمه
نقل کرده که فرموده عمامه نابسته پیچیدن سنت است
و نیز سنت است تحت الحنک بستن و از حضرت
صادق ع وارد شده که هر که عمامه بپیچد بر سر و
تحت الحنک نبندد و باو دردی برسد که دوا نداشته
باشد پس ملامت نکند مگر خود را و نیز منقول
است از آنحضرت که فرموده من تعجب میکنم از کسیکه
شروع کند در حاجت خود و حال آنکه گردانیده
باشد عمامه خود را از زیر حنک خود چگونه بر نمی
آید حاجت او و نیز از آنحضرت مرویست که حضرت
رسالت پناه صلی الله علیه و اله بر سر حضرت
امیر المؤمنین علیه السلم عمامه بدست مبارک

خود پیچیدند و یکسر عمامه را از پیش رو او آویختند
و طرف دیگر را بقدر چهار انگشت کوتاه تر از عقب
سر او آویختند پس فرمودند که برو آنحضرت رفت
و فرمود که بیا آنحضرت آمد آنگاه فرمودند که
چنین است والله تاجهای ملئکه مؤلف
گوید که احادیث ترغیب در تحت الحنک بسیار است
و استحباب آن عام است در جمیع اوقات و بما لا
مختص و مخصوص نیست بحال نماز هر چند در
حال نماز افضل است بلکه آن بر اکثر مستحب است
چه در حال نماز و چه در غیر حال چنانچه شیخ
بهائی قدس سره در مفتاح الفلاح فرموده
و گفته که من نیافته ام در احادیثیکه در کتب
اصول ما هست چیزی را که دلالت کند بر استحبا
آن از برای نماز بلکه احادیثی که در استحباب وارد
است همه عام است تمام شد کلام او مرحوم لکن این

سنتیکه نقل شده اجماع شیعه بران در این زمانها
مندرس و متروک شده و شاید سر آن همانست
که محدث کاشانی قده فرموده که چون این از مختصات
مذهب حقه شیعه بوده و در زمان سابق بجهت
تقیه ترک میکردند همین طریق ترک آن مستمر شده
تا اینزمانها که تقیه بر طرف شده و حذری بر
ترک آن نیست و گردیده قبیح در نظر عوام و جهله
شیعه و تقیه منعکس شده چون عمامه بر سر گذاری
ابتدا دعا را بخوان اللّهمّ سوّمنی بسیماء الایمان و
توّجنی بتاج الکرامة و قلّدنی حبل الاسلام و لا
تخلع ربقة الایمان من عنقی علامه مجلسی علیه الرحمة
فرموده که کلاههای دراز که برطله میگویند وارد
شده است که پوشیدن انها زی یهود است و
علما گفته اند که مکروه است و از بعضی احادیث
ظاهر میشود که پائین کلاه را شکستن و برگردانیدن

مکروه است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که هر گاه کلاههای ترک دار در میانه
امت من پیدا شود زنا کردن در میان ایشان شایع
شود و کلاه ترک دار ظاهرا مانند قاووق و کلاه
یکتاشو امثال آن باشد **فصل چهارم** در آداب
زیر جامه پوشیدن زیر جامه را نشسته بپوش
و ایستاده مپوش که مورث هلاک و زرداب و
غم و الم میشود بلکه روایت شده است که هر که زیر
جامه را ایستاده بپوشد تا سه روز حاجتش بر
آورده نشود و رو بقبله و رو بانسان مپوش
و پیراهن را پیش از او بپوش چنانچه پیغمبران
علیهم السلام چنین میکردند و در وقت پوشیدن
ابتدا دعا را بخوان اللّهمّ استر عورتی و آمن
روعتی و اعفف فرجی و لا تجعل للشیطان فی
ذلک نصیبا و لا له الی ذلک وصولا فیضحک

سنتیست که نقل شده اجماع شیعه بر آن در این زمانها
مندرس و متروک شده و شاید سر آن همان است
که محدث کاشانی قده فرموده که چون این از مختصات
مذهب جعفر شیعه بوده و در زمان سابق بجهت
تقیه ترک میکردند همین طریق ترک آن مستمر شد
تا این زمانها که تقیه برطرف شده و حذر از
ترک آن نیست و گردیده قبیح در نظر عوام و جهله
شیعه و تقیه منعکس شده چون عمامه بر سر گذاری
این دعا را بخوان اَللّٰهُمَّ سَوِّمْنِی بِسِیمَاءِ الْإِیمَانِ وَ
تَوِّجْنِی بِتَاجِ الْكَرَامَةِ وَ قَلِّدْنِی حَبْلَ الْإِسْلَامِ وَ لَا
تَخْلَعْ رِبْقَةَ الْإِیمَانِ مِنْ عُنُقِی علامه مجلسی علیه الرحمة
فرموده که کلاههای دراز که برطله میگویند وارد
شده است که پوشیدن آنها زی یهود است و
علما گفته اند که مکروه است و از بعضی احادیث
ظاهر میشود که پائین کلاه را شکستن و برگردانیدن

مکروه است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقول است که هرگاه کلاههای ترک دار در میان
امت من پیدا شود زنا کردن در میان ایشان شایع
شود و کلاه ترک دار ظاهرا مانند قاووق که
بکتاشی و امثال آن باشد **فصل چهارم** در آداب
زیر جامه پوشیدن فقه رضوان زیر جامه را نشسته بپوش
و ایستاده مپوش که مورث هلاک و زرداب و
غم و الم میشود بلکه روایت شده است که هر که زیر
جامه را ایستاده بپوشد تا سه روز حاجتش بر
آورده نشود و رو بقبله و رو بانسان مپوش
و پیراهن را پیش از او بپوش چنانچه پیغمبران
علیهم السلام چنین میکردند و وقت پوشیدن
این دعا را بخوان اَللّٰهُمَّ اسْتُرْ عَوْرَتِی وَ آمِنْ
رَوْعَتِی وَ اَعِفَّ فَرْجِی وَ لَا تَجْعَلْ لِلشَّیْطَانِ فِی
ذٰلِكَ نَصِیبًا وَ لَا لَهُ اِلَی ذٰلِكَ وُصُولًا فَیَصْنَعَ لِی

المکائد و نجّنی لارتکاب محارمک فصل پنجم

در آداب جامه نو پوشیدن چون جامه نو پوشی این
دعا را بخوان که از حضرت امام محمد باقر علیه السلام
روایت شده اللّهمّ اجعله ثوب یمن و تقوی و برکة (و تقی خ ل)
اللّهمّ ارزقنی فیه حسن عبادتک و عملا بطاعتک و
اداء شکر نعمتک الحمد لله الذی کسانی ما اواری
به عورتی و اتجمّل به فی النّاس و نیز وارد شده که
چون جامه نو بپوشی بگو لا اله الّا الله محمّد رسول
الله تا از فقها نجات یابی و سزاوار است که چون
حق تعالی جامه نو بتو عطا فرماید بپوشی از او
وضو بسازی و دو رکعت نماز کنی و در هر رکعت
سوره حمد و آیة الکرسی و قل هو الله احد و انّا
انزلناه بخوانی پس از فراغ حمد کنی خداوند را
که عورت تو را پوشانید و در میان مردم تو را زینت
ساخت و بسیار بگویی لا حول و لا قوّة الّا بالله

العلیّ العظیم که وارد شده کسی که چنین کند در
آن جامه معصیت خدا را نکند و بعدد هر تاری که
در آن جامه است ملکی خدا را بپاکی یاد کند و
برای او استغفار کند و بر او ترحّم کند

فصل ششم در بیان سایر آداب پوشیدن و
کندن جامه است مکروه است عریان شدن
در شب و روز و هرگاه مرد عریان شود شیطان
بسوی او نظر میکند و طمع میکند در آنکه او را
بمعصیت در آورد و چون خواهی جامه را از تن
بیرون کنی بسم الله بگو تا جنّیان او را نپوشند و
چون جامه را کندی او را تا کن که تا کردن راحت
جامه است و بیشتر باقی میماند خصوصا در شب و
اگر او را پراکنده گذاشتی شیاطین بر خود میپوشند
و چون خواستی که بپوشی از راست کن پوشیدن
و ستر عورت و زینت کردن از برای مسلمین و اظهار

نعمت خدا را زیرا که حق تعالی دوست میدارد زینت
و اظهار نعمت را در پوشیدن هر لباسی ابتدا کن
بطرف راست و بطرف چپ ابتدا کن در وقت کندن
و نام خدا را بر زبان جاری بکن و وقتیکه پوشیدی
حمد خدا را بکن و همینکه عوض کردی لباس خود را
کهنهٔ او را بفقیر بده تا در حرز خدا تعالی بوده باشی
و نفروش جامه را که عبادت کرده باشی خدا را در
آنجامه و جامهٔ بیرونی خود را در اندرون مپوش
تا اسراف نکرده باشی و وارد شده که اسحق بن
عمار از حضرت صادق علیه السلم پرسید که
میتواند بود که مؤمن ده پیراهن داشته باشد
فرمود بلی گفت که بیست پیراهن فرمود بلی این
اسراف نیست اسراف آنستکه جامه که باید برای
زینت نگاه داشته باشی بعوض جامه که در وقت کار
بپوشند بپوشی و وارد شده که بندهای قبا و پیراهن را

گشودن از آن شش چیز است که از اخلاق قوم لوط
است **فصل سیزدهم** در آداب نعلین و موزه و
رنگ آنها بهترین رنگها در نعلین و کفش رنگ
زرد است و چشم را جلا میدهد و غم را برطرف
میکند و پوشش پیغمبران است و بعد از آن سفید است
و کهنه نخواهد شد نعل سفید مگر آنکه صاحبش
کسب کند مال را از جائیکه گمان نداشته باشد
و وارد شده که هر که نعل زرد یا سفید بپوشد
او را مال و فرزندان بهم رسد و هر که نعل سیاه
بپوشد همچنین است و باید در موزه و چکمه رنگ
سیاه بهترین رنگها است و در سفر رنگ سرخ خوب
است و در حضر کراهت دارد و از داود رقی
وارد شده که حضرت صادق علیه السلم را دیدم
در سفر که موزهٔ سرخ پوشیده بودند پرسیدم
که این موزهٔ سرخ چیست فرمود که اینرا از برای

سفر کرده‌ام و برای گل و باران خوب است اما در حضر هیچ
رنگ بهتر از سیاه نیست و سنت است نعلی که میانش تهی
باشد و همه‌اش بر زمین نچسبد و غیر این مکروه است
و کفش تنگ پوشیدن بدن را از بلاها نگاه میدارد
و معین است بر تمامی نماز و وضو و باعث زیادتی عمر است
و نعل هموار پوشیدن که همه‌اش بر زمین رسد پوشش
یهودان است و اگر سیاه باشد موجب اندوه و غم و ضعف
چشم میشود و موجب خیلاء و تکبر است و هر که به
پوشد در روز قیامت با جباران محشور شود و موزه
پوشیدن نور چشم را زیاد میکند و مدد و منش امان
میدهد از مرض سل و از مرگ بد و از خوره **فصل**
هشتم در آداب پوشیدن و کندن کفش است چون
کفش بپوشی ابتدا کن بپای راست و در وقت کندن
ابتدا کن بپای چپ و با یکتای کفش راه مرو که وارد
شده که هر که با یکتای کفش راه برود شیطان با او دست

یابد و دیوانه شود و منقول است که حضرت رسول
صلی الله علیه و آله نهی فرمودند از راه رفتن
بیکتای نعل و از ایستاده پوشیدن نعل و در
بعضی است که کراهت ایستاده پوشیدن مخصوص نعلی
باشد که بندها بشرا میباید بست چنانچه علامه
مجلسی علیه الرحمة فرموده‌اند و در مکارم از کتاب
نجات نقل فرموده که موزه و نعل را نشسته بپوش
و در وقت پوشیدن بگو بِسْمِ اللّٰهِ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَوَطِّئْ قَدَمَیَّ فِی الدُّنْیَا وَالْآخِرَةِ
وَثَبِّتْهُمَا عَلَی الصِّرَاطِ یَوْمَ تَزِلُّ فِیهِ الْأَقْدَامُ و در
وقت کندن ایستاده بکن و بگو بِسْمِ اللّٰهِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ
الَّذِی رَزَقَنِی مَا أَقِی بِهِ قَدَمَیَّ مِنَ الْأَذَی اللّٰهُمَّ
ثَبِّتْهُمَا عَلَی صِرَاطِكَ وَلَا تُزِلَّهُمَا عَنْ صِرَاطِكَ السَّوِیِّ
باب دوم در آداب تحلی و زیور پوشیدن مردان
و زنان و سرمه کشیدن و در آیینه نظر کردن و خضاب

کردن است و آن مشتمل بر هفت فصل است

فصل اول در بیان فضیلت انگشتر بدست
کردن بدانکه سنّت مؤکد است از برای مردان و
زنان انگشتر در دست راست کردن و آن علامت
است از برای شیعیان و سنّت پیغمبران است
و یکی از پنج علامتیست که از برای مؤمنست
و حضرت رسول صلی الله علیه و آله نهی فرمودند
از انگشتر کردن در انگشت شهادت و انگشت
میان و وارد شده که انگشتر بسر انگشتان کردن
عمل قوم لوط است و سید ابن طاوس علیه الرحمه روایت
کرده که در وقت انگشتر در دست کردن این دعا
را بخوانند اللّهمّ سوّمني بسيماء الايمان و
توّجني بتاج الكرامة و قلّدني حبل الاسلام و
لا تخلع ربقة الايمان من عنقي **فصل دوم**
در نگین انگشتر و فضیلت عقیق و فیروزه و جزع

پنج علامت مؤمن بسم الله الرحمن الرحیم را در نماز بلند گفتن و انگشتر در دست راست کردن و پنجاه و یک رکعت نماز فرض و نافله در شبانه روز کردن و [illegible] و زیارت اربعین کردن منه

یمانی و سایر نگینها بدانکه بهترین نگینها از برای
انگشتر عقیق است که اول کوهیست که اقرار کرد
بوحدانیت حضرت حق جلّ شانه و بر نبوّت حضرت
رسالت پناه و بولایت امیر المؤمنین علیهما و
علی آلهما السلام و فضیلتش زیاده از آنست که
شمرده شود و آن حرز از دشمنان و بلاها است
و فقر و درویشی را برطرف میکند و هر که انگشتر
عقیق در دست داشته باشد خاتمه‌اش بخیر آورده
شود و امید هست که عاقبتش مقرون بخیر و
نیکی باشد و مورث ایمنیست در سفر و نماز کسی
که [illegible] انگشتر عقیق در دست داشته باشد
چهل درجه زیادتی دارد بر نماز جماعتیکه غیر
عقیق در دست داشته باشند و امان است از
شر پادشاه ظالم و از هر چه آدمی از آن میترسد
و حذر مینماید و خدا دوست میدارد که بلند

کنند بسوی او دستیکه در او نگین عقیق باشد
و دستی بسوی آسمان بلند نمیشود که خدا دوست
تر داشته باشد از دستیکه در آن انگشتر عقیق
بوده باشد و منقولست که دو رکعت نماز با
انگشتر عقیق بهتر است از هزار رکعت که با آن
نباشد و بعد از عقیق فضیلت از برای فیروزه
و جزع یمانیست وارد شده که هر که انگشتر
فیروزه در دست کند دستش فقیر نشود و وارد
استکه نماز در جزع یمانی برابر هفتاد نماز است
و تسبیح و استغفار میکند و ثوابش برای
صاحبش نوشته میشود و از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله منقولست که خداوند عالمیان
میفرماید که من شرم میکنم از دستیکه بسوی
من بلند شود بدعا و در آن دست انگشتر فیروزه
باشد پس او را نا امید برگردانم و حضرت صادق

علیه السلام فرموده اند که من دوست میدارم
برای هر مؤمن که پنج انگشتر در دست داشته
باشد یاقوت و آن فاخرترین همه است و عقیق
و آن خالص‌تر است برای خدا و برای ما اهل
بیت و فیروزه و آن چشم را قوت میدهد و
سینه را گشایش میدهد و قوت دل را زیاده
کند و چون پی کاری رود انرا در دست کند
چون بر گردد حاجتش بر آورده شده باشد و
حدید صینی و انرا دوست نمیدارم که همیشه
در دست داشته باشد ولیکن اسرا بد نمیدانم
در دست کردن انرا در وقتیکه بدیدن کسی
رود که از او ترسد از اهل شر برای آنکه شر
او ساکن میشود و حدید صینی شیاطین را
دور میکند و باین سبب دوست میدارم که در
دست داشته باشد پنجم انکه در نجف

اشرف خدا ظاهر میباشد بدرستیکه هرکه انرا
در دست کند بهر نظر کردنی بان خداوند
عالم ثواب هزار حج و هزار عمره در نامهٔ عمل او بنویسد
که ثوابش ثواب پیغمبران و صالحان باشد و
اگر خدا رحم نمیکرد بر شیعیان ما هرآینه هر نگینی
از آن بقیمت جواهر میرسید و لکن خدا ارزان
کرده است برای ایشان که توانگر و غیر ایشان
توانند در دست کرد

فصل نهم در بیان

انچه سزاوارست که در نگین نقش کنند بدانکه
حضرت رسول صلی الله علیه و آله نهی فرمودند
از انکه صورت چیزی از حیوانات بر نگین انگشتر نقش
کنند و وارد است که عقل پیر انرا در سه چیز
امتحان میتوان کرد در درازی ریش و نقش
انگشترش و کنیتش و روایت شده که هرکه نقش
کند بر انگشترش ما شاء الله لا قوة الا بالله

أستغفر الله ایمن شود از فقر شدید و سید بن
طاوس قده در کتاب امان الاخطار از کتاب
فضل العقیق نقل فرموده باسناد خود از حضرت
ابو جعفر امام محمد باقر علیه السلام که انحضرت
فرمود که هرکه صبح کند و در دستش انگشتری باشد
نگین او عقیق باشد و انرا در دست راست
بانگشت کرده باشد پس صبح کند پیش ازانکه
ببیند کسیرا و بگرداند نگین انرا بطرف باطن
کف و بان نظر کند و بخواند سورهٔ انا انزلناه
فی لیلة القدر را تا اخر و بعد ازان بگوید آمنت
بالله وحده لا شریک له و کفرت بالجبت و
الطاغوت و آمنت بسر آل محمد و علانیتهم
و ظاهرهم و باطنهم و اولهم و آخرهم
نگهدارد او را خدا تعالی در انروز از شر
انچه فرود اید از اسمان و انچه بالا میرود در

آن و آنچه فرو میرود در زمین و آنچه بیرون
می آید از آن و بوده باشد در حرز و حمایت
خدا و دوستان خدا تا داخل شام شود
و مرویست که هر که انگشتری از عقیق بسازد
و در نگین آن نقش کند مُحَمَّدٌ نَبِیُّ اللّٰه وَ عَلِیٌّ وَلِیُّ
اللّٰهِ خدا او را از مرگ بد نگاه دارد و نمیرد
مگر بر دین حق **فصل چهارم** در زیور
طلا و نقره پوشانیدن بزنان و اطفال
منقولست که از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلم پرسیدند از زیور کردن زنان
بطلا و نقره فرمود که باکی نیست و در حدیث
دیگر از آنحضرت مرویست که فرمود که پدرم
امام محمد باقر علیه السلم زنان و فرزندان
خود را زیور طلا و نقره میپوشانید و وارد
شده که سزاوار نیست زن خود را معطل بگذارد

و زینت نکند اگر چه گردن بندی داشته
باشد که در گردن ببندد و سزاوار نیست
که دستش از خضاب خالی باشد اگر چه بمالیدن
حنا باشد هر چند سالخورده باشد علامه
مجلسی قده فرموده بدانکه در باب زیور طلا
احوط و اولی آنست که مردان اجتناب نمایند اگر
چه در شمشیر و مصحف باشد **فصل پنجم** در
آداب سرمه کشیدن بدانکه در کشیدن سرمه
سنگ بر چشم فوائد های بسیار است چشم
را جلا میدهد و موی مژه را میرویاند و
آب بخش چشم را زایل میکند و دهان را خوشبو
میکند و اعانت میکند سرمه بر طول دادن
سجود و از حضرت امام رضا علیه السلم منقول
است که هر که ایمان بخدا و روز قیامت دارد
باید که سرمه بکشد و از حضرت امام محمد باقر

علیه السلام منقولستکه سرمه سنگ در دیده
کشیدن دهانرا خوشبو میکند و مژگانرا
محکم میکند و از حضرت صادق علیه السلام روایت
استکه سرمه کشیدن در شب چشم را نفع میرساند
و در روز بینا ست و سرمه کشیدن در وقت
خواب روزا نورانی میکند و امان میدهد
از آب وردن چشم و روایت شده که حضرت
رسول صلی الله علیه و اله پیش از خواب
سرمه میکشیدند چهار میل در دیده راست
و سه میل در دیده چپ و از حضرت امیر علیه
السلام منقولستکه هرکه سرمه کشد باید
که طاق بکشد و اگر چنین هم نکند باکی
نیست و در مکارم روایت کرده که در وقت
کشیدن سرمه این دعا را بخواند اللّهمّ انّی
اسئلک بحقّ محمّد و ال محمّد ان تصلّی علی

محمّد و ال محمّد و ان تجعل النّور فی بصری و البصیرة
فی دینی و الیقین فی قلبی و الاخلاص فی عملی و
السّلامة فی نفسی و السّعة فی رزقی و الشّکر
لک ابدا ما ابقیتنی **فصل ششم** در آداب نظر
کردن در آینه از حضرت صادق علیه السّلام منقول
استکه رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمود که
خداوند عالمیان واجب گردانید بهشت را از برای
جوانیکه تنها نظر در آینه کند و حمد خدا بجا
بگوید برآنکه خدا اورا بصورت نیکو آفریده و اورا
معیوب نگردانیده است و از فقه الرضا نقل شده
که چون خواهی که در آینه نظر کنی آینه را بدست
چپ بگیر و بگو بسم الله پس چون در آن نظر کنی
دست راست را بر پیش سر بگذار و بر روی خود بکش و ریش
خود را بدست راست بگیر و در آینه نظر کن و
بگو الحمد لله الّذی خلقنی بشرا سویّا و زیّننی

ولم یشنی و فضلنی علی کثیر من خلقه تفضیلا و منّ
علیّ بالاسلام و رضیه لی دینا پس آیینه را از دست
بگذارد و بگوید اللهم لا تغیّر ما بنا من نعمک واجعلنا
لانعمک من الشاکرین و لالآئک من الذاکرین و
منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله با امیر
المؤمنین علیه السلام فرمود که یا علی چون در آینه
نظر کنی بگو اللهم حسّنت خلقی فحسّن خُلقی و رزقی

فصل سیم در فضیلت خضاب کردن مردان

و زنان بدانکه مردان را خضاب کردن موی سر و ریش
سنّت مؤکد است و زنان را خضاب کردن موی سر و
دست و پا سنت است و علامه مجلسی ره فرموده که مردان
را خضاب دست و پا کراهت دارد مگر اندک زنگی که
بعد از نوره بر جمیع بدن مالیدن حنا سنتست که از
آن رنگ در دست بماند که رنگ ناخن سرخ مایل
شود و خضاب کردن بحنا از سنن پیغمبرانست و یک درهم که

در خضاب صرف شود بهتر است از هزار درهم که
در راه خدا صرف نمایند و در آن چهارده خصلت
است باد را از گوشها دور میکند و غبار را از چشم
برطرف میکند و چشم را جلا میدهد و بینی را نرم
میکند و دهان را خوشبو میکند و بن دندان را
محکم میکند و کندن بغل را دفع میکند و وسوسه
شیطان را کم میکند و ملائکه بسبب آن شاد میشوند
و سبب خوشحالی مؤمنان و خشم کافران میشود
زینت است و بوی خوش است و موجب خلاصی از
عذاب قبر میشود و نکیر و منکر شرم میکنند از آن
و این فضیلت از برای مردان در خضاب کردن سر و
ریش است نه در دست و پا بلکه آن مذموم است
چنانچه از اخبار مستفاد میشود و اما از روایتی
که از ابی الصباح منقولست که گفت اثر حنا در
دست مبارک حضرت امام محمد باقر علیه السلام

دیدم شاید مراد اثر ضعیفی است که از حنا باقی
بعد از دارو میماند و وارد شده که عمر او زینب
زن را که دستش از خضاب خالی کند دارد ار چه بمالیدن
حنا باشد هر چند پیر باشد و بدانکه مشهور میان
علما آنست که جنب را خضاب مکروه است و رجال
خضاب جنب شدن علامه مجلسی علیه الرحمه منع فرموده
و از بعضی احادیث ظاهر میشود که چون حنا رنگ
خود را داده باشد بعد از آن جنب شدن باکی نیست
و هم چنین مکروه است زن حایض را خضاب
کردن والله العالم **باب سیم** در اداب
خوردن و آشامیدن و مشتمل بر شش فصلست

فصل اول در پرهیز خوردن طعامهای
لذیذ و مذمت حرص و افراط در آن بدانکه
احادیث اهل بیت علیهم السلام ظاهر میشود
که طعامهای لذیذ خوردن و بمردم خورانیدن

وهمچنین مکروه است

و تکلف در خوبی و پاکیزگی آنها خوبست و طعامهای
لذیذ را بر خود حرام کردن خوب نیست و از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که خدا از آن کریمتر
است که سؤال کند از مؤمن از خوردنی و آشامیدنی
که در دنیا برای او حلال کرده باشد اما باید که از حلال
باشد و آنقدر نخوری که تو را از عبادت الهی باز دارد
و مانند حیوانات پیوسته همت خود را مصروف
بخوردن و آشامیدن نکنی بلکه منظور تو از خوردن
و آشامیدن تحصیل قوت برای عبادت باشد و
باید آنقدر صرف کنی که نسبت بحال تو اسراف نباشد
که خدا مسرفان را دوست نمیدارد و نباید که در
حال سیری چیزی بخوری که مورث برص و پیسی است
و خدا دشمن دارد کسیرا که طعام در هنگام سیری
بخورد و وارد است که هر که در دنیا سیرتر است
در قیامت گرسنه تر است و هر گاه شکم سیر شد

موجب طغیان و فساد میشود و هیچ چیز نزد خدا دشمن‌تر
نمیدارد مانند شکم پر از طعام

فصل دویم

در بیان بعضی از آداب و اوقات طعام خوردن سنت است
چاشت را بامداد خوردن و در میان روز چیزی نخوردن
و بعد از نماز خفتن نیز دیگر طعام خوردن چنانچه
حق تعالی در وصف طعام اهل بهشت میفرماید وَلَهُمْ
رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا و ترک طعام بعد از نماز
خفتن موجب خرابی بدن است و آدمی را پیر میکند و
وارد شده که او را ترک نکنید اگر چه بیک پاره نان خشکی
باشد و منقول است که در بدن رگی هست که آن را عشا
نام دارد هر که در طرف شب چیزی نخورد آن رگ او را
نفرین میکند تا صبح میگوید خدا تو را گرسنه بدارد
چنانچه مرا گرسنه داشتی خدا تو را تشنه دارد چنانچه
مرا تشنه داشتی پس البته ترک مکنید عشا را اگر
چه یک لقمه نان باشد و اگر چه یک کف آب باشد و طعام شب

تا عصر از طعام روزه است و ترک طعام در شب سه‌شنبه
و شب یکشنبه هم باعث بر طرف شدن قوت تا
چهار روز و سزاوار است که روز از خانه بیرون نروی
تا آنکه چاشت خود را بخوری که باعث زیادتی عزت
تو است اگر بحاجتی میروی پاره نان با نمک بخور
که بیشتر باعث عزت تو است و حاجت زودتر بر می‌آید

فصل سیم

در آداب طعام خوردن و دست
شستن بدانکه در احادیث معتبره بسیار از معصومین
سلام الله علیهم وارد شده که هر که خواهد خیر خانه‌اش
بسیار شود دست را پیش از طعام خوردن بشوید
و منقول است که دست شستن پیش از طعام و بعد
از طعام فقر را زایل میکند و روزی را زیاد میکند
و چرک را از جامه دور میکند و چشم را جلا میدهد و
دردها را از بدن دور میکند و باید که در دست
شستن قبل از طعام دست را بدستمال پاک نکنی زیرا

که تا زنده در دست هست برکت در طعام هست
و صاحب خوانرا اولیست زودتر از دیگران در دست شستن
قبل از طعام که دیگران را دشوار نباشد و بعد از
او هر که در جانب راستش نشسته است بشوید و بعد
از طعام ابتدا بدست چپ صاحبخانه میکند و
خود آخر همه میشوید برای آنکه او اولیست بآنکه صبر
کند بر آلودگی دست و در روایتست که چون از
طعام فارغ شود ابتدا از کسی کند که در جانب
راست درگاه نشسته باشد و سزاوار است که دستها
را همه در یک ظرف بشویند تا اخلاقشان نیکو شود
و سزاوار است همینکه خوان طعام را گذاشتند
بسم الله بگوید و ابتدا کند در خوردن طعام بنمک و
وارد شده که هر که در طعام افتتاح و اختتام نماید
بنمک خدای تعالی دفع کند از او هفتاد نوع از انواع
بلا را که آسانتر آنها خوره باشد و از امام

محمد باقر علیه السلام منقولست که در نمک شفای
هفتاد نوع از انواع درد هست اگر مردم بدانند
که چه منفعتها در نمک هست مداوا نکنند مگر بآن
و نیز وارد است که هر که نمک بپاشد بر اول لقمه
که میخورد رو بتوانگری آورد و در سر خوان مؤدب
بنشین بروش بندگان از جهت تواضع و فروتنی
برای پروردگار خود و حضرت رسول صلی الله
علیه و آله چون بر سر خوان مینشستند از پیش
خود طعام میخوردند و بروشیکه در تشهد نماز
مینشستند بهمان روش می نشستند و زانوی راست
را بر بالای زانوی چپ و پای راست را بر شکم پای
چپ میگذاشتند و میفرمودند (نزدش) بنده ام بروش
بندگان میخورم و بروش بندگان مینشینم و
خوابیده چیز مخور و تکیه بر چیزی مکن و ظاهر
بعضی از احادیث آنست که تکیه کردن بر دست

و تکیه کرده

تا کسی ندارد و چهار زانو بر سر خوان منشین که این
نشستن مکروه است خصوصاً اگر یکپا بر روی ران
باشد و حق تعالی این نشستن و صاحبش را دشمن می
دارد و تنها چیز مخور که تنها مکروه است و با خدمت
کاران و غلامان چیز خوردن و بر روی زمین
چیز خوردن سنت است و حضرت علی بن موسی الرضا
علیه السلم وقتیکه بر سر سفره مینشستند هیچ
کوچک و بزرگی را نمیگذاشتند مگر آنکه بر سر
سفره میطلبیدند حتی مهتر و حجام را و چون خوان
طعام حاضر شد هر سائلیکه آمد رد مکن و راضی
باش بآنچه که حاضر و موجود است و با اشرار و فجار
هم خوراک مشو بلکه سعی کن که با ابرار و اتقیا و
علما هم سفره شوی که خوردن غذا با ایشان مورث
حکمت است و حریص مباش در زیاد خوردن و سیر
شدن زیرا که هرگاه شکم پر سیر شد موجب طغیان

و فساد میشود و در ابتدای طعام بسم الله بگو تا
آزارت نکند و اگر در بین طعام سخن گفتی بعد از
فراغ از گفتن بسم الله را اعاده کن و اگر چند ظرف
در خوان باشد بر هر ظرفی باز بسم الله بگو و اگر
فراموش کردی بگو بِسْمِ اللهِ عَلیٰ اَوَّلِهِ وَ آخِرِهِ و از
حضرت صادق علیه السلم منقولست که هرگاه مسلمانی
خواهد که طعام بخورد و چون لقمه را بر دارد بگوید
بسم الله و الحمد لله رب العالمین پیش از آنکه لقمه
بدهانش رسد خدا تعالی گناهانش را بیامرزد و
بسیار کن حمد خدا را و حضرت صادق علیه السلم
بسماعه فرمود ای سماعه بخور و حمد خدا را بکن و مخور
که خاموش باشی و مرویست که آنحضرت در وقت طعام
خوردن بسیار میگفت الحمد لله الذی جعلنی اشتهیه و
ظروفیکه از طلا و یا نقره باشد استعمال مکن در
خوردن و آشامیدن که حرام است استعمال آنها

روایت شده که ظرف طلا و نقره متاع جماعتی استکه
یقین بآخرت ندارند و منقولستکه مکروه است
خوردن چیز در سفالیکه از مصر بیاورند و پخته
باشد و مکروه است خوردن و آشامیدن از ظرف
که نقره کوب یا طلا کوب باشد و طعام مخور بر سر
خوانیکه شراب در آن خورند که چیز خوردن بر آنخوان
حرام است و ملعونست کسیکه بر سر آن خوان نشیند
و نقل شده از بعضی که حرام است نیز خوردن در مجلسی
که هر نوع حرامی خورند یا کنند حتی آنکه بر سر سفره
غیبت کنند و در خوان خود سبزی حاضر نما که وارد
است هرگز خوانی نزد حضرت امیرالمؤمنین علیه
السلام نیاوردند مگر آنکه سبزی در آن بود و
همچنین سرکه نیز حاضر کن در خوان که فقر را زایل
میکند و عقل را قوی میکند و منقولستکه بهترین
نانخورشها نزد حضرت رسول صلی الله علیه

واله سرکه بود و پیغمبر میفرمود خانه که در آن سرکه باشد
از نانخورش خالی نیست و طعام گرم مخور بلکه
بگذار تا سرد شود که برکت در طعام سرد است و طعام
گرم برکت ندارد و شیطان در آن بهره دارد و مدد
در خوردنی و آشامیدنی که مکروه هست دمیدن
در کوزه ها و قدحها و در طعام و در موضع سجده و
نان را گرامی دار که کار کرده اند در آن فلکها از بالای
عرش تا زمین و بسیاری از اهل زمین تا آنکه بعمل
آمده و چون نان حاضر شد بخور و انتظار چیز دیگر
مبر و وارد شده که اگر نان نباشد نماز نمیکنیم و
روزه نمیگیریم و فرائض خدا را نمیتوانیم کرد و منقول
استکه گردهای نان را کوچک کنید که با هر گرده
برکتی است و نان را بو مکن بروش در زندگان و دست را
بر آن نمال و با کارد مبر آنرا بلکه با دست بشکن
و خوردن نان جو را ترک مکن که نان و طعام جو قوت

پیغمبران و نیکانست و وارد شده که فضیلت نان جو
بر گندم مثل فضیلت ما اهل بیت است بر سایر مردم
و از دست چپ مخور و میاشام مگر آنکه مضطر
باشی و با دو انگشت طعام مخور که فعل جبابره است
و نوع خوردن شیطانست و از پیش خود بخور و
از پیش دیگران چیزی بر مدار و از پهلوی طعام بخور
نه از بالای آن که برکت در بالای طعام است و لقمه
را کوچک بردار و نرم بخا و در روی مردم کم نگاه کن و
استخوان را پاک مکن که از برای جن در آن بهره است
و اگر نه از خانه میرود چیزی که بهتر از او است و نیکو
طعام بخور در نزد برادر مؤمنت و دوری کن از
چیزی که او کراهت دارد مثل نظر کردن بطعام خوردن
او و دمیدن در طعام و دست کشیدن از سفره پیش
از او و طول دادن نشستن بر سر سفره را که آنها عیب
است که از عمر حساب نمیشود **فصل چهارم** در آدا

بعد از طعام و فضیلت خلال و آداب آن هر گاه چیزی
خوردی بر پشت بخواب و پای راست را بر روی پای چپ
بگذار و انگشتان خود را بلیس که خدا بلیسنده
انگشتان فرماید که خدا برکت دهد تو را و حضرت
رسول صلی الله علیه و آله کراهت داشتند دستها را
بدستمال پاک کنند و وقتیکه چیزی از طعام
در آن بود تا آنکه خود میمکیدند یا در دهان بچه
طفلیکه در پهلوی ایشان بود میگذاشتند که بمکد
میمکید برای حرمت طعام و همچنین ظرف طعام را
بلیس و پاک کن و بر تو باد بخوردن آنچه از خوان
طعام افتاده است اگر چه کعبد و امثال آن باشد
و آنها مهر حور العین است و خوردن آنها شفا و
از هر دردیست و فرزند را زیاد میکند و فقر را بر
طرف میکند لکن در مثل صحرا هر چه از طعام ریخته
بر مدار بلکه بگذار از برای مرغان و جوانان اگر

بچه زان گوسفندی باشد و منقولست که هر که خرمائی
یا پاره نانی ببیند که بر زمین افتاده است پس بر
دارد و پاک کند و بخورد در شکمش قرار نگیرد مگر آنکه
بهشت را او را واجب گرداند و ببینم خورده مؤمنان بر
بجوید که سؤر مؤمن شفای هفتاد درد است اما خلال
کردن پس بدانکه وارد شده از حضرت صادق علیه
السلام که جبرئیل برای حضرت رسول صلی الله علیه و
آله مسواک و خلال و حجامت را آورد و فرمود که خلال
بن دندان را باصلاح میآورد و روزی را زیاد میکند
و نیز وارد شده که از جمله حق مهمان آنست که خلال
از برای او مهیا کنی و روایت شده که خلال کنید که
ملائکه هیچ چیز را دشمن نمیدارند مانند آنکه
ببینند در دندان بنده طعامی و چون خلال کنی
بچوب ریحان و انار و درخت گل خلال مکن که دو
رگ خوره را بحرکت میآورند و برگ خرما و نی نیز

خلال مکن و وارد شده از حضرت صادق علیه السلام
که هر که بنی خلال کند تا شش روز حاجتش بر
آورده نشود و فرمود که حضرت رسول صلی الله
علیه و آله بهر چه یافتند خلال میکردند بغیر از
برگ درخت خرما و نی و بچوب گز خلال مکن که
مورث فقر است و چون خلال کنی آب بخور تا سه
نوبت مضمضه کنی دهن را باب و هر چه در بن دندان
مانده باشد با هر چه را که بزبان از میان دندانها
بدر میآوری بخور و آنچه که در میان دندان مانده
باشد و آنچه را که بخلال در میآوری بینداز و

فصل پنجم در فضیلت ضیافت مؤمنان و

آداب آن بدانکه فضیلت ضیافت و اطعام برادران
مؤمن بسیار است و وارد شده که یک برادر مؤمن
را که از برای خدا با او برادری کنم سیر کنم بهتر است
نزد من از آنکه ده مسکین را سیر کنم و نیز وارد است

که سه مؤمن را طعام دهم نزد من بهتر است از هفت
بنده آزاد کردن و حضرت صادق علیه السلام فرمودند
که یک لقمه که برادر مؤمن نزد من بخورد دوست‌تر
دارم از بنده آزاد کردن و از حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام منقول است که هر مؤمنی که صدای مهمانی
را بشنود و بآن شاد شود گناهانش آمرزیده شود
اگرچه میان زمین و آسمان را پر کرده باشد و وارد
شده که هرگاه مهمان می‌آید با روزی خود می‌آید و
چون طعام خورد خدا صاحب خانه را می‌آمرزد
و وارد شده که اگر کسی هزار درهم صرف طعامی
کند و مؤمنان از آن بخورند اسراف نکرده است و
مروی است که هر که ایمان بخدا و روز قیامت دارد
باید که مهمان خود را گرامی دارد پس چون برادر
مؤمن تو بخانه تو آید باید آنچه را که حاضر داری
برای او بیاوری که از جمله گرامی داشتن تو است او را

اگرچه حقیر باشد و حقیر مشمار او را و چیزی که نداری
برای او تکلیف مکن و اگر طلبیده باشی او را برای
او تکلف کن و محبت مؤمن نسبت ببرادر مؤمن
بعد از آنست که از طعام او بخورد یعنی هرچند او
را بیشتر دوست دارد طعامش را بیشتر میخورد
و وارد شده که سخی و صاحب همت از طعام مردم
میخورد تا مردم از طعام او بخورند و بخیل طعام
مردم را نمیخورد تا از طعام او نخورند و ولیمه و مهمانی
سنت در پنج چیز است عروسی و عقیقه و ختنه کردن
پسر و خانه نو خریدن یا بنا کردن و از سفر بخانه
خود برگشتن و نهی شده است از ولیمه که مخصوص
توانگران باشد و حد ضیافت تا سه روز است
و بعد از آن تصدق و تبرع است و چون مهمان
بر تو وارد شد خدمت مفرما او را و مگذار که او
خدمت کند اگرچه اصلاح چراغ باشد و از حقوق

میهمانانست که خلال برای او حاضر نمایی و چون بیرون
رود همراه او بروی تا در خانه و تا به نظر بیند بر
سفره کسی حاضر نشوی و بر صاحب خانه تحکم نکنی
و هر جا که او امر میکند بنشینی و اگر تو را به ضیافت
طلبند قبول کن که از جمله حقوق واجبه مؤمن
بر مؤمنست و اگر پنج میل راه مسلمانان تو را
دعوت کنند بضیافت قبول کن که این از اموری
استکه در دین لازم است

فصل ششم در فضیلت

آب و انواع آن و آداب آشامیدن آن وارد شده که
بهترین آشامیدنیهای دنیا و آخرت آب است و روایت
شده در تفسیر آیه ثم لتسئلن یومئذ عن النعیم که مراد
از نعیم رطب و آب سرد است و آب زمزم بهترین آبهاست
بر روی زمین و دوای است برای هر دردی و از برای
هر مطلبیکه بخورند آن مطلب حاصل میشود و آشامیدن
آب باران بیماریها و دردها را از بدن دفع میکند و

از برای آب فرات فضیلت بسیار وارد شده و از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که گمان ندارم طفلی را که
کام او را از آب فرات بردارند مگر آنکه دوست ما
اهل بیت باشد و فرمود که پیوسته دو ناودان از
آب بهشت در آن میریزد و از حضرت سید الساجدین
سلام الله علیه وارد شده که ملکی در هر شب می آید و
سه مثقال از مشک بهشت در آب فرات میریزد
و هیچ نهری در مشرق و مغرب عالم برکتش زیاده از
فرات نیست و آب سرد حرارت را فرو مینشاند و
صفرا را ساکن میکند و تب را زایل میکند و آب
جوشانیده برای همه دردی نافع است و هیچ جهت
ضرر ندارد و اما آداب آشامیدن پس آنست که
کوزه آب را بدست راست بگیری و در شب نشسته
بیاشامی بخلاف روز و در ابتدا بسم الله بگوئی
و چون فارغ شدی الحمد لله بگوئی و از پیش دست

کوزه و از جائیکه شکسته باشد یا رخنه داشته باشد بخوری که این دو موضع جای شیطان است و بدست چپ مگیر آن را و اگر ظرفی نیست که بعد از تو کسی دیگر میخواهد بیاشامد آب بمکد و آب را بمک و کم کم بخور و دهان را پر مکن که باعث درد جگر است و اگر ظرف نباشد بجهت آشامیدن آب دهان را بر آب مگذار بلکه بدستهای خود بخور که وارد شده که بهترین ظرفهای شما دستهای شما است و اگر آب را بسه دفعه بخوری باین نحو که آب بخوری و هنوز خواهش تو باشد باز که آب را دور کنی از دهان و حمد خدا کنی پس باز چنین کنی و حمد خدا کنی پس باز بیاشامی که وارد شده که حق تعالی بسبب این بهشت را بر تو واجب کند و اگر در این سه مرتبه در هر مرتبه ابتدا ببسم الله کنی و اختتام کنی بالحمد لله مادام که آن در شکم تو است تسبیح خدا گوید و ثوابش از برای تو باشد و آب ایستاده مخور

که هر دردی را بسوی تو میکشد و وارد شده که بر بالای طعام آب ایستاده خوردن ضرر ندارد اما در غیر آن حال آب ایستاده مخور و اگر در شب آب بخوری سه مرتبه بگو عَلَیکِ السَّلامُ مِن ماءِ زَمزَمَ وَماءِ الفُراتِ تا ضرر بتو نرسانند و بعد از آنکه آب آشامیدی جناب سید الشهداء و اهل بیتش را یاد کن و لعنت کن کشندگان آنحضرت را که هر که چنین کند حق تعالی صد هزار حسنه برای او بنویسد و صد هزار گناه از او محو نماید و صد هزار درجه برای او بلند کند و چنان باشد که صد هزار بنده آزاد کرده باشد و حق تعالی او را در قیامت خوشحال و مطمئن خاطر محشور بگرداند و اگر باین نحو بگوئی خوب است صَلَواتُ اللهِ عَلَی الحُسَینِ وَاَهلِ بَیتِهِ وَاَصحابِهِ وَلَعنَةُ اللهِ عَلی قَتَلَةِ الحُسَینِ وَاَعدائِهِ

باب چهارم

در بیان فضیلت تزویج و آداب جماع مقاله

زنان و کیفیت تربیت فرزندان و معاشرت ایشان
و مشتمل است بر نه فصل **فصل اول** در فضیلت
تزویج و دوست داشتن زنان و نهی از رهبانیت
و ترک آن حتی آنکه از حضرت امام محمد باقر علیه السلام
وارد شده که خوشم نمی آید که دنیا و آنچه در دنیا
است داشته باشم و یک شب بدون زن بخوابم
فرموده که دو رکعت نماز که کدخدا بکند بهتر است
از عزبی که شبها تمام نماز کند و روزها روزه باشد
و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که دو رکعت
نماز که کدخدا میکند برابر است با هفتاد رکعت
نماز که عزب بکند و دوست داشتن زنان از سنت
پیغمبران است و تزویج از جمله چیزهائی است که رسول
خدا صلی الله علیه و آله از دنیا اختیار فرموده‌اند
بس است در فضیلت آن که بسبب آن نصف دین
حفظ میشود و بآن سبب دور میکند شیطان را از خود

در حدیث وارد شده که [illegible] حبب الی من دنیاکم ثلث النساء والطیب وقرة عینی فی الصلوة یعنی [illegible] اختیار کرده ام از دنیای شما سه چیز را بوی خوش و زن و نماز که نور چشم من است

عزوبیت را که نهی از آن وارد شده و بر میدارد کسالتی
را که از مداومت کردن در عبادات یافت شده
و باعث رغبت کردن در لذتهای بهشت میشود
زیرا که زن نمونه ایست از آن و باعث بسیاری
قبیله و عشیره میشود و سبب ریاضت نفس میشود
بواسطه کوشیدن در حقوق ایشان و تحمل
صدمات آنها و باعث پیدا شدن اولاد میشود
که بعد از خودش اثری از خود باقی میگذارد و عمرش
منقطع نمیشود اگر صالح باشند و از برای او استغفار
کنند و شفاعت او را خواهند نمود اگر پیش از او
بمیرند و باعث مباهات میشود بواسطه
آنکه پیغمبر صلی الله علیه و آله مباهات مینماید در
قیامت **فصل دوم** در اصناف زنان بدانکه
زن بمنزله قلاده ایست که در گردن میافکنی
پس ببین که چگونه قلاده برای خود میگیری

زنی را پیدا کن که از کفو و مانند تو باشد و درستی
آن باشد که فرزندزا و بهم رسانی و برای مال و جمال
مگیر که از هر دو محروم شوی بلکه برای دینداری
و صلاحیت خود بخواه تا هر دو روزی شود
و طلب کن زنی را که باکره و کم مهر و خوشبو و گندم
گون و فراخ چشم و میانه بالا و سیاه چشم باشد
و گردنش خوشبو و غوزک پایش پر گوشت
باشد و بهترین زنان زنیست که فرزند بسیار
آورد و شوهر دوست باشد و صاحب عفت باشد
و در میان خویشان خود عزیز و نزد شوهر ذلیل
باشد و برای شوهر خود زینت و بشاشت کند
و از دیگران عفت ورزد و مطیع شوهر و غیر مسلط
بر او باشد و از اعمال قبیحه پروا کند و چون
شوهر با او خلوت نماید اراده از او مضایقه نکند

فصل سیم در آداب نکاح و اراده آن و

آداب خلوت و چیزهائیکه متعلق باینست هرگاه
اراده خواستگاری نمودی دو رکعت نماز بگذار
و حمد الهی بکن و این دعا را بخوان اَللّهُمَّ اِنّی اُریدُ
اَنْ اَتَزَوَّجَ فَقَدِّرْ لی مِنَ النِّسآءِ اَعَفَّهُنَّ فَرْجًا
وَ اَحْفَظَهُنَّ لی فی نَفْسِها وَ مالی وَ اَوْسَعَهُنَّ رِزْقًا
وَ اَعْظَمَهُنَّ بَرَکَةً وَ قَدِّرْ لی وَلَدًا طَیِّبًا تَجْعَلُهُ خَلَفًا
صالِحًا فی حَیوتی وَ بَعْدَ مَوْتی و زن خواستن در ساعت
گرم باعث تفرقه شود و تزویج مکن در ساعتیکه
قمر در عقربست که هر که عقد یا زفاف کند و ماه
در عقرب باشد نیکو نبیند عاقبت و همچنین زمانیکه
تحت الشعاع باشد و روز جمعه روز خواستگاری
و نکاح است و مهمانی کردن و ولیمه دادن در وقت
تزویج سنتست و پیش از عقد نکاح خطبه خواندن
سنتست و منقولست که حضرت امام محمد تقی
صلوات الله علیه چون دختر مامون را عقد

کردند این خطبه را خواندند الحمد لله اقرارا بنعمته و
لا اله الا الله اخلاصا لوحدانیته وصلی الله
علی سید بریته والاصفیاء من عترته اما
بعد فقد کان من فضل الله علی الانام ان
اغناهم بالحلال عن الحرام فقال سبحانه وانکحوا
الایامی منکم والصالحین من عبادکم وامائکم
ان یکونوا فقراء یغنهم الله من فضله والله واسع
علیم وسنت است که عروسی در شب واقع شود و چون
عروس را بنزد تو بیاورند بگو که پیش از آن وضو
بسازد و تو هم وضو بسازی و دو رکعت نماز بکن و
بگو که او را نیز امر کنند که دو رکعت نماز کند پس
حمد الهی بکن و صلوات بر محمد و آل محمد بفرست
پس دعا کن و امر کن آن زنان را که با او آمده اند امین
بگویند و این دعا را بخوان اللهم ارزقنی الفها
وودها ورضاها وارضنی بها واجمع بیننا

باحسن اجتماع وآنس ائتلاف فانک تحب الحلال و
تکره الحرام چون نزد او روی بگذار دست خود را بر
بالای پیشانیش و بگو اللهم علی کتابک تزوجتها
وفی امانتک اخذتها وبکلماتک استحللت فرجها
فان قضیت لی فی رحمها شیئا فاجعله مسلما سویا
ولا تجعله شرک شیطان و کفشهایش را بکن تا
بنشیند و پاهایش را بشو و آب را از در خانه تا
منتهای خانه بپاش تا پریشانی از خانه تو بیرون
رود و برکت و رحمت بتو داخل شود و عروس
از دیوانگی و خوره و پیسی ایمن گردد و منع کن او را
تا هفت روز از خوردن شیر و سرکه و گشنیز و سیب
ترش و چون اراده مباشرت کردی نیت کن حفظ
نفس خود از شیطان و فراغت قلب را او باید همت
کار آنرا دور کنی از نزد خود و درها را ببندی
و پرده ها را بیندازی و بسم الله بگوئی و از حقتعالی

فرزند ذکر که تقی مستوی الخلقه طلب نمائی و بنما
بری بخدا از شر شیطان و پیش از جماع فی الجمله دست
بازی و خوش طبعی با او بکن تا عسل مرغان و جماع
مکن در اول ماه و میان ماه و آخر ماه که باعث
سقط و دیوانگی و صرع فرزند شود مگر در ماه
رمضان که جماع در شب اول آن سنت است و در وقت
مجامعت سخن مگو که بیم لال شدن فرزند است و
نظر بفرج او مکن که بیم کوری فرزند است و هر دو
بیک دستمال پاک مکنید خود را پاک مکنید که دشمنی
در میان شما واقع میشود و عریان مثل خرها جماع
مکن که باعث دوری ملائکه میشود و رو بقبله و پشت
بقبله جماع مکن و ایستاده جماع مکن که فعل خران است
و فرزند مانند خر بر رختخواب بول میکند و در شب
عید فطر جماع مکن که فرزند مظهر شرور خواهد شد
و در شب عید قربان جماع مکن که فرزند شش انگشت

یا چهار انگشت خواهد شد و در زیر درخت میوه
دار جماع مکن که جلاد و کشنده مردم یا سر کرده ظلم
خواهد شد و در برابر آفتاب جماع مکن که فرزند
همیشه در بدحالی و پریشانی خواهد بود و در
میان اذان و اقامه جماع مکن که فرزند راغب در
خون ریختن شود و چون زن حامله باشد بی وضو
با او جماع مکن که فرزند بکه بهم رسد کور دل و
بخیل باشد و اجتناب کن از جماع کردن در شب
نیمه شعبان که فرزند شوم و در رویش نشان سیاهی
باشد و همچنین از دو روز آخر ماه شعبان که عشار
و یاور ظالمان شود و همچنین در پشت بام که
منافق و ریا کننده و صاحب بدعت شود و در
زیر آسمان جماع مکن و در سر راه که مردم تردد
کنند جماع مکن که خدا و ملائکه و مردم لعنت
کنند و جماع مکن در مابین طلوع صبح و از وقت غروب

و مادر با صله و احسان بخویشان و روزه سنت بی
رخصت او ندارد و هر زنیکه شوهرش اراده نزدیکی
او کند مضایقه نکند و اگر شوهر از او رضایت نکند
او تا فجر کند تا بخواب رود پیوسته ملئکه او را
لعنت کنند تا شوهرش بیدار شود و بی رخصت او
از خانه بیرون نرود و اگر برود ملئکه آسمان و زمین
و ملئکه غضب و رحمت همه او را لعنت کنند تا بخانه
برگردد و هیچ شب نخوابد که شوهرش از او خشم
ناک باشد هر چند که شوهرش ظلم کرده باشد و
اگر شب بسر آورد و شوهر از او آزرده باشد نمازش
مقبول نیست تا شوهرش از او راضی شود و خود را
از برای شوهر خوشبو و زینت کند و جامهای نو
بپوشد و هر بامداد و شام خود را بر او عرضه
کند و از حضرت صادق علیه السلم منقولست که
هر زنیکه بشوهرش بگوید که من هرگز از تو نیکی

و در روز پنجشنبه وقتیکه آفتاب میان آسمان باشد فرزند سالم از شر شیطان باشد تا پیر شود و در شب جمعه فرزند خطیب شود و اگر بعد از عشا خفتن باشد امید است که از ابدال شود

ندیدم ثواب عملهایش همه بر طرف میشود و اما
حق زن بر مرد آن است که او را سیر کنی و بدنش را
بپوشانی و اگر بدی کند برای او ببخشی و عفو کنی و رو
نزد او ترش نکنی و هر سه روز یکمرتبه گوشت برای
او بیاوری و رنگ مانند حنا و وسمه هر شش ماه
یکبار باو بدهی و خانه اش را خالی مگذار از روغن
برای مالیدن و از سرکه و زیت و میوه ها که همه
کس خورند باو بخوران و در عیدها زیاده از
سایر اوقات خوردنی برای او بگیر و احسان کن بر
او و نیکو سلوک کن با آنها که زنان اسیر مرد است
و با آنها مشورت مکن که رای ایشان ضعیف است
و ایشان را پیوسته در پرده بدار و بیرون مفرست
و تا توانی چنان کن که بغیر از تو مردی را نشناسند و نبینند
با ایشان خدمتی بغیر از آنکه آنچه تعلق بخود شان
دارد مگذار که زن گل است و خدمتکار نیست

منع کن ایشان را از اجتماع ایشان و دور باشند اجتماع ایشان و شب از خانه بیرون نروند از خانه و از مجالس منع کن ایشان را از شنیدن حکایات شهوت انگیز و از مصاحبت با پیر زنان و مردم

آفتاب تا بر طرف شدن سرخی طرف مغرب و در روز یکه
آفتاب بگیرد و در شبیکه ماه بگیرد و در شب یا
روز یکه بادهای سخت وزد تا آنکه زلزله حادث
شود که اگر از تو فرزندی بهم رسد در این اوقات
نه بینی از آن چیزها که دوست داری و جماع مکن
با زن آزاد در خانه که شخصی بیدار باشد و شما را
ببیند یا سخن و نفس شما را بشنود که فرزند زنا
کار شود و رستگار نباشد و هم چنین جماع
مکن با مطلق زن در خانه که طفل باشد که آن
(یعنی چه آزاد باشد و چه کنیز باشد ۱۲)
طفل یا فرزند یکه بهم رسد زناکار شود و
حرام است جماع با زن در حال حیض و اگر مجامعت
شود و اگر شد که فرزند دشمن اهل بیت خواهد شد
و جماع مکن در کشتی و هم چنین در سفریکه آب
نیابی برای غسل مگر آنکه مضطر شوی و جماع
مکن بعد از احتلام پیش از آنکه غسل کنی و اگر

خواهی که جماع کنی و حال آنکه غسل نکرده باشی پس
بول کن و عورت خود را بشو و وضو بگیر بعد جماع
کن و هم چنین در وقتیکه عقیب جماع خواسته دیگر
باره جماع کنی و در ساعت اول شب جماع مکن و
در شب دوشنبه و شب سه شنبه و شب پنجشنبه و
روز پنجشنبه وقتیکه آفتاب بمیان آسمان باشد
و در شب جمعه خصوص بعد از نماز خفتن جماع
کردن ممدوح است و از برای هر یک از اینها آثاری
روایت شده است و الله العالم **فصل چهارم**
در بیان حق زن و شوهر بر یکدیگر و احکام آنها
لازم است بر زن که اطاعت شوهر کند و نافرمانی
او نکند و از خانه او بی رخصت تصدق نکند که هرچه
که بی رخصت او بکسی دهد ثوابش برای شوهرش
است و از برای او گناه است بلکه از مال خود هم
بی رخصت او ندهد مگر حج یا زکوة یا نیکی بپدر

ونماز روزه صله واحسان بخویشان ودوزه سنت بی
رخصت او ندارد وهر زنیکه شوهرش اراده نزدیکی
او کند مضایقه نکند واگر شوهر از او طلب کند و
او تأخیر کند تا بخواب رود پیوسته ملئکه او را
لعنت کنند تا شوهرش بیدار شود وبی رخصت او
از خانه بیرون نرود واگر برود ملئکه آسمان وزمین
وملئکه غضب ورحمت همه او را لعنت کنند تا بخانه
برگردد وهیچ شب نخوابد که شوهرش از او خشم
ناک باشد هرچند که شوهرش ظلم کرده باشد و
اگر شب بسر آورد وشوهر از او آزرده باشد نماز
مقبول نیست تا شوهرش از او راضی شود وخود را
از برای شوهر خوشبو وزینت کند وجامهای نو
بپوشد وهر بامداد وشام خود را بر او عرضه
کند واز حضرت صادق علیه السلم منقولست که
هر زنیکه بشوهرش بگوید که من هرگز از تو نیکی

ندیدم ثواب عملهایش همه برطرف میشود واما
حق زن بر مرد آنستکه او را سیر کنی وبدنش را
بپوشانی واگر بدی کند براو ببخشی وعفو کنی وروی
نزد او ترش نکنی وهر سه روز یکمرتبه گوشت برای
او بیاوری ورنگ مانند حنا ووسمه هر شش ماه
یکبار باو بدهی وخانه اش را خالی مگذار از روغن
برای مالیدن واز سرکه وزیت ومیوها که همه
کس خورند باو بخوران ودر عیدها زیاده از
سایر اوقات خوردنی برای او بگیر واحسان کن بر
او ونیکو سلوک کن با آنها که زنا سپرده است
وبا آنها مشورت مکن که رای ایشان ضعیف است
وایشان را پیوسته در پرده بدار وبیرون مفرست
وتا توانی چنان کن که بغیر از تو مردی را نشناسند و نبینند
وبا ایشان خدمتی بغیر از آنکه آنچه تعلق بخود شان
دارد مگذار که زن گلی است نه خدمتکار نیست

سخنش را در حق خود بگران قبول مکن و خود را بسیار
بد سنا و مده و او را مدبر کارهای خود قرار مده
که وارد شده چنین کسی ملعونست و در باب الاغانی
او را جامه و علم کتابت با ایشان نیاموز و چرخ
رشتن را تعلیم او کن و او را بر زین سوار مکن و
راز با ایشان مگو و در باره خویشان اگر هر چه
گویند اطاعت مکن و از برای سیر حمامها و عرو
سیها و عیدها و عزاها او را اذن مده که هر که
اطاعت زن خود بکند در اینموارد خدا او را سر
نگون در جهنم میاندازد و جناب رسول خدا
فرموده که در نیکی اطاعت زنان نکنید تا انکه
بطمع نیفتند در امر کردن شما ببدیها بخدا پناه
برید از بدان ایشان و از نیکانشان در حذر باشید
و بدانکه از جمله حقوق واجبه زن بر مرد آنستکه
هر چهار شب یکشب پیش او بخوابد و هر چهار ماه

بکمر بنه با او جماع کند اگر حاضر باشد و عذری
نداشته باشد و باقی حقوق و احکام آنها در
کتب مطوله مذکور است و این مختصر گنجایش ذکر
آنها ندارد والله العالم **فصل پنجم** در
بیان فضیلت اولاد و دعاهائیکه در طلب او
وارد شده است بدانکه اولاد صالح از سعادت
آدمیست و بیماری که بآنها رسد کفاره والدین
او است و چون گریه کنند تا هفت سال گریه
ایشان لا اله الا الله باشد و چون از هفت
سال بگذرد گریه ایشان طلب آمرزش است برای
والدین و چون بحد بلوغ رسند پدر و مادر در
ثواب ایشان شریک باشند و در گناه شریک نیستند
و زن از زمان حمل تا وضعش و تا فرزند را از شیر
بگیرد ثواب کسیرا دارد که در سرحد کافران مرابطه
نماید و دفع ایشان از مسلمانان کند و اگر در این

بپن بمیرد ثواب شهید دارد و کسیکه فرزند بمیرد کویا هرکز نبوده و اکر با فرزند بمیرد کویا نمرده است و بدانکه حقتعالی بر دختران مهربانتر است از پسران و وارد شده که دختران حسنات‌اند و پسران نعمت‌اند و خدا بر حسنه ثواب میدهد و از نعمت سؤال میکند و هرکه دختر یا سه خواهر را نفقه دهد بهشت بر او واجب شود و اکر دو تا یا یکی را هم نفقه دهد چنین است حضرت ابرهیم خلیل الرحمن علیه السلم از خدا طلب دختر نمود که بعد از مرک برای او کریه کند اما دعاهائیکه از برای طلب فرزند است بسیار است از جمله بعد از نماز صبح و بعد از نماز خفتن هفتاد مرتبه سبحان الله و هفتاد مرتبه استغفر الله بکوید و بعد از ان این آیه را بخواند اِسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ اِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا يُرْسِلِ السَّمَآءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيُمْدِدْكُمْ

بِاَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ اَنْهَارًا پس در شب سیم با زن خود جماع کند که خدا پسریکه تمام خلقش درست باشد باو عطا خواهد فرمود و از جمله چیزهائیکه وارد شده از برای طلب اولاد آنستکه چون بخواهی بنزد زوجه خود روی این وَذَا النُّونِ اِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا تا وَاَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ بخوانی که حقتعالی ترا فرزند روزی فرماید و در حدیث است که هرکه را فرزند نشود نیت کند که اکر مرا فرزند شود علی نام خواهم کرد اکر چنین کند خدا او را پسری عطا فرماید و در چند حدیث وارد شده که هرکه زنا و حملی داشته باشد و عزم کند که او را محمد یا علی نام کند او پسر شود و نیز از چیزهائیکه وارد شده است از برای طلب پسر آنستکه هرکاه چهار ماه بر حمل زن بکذرد رو باو بقبله کند و آیة الکرسی را بخوانی و دست بر پهلوی زن بزنی و بکوئی

اللهم انی قد سمیته محمدا که خدا او را پسر کرداند ان شاء الله تعالی و آنچه از ائمه طاهرین سلم الله علیهم اجمعین در طلب ولاد و طلب نیکو روا شده بسیار است و ما باینقدر اکتفا مینمائیم والله العالم

فصل ششم در آداب مدت حمل و روز ولادت و نام نهادن طفل از حضرت صادق علیه السلام منقول است که زن حامله به بخورد نار فرزندش خوشرو بود و زنان حامله فرزند صاحب فرزند باشد و کند اگر بار بخورد آن باعث محکم شدن دل و زیادتی عقل فرزند میشود و اول چیزی که سزاوار است و وقت تولد فرزند بزن بخورانی رطب است چون حضرت مریم علیها السلام و اگر وقت رطب نباشد خرمای مدینه یا خرمای بکر اگر آن نباشد کام طفل را در وقت ولادت با بفرات و تربت حضرت امام حسین علیه السلام بردارد و اگر آب فرات نباشد

با آب باران و اذان در گوش راست و اقامه در گوش چپش بگو که نگاه بدارد و او را از شر شیطان و ام الصبیان تا وضع ضرر نرساند و هرگاه بر زن دشوار شد زائیدن بنویس در پوست این آیات را و بر ریسمان ببندد بر ران راستش و چون وضع حمل شد باز کن بسم الله الرحمن الرحیم کانهم یوم یرونها لم یلبثوا الا عشیة او ضحیها اذ قالت امرات عمران رب انی نذرت لک ما فی بطنی محررا و شخصی بخدمت حضرت امام محمد باقر علیه السلام آمد و عرض کرد زن من از درد زائیدن مشرف بر مردن شده است حضرت فرمود که برو و این آیه را برا و بخوان فاجاءها المخاض الی جذع النخلة تا رطبا جنیا پس با آواز بلند بگو والله اخرجکم من بطون امهاتکم الی قوله تعالی تشکرون پس از آن بگو بعد کذلک ایها الطلق اخرج باذن الله و سزاوار

استکه فرزند در شکم مادر نام گذاری تا آنکه
سقط نشود و از برای او نام نیکو بگذار و دوستترین
نامها نامیست که دلالت بر بندگی خدا کند مثل
عبدالله و نحوان و بهترین نامها نام پیغمبرانست
و هر اهل بیتیکه در میان ایشان نام پیغمبری باشد
حقتعالی هر روز صبح و پیشین ملکی میفرستد که
دعا کند بر ایشان بتقدس و پاکی و حضرت رسول
صلی الله علیه و آله فرموده اند که هر که چهار فرزند
از برای او بوجود آید و هیچیکرا بنام من مسمّی
نسازد در او جفا کرده است و از حضرت امام موسی ع
علیه السّلم منقولست که فقر و پریشانی داخل خانه
نمیشود که در آنخانه نام محمد یا احمد یا علی یا حسن یا
حسین یا جعفر یا طالب یا عبدالله یا فاطمه باشد و
حضرت صادق ع فرمود بشخصی که فرزند خود را محمد
نام نهاده بود او را دشنام مده و او را مزن و بد باو

مرسان و بدانکه هیچ خانه نیست که در آن اسم محمد باشد
مگر آنکه هر روز آنخانه را مقدس و مطهر میگردانند
و حضرت رسول صلی الله علیه و آله نهی فرموده از نام
گذاشتن باسم حکیم و خالد و مالک و فرموده که
دشمنترین نامها نزد خدا حارث و مالک و خالد
است و نهی فرموده اند از چهار کنیت ابو عیسی و ابو
الحکم و ابو مالک و از ابو القاسم در وقتیکه نام
محمد باشد و وارد شده که باین نام نکنید که
مخصوص حضرت پیغمبر است و خوبست هر فرزند
محمد نام کنند تا روز هفتم آنوقت تعیین کنند
اسمشرا علامه مجلسی علیه الرحمة فرماید که از جمله
اعمالیکه در وقت ولادت سنت مؤکد است غسل
دادن طفل است و بعضی واجب دانند و احوط
آنستکه نیت کند که غسل میدهم این طفلرا
برای رضای خدا و سرشرا اول بشوید و بعد از آن

جانب راستش را و بعد از آن جانب چپش را

فصل هفتم در آداب عقیقه کردن

از برای مولود و سر تراشیدن و ختنه کردن و سوراخ کردن گوش ایشان بدانکه عقیقه فرزند بر کسیکه قادر بر آن باشد سنت مؤکد است و بعضی واجب دانسته اند و بهتر در روز هفتم طفل است و اگر تأخیر کند تا بلوغ طفل بر پدر سنت است و بعد از بلوغ تا آخر عمر بر خودش و وارد شده که عقیقه لازم است بر کسیکه غنی باشد و کسیکه فقیر باشد بعد از آنکه بهم رساند بکند و از عمر بن یزید منقول است که بخدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کرد که نمیدانم پدرم برای من عقیقه کرده است یا نه فرمود که عقیقه کن پس او در پیری خود را عقیقه کرد و آداب عقیقه بسیار است و در کتب احادیث و فقه مذکور است و ذکرش در این مختصر نشاید

مستحبست که در روز هفتم پیش از عقیقه سر طفل را بتراشند و بوزن موی سرش طلا یا نقره تصدق کنند و سنت است که تمام سر تراشیده شود و زلف و کاکل از برای او گذاشته نشود و وارد شده که طفلی را بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله آوردند که برای او دعا کنند و آن طفل کاکل داشت حضرت برای او دعا نکردند و فرمودند که کاکلش را بتراشند و سزاوار است که زعفران بعد از تراشیدن بر سرش بمالند و از خون عقیقه بر سرش نمالند که از عمل جاهلیت است و اما ختنه پس بر ذکور واجبست و از برای اناث واجب نیست لکن باعث ثواب میشود که نزد شوهران گرامی باشند و باید که اندکی ببرند و اول زنی را که ختنه کردند هاجر بود که ساره از روی غضب او را ختنه کرد و باعث زیادتی خوبی او شد و از آن روز سنت ختان

بر زنان جاری شد و از حضرت امیر المؤمنین علیه
السّلم منقولست که ختنه نکنند زنان را مگر بعد از
هفت سال و مستحب اینکه ختنه در روز هفتم
طفل واقع شود که بیشتر پاکیزه میکند بدن
طفل را و گوشت در بدنها زودتر میروید و
زمین کراهت دارد از بول کسیکه ختنه نکرده
باشد و وارد شده که زمین نجس میشود از بول
کسیکه ختنه نکرده باشد چهل روز و در حدیث
دیگر وارد شده که زمین ناله میکند بسوی خدا
از بول او و از حضرت صادق علیه السّلم منقولست
که در وقت ختنه کردن پسر این دعا را بخوانند
اگر در آنوقت میسر نشود تا بالغ شدن طفل
هر وقت که میسر شود بر آن طفل بخوانند که از
حرارت آهن را از کشتن و غیر آن دفع میکند
دعا اینست اللّهمّ هذه سنّتک و سنّة نبیّک

صلواتک علیه و آله واتّباع منّا لک و لنبیّک
بمشیّتک و ارادتک و قضائک لامر اردته و
قضاء حتمته و امر انفذته و اذقته حرّ الحدید فی
ختانه و حجامته بامر انت اعرف به منّی اللّهمّ فطهّره
من الذّنوب و زد فی عمره و ادفع الآفات عن بدنه
والاوجاع عن جسمه و زده فی الغنی و ادفع عنه
الفقر فانّک تعلم و لا نعلم و سوراخ کردن نرمهٔ
گوش راست و بالای گوش چپ از برای پسران سنّت
است و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السّلم
وارد شده که گوش پسر را سوراخ کردن و در روز
هفتم ختنه کردن از سنّتهاست و در ولادت حضرت
امام حسن علیه السّلم جبرئیل علیه السّلم برای
تهنیت رسول خدا صلوات الله علیه و آله در روز
هفتم نازل شد و امر کرد که او را نام کنند و سرش
را بتراشند و عقیقه از برای او بکنند و گوشش را

سوراخ بکند و همچنین جبرئیل ع در ولادت
حضرت امام حسین علیه السلم در روز هفتم
آمد و با بنها امر کرد **فصل ششم** در آداب
شیر دادن و تربیت کردن فرزندان و رعایت
ایشان بدانکه فقهای شیر دادن فرزند دو سال
و بیعد در زیاده جایز نیست و از بیست و یک ماه کمتر ندهند
مگر بجهت ضرورت و نافع و مبارکترین شیرها
شیر مادر است و از هر دو پستان شیر بدهند
که یکی بمنزله طعام و دیگری بمنزله آبست و اگر دایه
گرفتی دایه بگیر که بصورت و بسیرت نیکو باشد و
احمق و چشم معیوب نباشد زیرا که شیر طفل را
تاثیر میکند و در احادیث ذکر شده از شیر بکر از
زنا بهم رسیده باشد و همچنین از شیر زنیکه خودش
از زنا بهم رسیده باشد و اما تربیت فرزند وارد
شده که تا هفت سال بگذار بازی کند و بعد از آن

تا هفت سال دیگر سعی کن از تربیتش و اگر نیک
شد دیگر سعی کن و اگر نه امید خیری از او نیست
و در حدیث از حضرت صادق علیه السلم منقولست
که فرموده هفت سال بگذار او را که بازی بکند و
هفت سال دیگر خط و سواد او را بیاموز و هفت
سال دیگر حلال و حرام خدا را باو بیاموز و
همینکه پسران بسن شش رسیدند نباید دیگر
در یک لحاف بخوابند و پسران و دختران در ده
سالگی باید رختخواب ایشانرا جدا کنند و زود
احادیث تعلیم ایشان نما و تادیب کن ایشانرا
بر محبت علی بن ابیطالب علیه السلم و ایشانرا نام
نیکو بخوان و قرآن بیاموز و نیکو تادب کن
و بکسب نیکو بدار و شناگری و تیراندازی بایشان
بیاموز و شوخی و کج خلقی طفل در کودکی علامت
دانائی و بردباری او است در بزرگی و دوست دار

ایشان را و سفاهت و تندی با ایشان مکن و تکلیفهای
دشوار با ایشان مکن و اگر وعده با ایشان کردی وفا
کن بوعده‌ات و ببوس ایشان را که هر که فرزند خود را
ببوسد خدا حسنه برای او نویسد و او را شاد
کن تا خدا ترا در قیامت شاد کند و با او بروش
طفلان بازی کن و زیادتی مده بعضی اولاد خود
را بر بعضی دیگر مگر آنکه عالم و صالح باشد و
از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون
پسر سه ساله شود باو میگویند که هفت مرتبه
بگو لا اله الا الله و چون سه سال و هفت ماه
و بیست روز از عمرش بگذرد باو میگویند که
هفت مرتبه بگوید محمد رسول الله پس چون چهار
سالش تمام شود باو میگویند که هفت مرتبه بگوید
صلی الله علی محمد و آله پس چون پنج سالش تمام شود
او را میدارند که خدا را سجده کند پس چون شش

(ستودن)

سالش تمام شود نماز بیادش میدهند و بنمازش
میدارند و چون هفت سالش تمام شود وضو را باو
یاد میدهند و امر بنماز میکنند او را و چون نه سالش
تمام شود وضو و نماز را خوب بیادش میدهند و
بر ترک نماز و وضو میزنند او را پس چون وضو و نماز را
یاد گرفت خدا پدر و مادر را میآمرزد و باید که
چربی و کثافت دستهای ایشان را در شب پیش
از خواب بشوری که شیطان ایشان را بو میکند
و در خواب میترسند و ملائکه مینویسند که از اعمال
متاذی میشوند و در تحفه که برای اهل خانه
میخری دختران را مقدم بدار بر پسران و فرزندان را
شاد و خوشحال کن و قاووت و انار با ایشان
بخوران و از برای بیداری که بر طفل یا تر سیدن
زن در خواب یا بیداری از دزدی این آیه را بخوان
فَضَرَبْنَا عَلَىٰ آذَانِهِمْ فِي الْكَهْفِ سِنِينَ عَدَدًا ثُمَّ

بَعَثْنَاهُمْ لِنَعْلَمَ اَیُّ الْحِزْبَیْنِ اَحْصٰی لِمَا لَبِثُوا اَمَدًا و
دختر همینکه بسن شش رسید نامحرم او را نبوسد
و در دامن ننشاند و مادرش او را برهنه در پهلوی
خود نخواباند که بمنزله زناست و پسران او را نبوسند
و پسر که از هفت سال گذشت زنان او را نبوسند و از
حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که فرمود
عیال آدمی اسیران اویند پس کسیرا که خدا نعمتی
باو کرامت کند بر اسیران خود توسعه کند اگر نه
کند بزودی آن نعمت از او زایل شود **فصل**
سیم در بیان حق والدین بر فرزند و وجوب رعایت
حرمت ایشان بدانکه حرمت پدر و مادر از عمده
شرایع دینیست و ایشانرا از خود راضی داشتن
از اشرف طاعاتست و عاق بودن ایشان از جمله کبیره
و نباید که از اطاعت ایشان سر بپیچی اگرچه گویند
که از زن و مال خود بگذر که این از جمله امتحانات مگو

انکه امر کنند تورا که کافر شوی که در اینباب
اطاعت ایشان را نباید کرد و با ایشان نیکی
کن تا آنکه فرزندانت بتو نیکی کنند و خدا سکرات
و سختیهای مرگرا بر تو آسان کند و در زندگی پیر ایشان
نشوی و نباید پدر را بنام بخوانی و پیش
از او راه بروی و پیش از او ننشینی و کاری
نکنی که مردم او را دشنام دهند و بمادر زیاد
تو نیکی کن و بدانکه باعث شدن تو از برای انز
ایشان با تو نیکیست تا تو را نشان و اف بر
ایشان مگو که ادنای عقوق اف گفتن بروی
ایشانست و عاق پدر و مادر بوی بهشت را نمی
شنود و تند با ایشان نظر مکن و از روی شفقت
و مهربانی نظر کن که هر نگاه کردنی ثواب یک حج
مقبول دارد و از حضرت امام محمد باقر علیه
السلام منقولست که پدرم دید که شخصی پسرش

تا او راه میرود و تکیه بر دست پدر کرده است پدرم
دیگر با آن پسر سخن نگفت تا زنده بود و دعای ایشان
بر فرزند نیکوکار و نفرین ایشان بر فرزند بد که
عاق ایشان باشد البته مستجاب میشود و باید
دانستنکه عقوق والدین اختصاص بحالت زندگی
ایشان ندارد همچنانکه نیکی کردن با ایشان نیز
اختصاص بزندگی ایشان ندارد پس گاه هست که
کسی نیکوکار است با والدین خود در زندگی ایشان
لکن بعد از مرگ ایشان قرض ایشانرا ادا نمی کند
و طلب آمرزش برای ایشان نمیکند پس خدا او را
عاق پدر و مادر مینویسد و گاه هست که کسی
عاق ایشانست در زندگی ایشان پس چون مردند
قرض ایشانرا ادا میکند و استغفار از برای
ایشان میکند پس خدا او را نیکوکار مینویسد
پس ای برادر من پدر و مادر خود را فراموش مکن و

نیکی و احسان در حق ایشان زیاده کن و قرض ایشان
را ادا کن و اگر چیزی ندارند هم قرض ایشانرا ادا کن و
بنیابت ایشان نماز و حج کن و روزه بگیر و استغفار
کن که ثوابش هم بتو عاید میشود و بدانکه حق پدر
و مادر و احادیثی که در این باب وارد شده زیاده
از آنست که احصا توان نمود و ما باینقدر اکتفا
مینمائیم والله الموفق

باب بیست و هفتم در بیان
آداب مسواک کردن و شانه کردن و ناخن و شارب
گرفتن و سر تراشیدن و امثال آن مشتمل بر هفت
فصل است

فصل اول در بیان فضیلت
مسواک کردن و آداب آن از حضرت رسول صلعم
منقولست که جبرئیل علیه السلام آنقدر مرا امر بمسواک کرد
که گمان کردم که بر امت من واجب خواهد کرد و
مرویست که آنحضرت با امیر المؤمنین علیه السلام
وصیت فرمود که بر تو باد بر مسواک کردن نزد هر

و نیز از آنحضرت مرویست که اگر نه این بود که بر امت
من دشوار میباشد هر آینه واجب میگردانیدم بر
ایشان که در وقت هر نماز مسواک بکنند و منقول
است که حضرت صادق علیه السلام فرمودند که
در مسواک دوازده خصلت است از سنت
پیغمبرانست و پاک کننده دهانست و جلا دهنده
چشم است و موجب خوشنودی پروردگار است
و بلغم را دفع میکند و حافظه را زیاد میکند و
دندانها را سفید میکند و حسنات را مضاعف
میگرداند و پوستها انداختن و پوسیدن دندان
را میبرد و بن دندانها را محکم میکند و اشتهای طعام
را زیاد میکند و نور چشم را زیاد میکند و وارد
شده که دو رکعت نماز که با مسواک باشد بهتر است
از هفتاد رکعت نماز که بی مسواک باشد و باید
بعد از مسواک مضمضه کرد و بعض دندانها ما

شود و در بیت الخلا مسواک کردن موجب گند
دهان و در حمام باعث ریختن دندانها شود و
مسواک را ترک مکن در هر سه روز اگرچه یکبار
باشد **فصل دوم** در فضیلت سر تراشیدن
و آداب آن و آداب موی سر نگاه داشتن زنان
و مردان بدانکه چون موی سر بلند شود چشم را
ضعیف میکند و نور آنرا کم میکند و موی سر ازاله
کردن دیده را جلا میدهد پس چون موی سر بلند شد تا چرک
نگیرد و جانوران در آن جا نکنند و کردن را کند
کند و هر که لذت او را یافت ترک نمیکند و از
حضرت صادق علیه السلام فرمود که من هر جمعه
سر میتراشم و چون خواهی که موی سر را بتراشی
رو بقبله کن و ابتدا کن از پیش سر از جانب پیشانی
و در وقت شروع ابتدا کردن بخوان بسم الله و بالله
وَعَلی مِلَّةِ رَسُولِ اللهِ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ اللّهُمَّ

و کفایت میکند از مسواک اینکه انگشت ... اگر مسواک نباشد بلکه وارد شده از حضرت صادق علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود مسواک کردن با انگشت ابهام و انگشت مسبحه ...

اَعطِنی بِکُلِّ شَعرَةٍ نُوراً یَومَ القِیٰمَةِ و چون فارغ شوی
بگو اَللّٰهُمَّ زَیِّنّی بِالتَّقوی وَ جَنِّبنِی الرَّدیٰ و علامهٔ مجلسی
علیه الرحمه فرموده اند زنانرا بیضرورتی و عذری
موی سر را تراشیدن حرام است و مردانرا یکی از دو
چیز سنت است یا آنکه موی سر را بتراشند و این بهتر است
یا آنکه موی سر را بگذارند و تربیت کنند یا آنکه
بشویند و شانه کنند و موی پیش سر را دو حصه کنند
که در میان سر خط موی ظاهر شود و چون اول اسلام
تراشیدن عیب عظیم بود در میان عرب پیغمبر و امام
علیهما السلام نمیبایست کاری بکنند که در نظرها قبیح
نماید حضرت رسول صلی الله علیه و آله موی سر را بقدر
چهار انگشت میگذاشتند و در حج و عمره میتراشیدند
انتهی و وارد شده که هرکه موی سر را بلند بگذارد
و میان آنرا نگشاید حق تعالی در قیامت بپارهٔ از آتش
بگشاید مؤلف گوید که این معنی از حدیث چنان است که

علامه مجلسی ترجمه کرده ولکن ظاهر آنست که معنی آن
نباشد که هرکه مو را بگذارد و شانه نکند حق تعالی
در قیامت پارهٔ از آتش او را شانه کند و زنیکه بحد
بلوغ رسیده جمیع موی سر را بروش مردان در پیش
سرها در میان سرها در اطراف سر گره زنند که رسول
خدا صلی الله علیه و آله نهی از آن فرموده بلکه باید موی
را ویران نماید و همچنین آنحضرت نهی فرموده اند از
کاکل گذاشتن و از برای زنان کندن موی بالای پیشانی
یا بریدن آن و کندن موهای بدن و برای زینت باکی نیست
و همچنین باکی نیست بافتن موی خود را با موی
خارجی لکن با موی زن دیگر پیوند نکند **فصل**
سیم در فضیلت شارب گرفتن و ریش بلند
کردن بدانکه شارب گرفتن یعنی موی لب بالا را چیدن
سنت مؤکد است و دفع غم و وسواس میکند و هر چند
از ته بچینند بهتر است و وارد شده که حضرت

صادق علیه السلام شارب را انقدر میکرفتند که بیخ مو
میرسید و نگذارید که دراز شود که شیطان دران جای کند
و پنهان میشود و ناخن و شارب کرفتن از جمعه تا جمعه
دیکر امان میدهد از خوره و باعث زیادتی روزی
میشود و هر که در هر جمعه چنین کند پیوسته با طهارت
باشد تا جمعه دیکر و اکر در هر جمعه چنین کنی و در وقت
کرفتن بکوئی بِسْمِ اللهِ وَ بِاللهِ وَ عَلی سُنَّةِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ
صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وارد شده که بعدد هر ریزه که از مو
ناخن کنده بر برد خدای تعالی ثواب یک بنده ازاد کردن
از فرزندان اسمعیل باو عطا فرماید و بیمار نشود
مکر بیماری مرک و ترک مکن کرفتن شارب را که از
حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که شارب
را از ته بکیرید و ریش را بلند مکذارید و بیهودان و
کبران خود را شبیه مکردانید و فرموده که از ما نیست
هر که شارب خود را نکیرد و در روز شنبه و پنجشنبه کرفتن

شارب و ناخن موجب عافیت است از درد دندان و
درد چشم و اما اداب که در ریش باید بعمل اید انستکه
ریش را میانه کذاری نه بسیار بلند نه بسیار کوتاه
و زیاده از قبضه مکروه است و بعضی از علما احتمال
حرمت نیز داده اند و وارد شده که زیاده از یک
قبضه در اتش است و مشهور میان علما رضوان الله
علیهم انستکه تراشیدن ریش حرام است و احتیاط
باید کرد از اصلاح بسیار تند که شبیه بتراشیدن
باشد و وارد شده که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
فرمودند که در زمان پیش کروهی بودند که ریش
را میتراشیدند و شارب را میتابیدند خدای تعالی
ایشان را مسخ کرد و موی ریش زینت مردانست و
حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمودند بانکسیکه
محاسن مبارکش را اصلاح میکرد ریش را مدور کن
و منقولست که انجناب پهلوهای او را تنک میکردند

مویش را و زیر دفن را هم مپچیند **فصل چهارم**
در بیان فضیلت موی سفید و حکم کندن آن و کندن
موی بینی و بازی کردن با ریش اول کسیکه موی
سفید در محاسن او بهم رسید حضرت ابرهیم علیه
السلام بود و پیش از زمان آنحضرت موی سفید در
سر و ریش بهم نمیرسید و بواسطه آن ما بین پدر و
فرزندان فرق نمیگذاشتند پس حضرت ابرهیم از
خدا موی سفید طلبید بجهت امتیاز و چون موی
سفید در محاسن شریفش بهم رسید و نظر کرد دید
عرض کرد پروردگارا اینچه چیز است خطاب باو
رسید که این باعث وقار آدمیست گفت پروردگارا
وقار مرا زیاده گردان و از حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام منقولست که موی سفید را مکنید که
آن نور مسلمانیست و هرکه موی سفید در ریش
ظاهر شود در اسلام نوری باشد برای او در قیامت

و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که باکی نیست
که باکی نیست موی سفید را بریدن و کندن اما بریدن ریش
را دوست تر میدارم از کندن و از آنحضرت نیز وارد
شده که کندن و بریدن هر دو باکی نیست و هم از
آنجناب علیه السلام منقولست که حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام تجویز بریدن موی سفید میفرمود اما
کندنش را مکروه میدانست اما گرفتن موی بینی
پس باعث نیکوئی روی است و وارد شده که باید
کس موی شارب و موی بینی را بگیرد و باحوال بدن
خود بپردازد که اینها باعث زیادتی جمالست و اما
بازی کردن با ریش پس از وسواس شیطانست
مثل گل خوردن و گل را بدست ریزه کردن و ناخن
را بدندان گرفتن که اینها هم از وسواس شیطانست
و بسیار دست بر ریش گذاشتن رو را معیوب و بدنما
میکند **فصل پنجم** در بیان فضیلت ناخن

گرفتن و اوقات و آداب آن بدانکه ناخن چون بلند
شود شیطان در آن جا میکند و مورث فراموشی
است و گرفتن آن سنت موکد است و در خبر است
که گرفتن آن دردهای بزرگ را منع میکند و روزی را
فراخ میکند و زنان اندکی بجهت زینت بگذارند
بخلاف مردان که از ته بگیرند و بهترین اوقات
برای گرفتن آن روز جمعه است که باعث ایمنی است
از خوره و کوری و پیسی و ناخن و شارب گرفتن
و سر را بخطمی شستن در هر جمعه فقر را بر طرف
کند و روزی را زیاد میکند و اگر بحدی بلند نیست
که گرفته شود با سوهان و غیر آن بساو از شد
که بخدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
عرض کردند که بما خبر رسیده است که تعقیب خواندن
بعد از نماز صبح تا طلوع آفتاب نافع است برای
زیادتی روزی از سفر کردن بشهرها حضرت فرمود

که میخواهی چیزی بتو تعلیم کنم که از این بهتر باشد
گفتم بلی فرمود که ناخن و شارب را در هر جمعه بگیر
اگر چه بسیار نباشد و گرفتن آن در پنجشنبه روزی را
فراخ میکند و فرزندان را بسیار کند و درد چشم را
عافیت دهد و اگر کسی خواهد که فضیلت پنجشنبه و
جمعه هر دو را یابد در روز پنجشنبه بگیرد و یکی
را برای جمعه بگذارد تا همه را در پنجشنبه بگیرد و
در روز جمعه سوهان کند تا ریزه چند بریزد
و در گرفتن میخواهی از انگشت کوچک دست راست
شروع کن و با انگشت کوچک دست چپ ختم کن
یا بعکس آن یا آنکه ابتدا کن با انگشت کوچک دست
راست پس تا بگیر تا با انگشت بزرگ رسد پس از
آن از انگشت کوچک دست چپ شروع کن تا انگشت
مهین آن و علامه مجلسی علیه الرحمة فرموده و دور
نیست که اگر در روز چهارشنبه بگیرد ابتدا با انگشت

چیکردن بهتر است و اگر در روز پنجشنبه گیرد ابتدا
در هر دستی با انگشت کوچک آن دست کند و اگر
در روز جمعه یا سایر روزها گیرد ابتدا با انگشت
کوچک دست چپ کند و ختم با انگشت کوچک دست
راست کند و اگر در هر وقت ابتدا با انگشت کوچک
دست چپ بکند خوبست چنانچه علی بن بابویه
علیه الرحمه گفته است و در وقت گرفتن ناخن بگو
بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَعَلَى سُنَّةِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ چنانچه
در فضل شارب گرفتن گذشت **فصل ششم**
در دفن کردن مو و ناخن و سایر چیزها که دفن
باید کرد از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول
است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله امر فرمودند
ما را که چهار چیز را در خاک پنهان کنیم مو و ناخن
و دندان و خون را و از حضرت رسول صلی الله علیه
و آله مرویست که هفت چیز است که از آدمی جدا

میشود و آنها را دفن میباید کرد مو و ناخن و خون
و خون حیض و بچه‌دان و دندان و نطفه که پاره
خون شده باشد **فصل هفتم** در فضیلت شانه
کردن موی سر و ریش و اوقات و آداب شانه کردن
و انواع شانه‌ها بدانکه شانه کردن فقر را برطرف
میکند و دردها را میبرد و روز بروز باد مو را
نیکو و حاجت را روا و پشت را محکم و بلغم را قطع
میکند و موجب بسیاری فرزند میشود و شانه
کردن سر تب را میبرد و بلغم را قطع میکند و بسیار
شانه کردن روزی می‌آورد و قوت جماع را زیاد
میکند و شانه کردن ریش دندانها را محکم میکند
و شانه کردن پایین ریش طاعون را از این کس می
برد و شانه کردن عارض دندانها را محکم میکند
و وارد شده که در مناجات نماز حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام شانه بود که هرگاه از نماز فارغ

میشدند شانه میکردند و در تفسیر آیهٔ کریمهٔ خذوا
زینتکم عند کل مسجد از حضرت امام موسی علیه السلام
نقل شده که فرمودهاند از زینت است شانه کردن
پیش از هر نمازی و در حدیث دیگر نزد هر نماز واجب
و سنتی و اما آداب آن پس هرگاه خواستی شانه کنی
بنشین که نشسته شانه کردن دل را قوی میکند
و پوست را پر میکند و ایستاده شانه مکن که باعث
ضعف دل و موجب فقر و پریشانی است و از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که هر که ایستاده
شانه کند صاحب قرض شود و در حمام شانه
مکن که مو را تنک میکند و چون نشستی برای
شانه کردن شانه را بدست راست بگیر و بر بالای
سر بگذار و پیش سر را شانه کن و بگو اللهم حسن
شعری و بشری و طیبهما و اصرف عنی الوباء پس
عقب سر را شانه کن و بگو اللهم لا تردنی علی عقبی

واصرف عنی کید الشیطان و لا تمکنه من قیادی
فیردنی علی عقبی پس ابروها را شانه کن و بگو اللهم
زینی بزینة الهدی پس ریش را از طرف بالا بزیر
شانه کن و شانه را بر سینه بمال و بگو اللهم سرح
عنی الغموم و الهموم و وحشة الصدور و وسوسة
الشیطان پس از پایین ریش بطرف بالا شانه کن و
سورهٔ انا انزلناه فی لیلة القدر را بخوان و از احادیث
مستفاد میشود که ائمه طاهرین علیهم السلام بشانهٔ
استخوان فیل شانه میکردند و وارد شده که شانه
کردن با آن وبا را میبرد و از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که بشانهٔ نقره شانه کردن مکروه است

باب ششم

در آداب بوی خوش کردن و گل بوییدن و روغن
مالیدن و مشتمل بر پنج فصل است **فصل
اول** در فضیلت بوی خوش و آداب آن

وکراهت ردّ کردن آن بدان وفقک الله که عطر و
بوی خوش کردن از جمله اخلاق پسندیده پیغمبران
است و بوی خوش دل را قوی میکند و قوت جماع
را میافزاید و غم را زایل میکند و بر شارب مالیدن
از اخلاق پیغمبرانست و گرامی داشتن ملٰئکه اعمال
است و وارد شده که سزاوار نیست مرد را که
ترک کند بوی خوش را در هر روز اگر قادر نباشد
در هر جمعه و این را البته ترک نکند و نماز کسیکه خوش
بو باشد بهتر است از هفتاد نماز که بی بوی خوش
باشد و وارد شده که لازم است بر هر بالغی که
در هر جمعه شارب و ناخن بگیرد و چیزی از بوی
خوش بر خود بزند و بسیار تاکید وارد شده
از معصومین سلام الله علیهم اجمعین در استعمال
بوی خوش در روز جمعه و نباید البته ترک کرد
اگرچه بگرفتن دو یا ک زنان باشد که بوی خوش

یعنی هرچیزی که خود خوشبو باشد

دارد و نرگس و بر صورت بمالد و هرچه صرف نماید
در بوی خوش اسراف نیست و حضرت رسول صلی الله
علیه و آله در بوی خوش زیاده از طعام صرف
میکردند و باید بوی خوش مردان بویش ظاهر و
رنگش مخفی باشد و در زنان بعکس و از حضرت امام
موسی علیه السلام منقولست که ناخن بگیرید در روز
سه شنبه و حمام بروید در روز چهارشنبه و حجامت
بکنید در روز پنجشنبه و بهترین بوهای خوش خود را خوشبو
کنید در روز جمعه و وارد شده که باید زن مسلمان
پیوسته برای شوهر خود را خوشبو کند و زن با بوی
خوش از خانه بیرون نرود که روایت شده که هر زنی
که بوی خوش کند و از خانه بیرون آید پیوسته لعنت
الهی بر او باشد تا بخانه بر گردد و چون بوی خوش برای
تو آورند قبول کن و ردّ مکن که آن کرامتست و ردّ نمیکند
کرامت را مگر خر و حضرت رسول صلی الله علیه و آله دو

چیزی را رد نمیفرمودند بوی خوش و شیرینی را و حضرت
امیر المؤمنین علیه السلم میفرمودند که هرگز بوی
خوش را رد نمیکنم

فصل دوم در فضیلت مشک

و غالیه و امثال آنها وارد شده که حضرت امام زین
العابدین علیه السلم شیشه از مشک داشتند در
جانماز خود و هرگاه بنماز بر میخواستند بر خود
میمالیدند و حضرت رسول صلی الله علیه و آله
آنقدر مشک بر خود میمالیدند که رنگ مشک
از فرق مبارک ایشان ظاهر بود و نقل شده که
حضرت امام رضا علیه السلم حقه بیرون آوردند از
آبنوس و در آن خانها بود که در هر خانه بوی خوشی
بود و یکی از آنها مشک بود و وارد شده که باکی
نیست مشک داخل طعام کنند و احادیث در مدح
خلوق وارد شده و آن بوی خوشی بود که از چندین
چیز بعمل میآورده اند و بیشتر زعفران بوده لکن

مداومت بآن مکن و شبها تا صباح بر بدن مگذار و
روایت شده که حضرت علی بن الحسین علیه السلم شبی
از خانه بیرون آمدند و جبه خز و عبای خز پوشیده
بودند و ریش مبارک خود را بغالیه خوشبو کرده
بودند پرسیدند از آنجناب که در این شب با این هیئت
برای چه بیرون آمده اید فرمودند که میخواهم عبادت
حق تعالی کنم و حوران بهشت را از خدا خواستگاری
نمایم یعنی برای عبادت زینت و بوی خوش کردن
سنت است و از حضرت امام رضا علیه السلم منقول است
که فرمودند روغن را با مشک از برای آنجناب بعمل آوردند
و بهفتصد درهم برآمد و فضل بن سهل نزد مامون
بحضرت نوشت که مردم شما را در این باب عیب میکنند
حضرت در جواب نوشتند که مگر نمیدانی که یوسف
علیه السلام پیغمبر خدا بود و جامه دیبای طلا بافته میپوشید
بر کرسیهای طلا مینشست و با اینها از حکمتش چیزی

کم نشد پس حضرت فرمود که غالیه ساختند بچهار هزار

درهم **فصل سیم** در فضیلت و آداب روغن بر

بدن مالیدن و فوائد روغن بنفشه و روغن بان و

روغن زنبق و سایر روغنها بدانکه روغن مالیدن

بشره را نرم میکند و دماغ را زیاد میکند و مجاری

آب را در بدن گشاده میکند و خشونت جلد و بدحالی

و تنگی روزی را برطرف میکند و رو را نورانی می

گرداند و توانگری را ظاهر میگرداند و فقر را زایل

میکند و وارد شده که هر که بر موی خود روغن مالد

حق تعالی برای او بعدد هر موئی نوری بنویسد که

در قیامت باو عطا فرماید و از حضرت صادق

صلوات الله علیه منقولست که چون روغن را

بر کف دست بریزی بگو اللّهمّ انّی اسألك الزّين

والزّينة والمحبّة واعوذ بك من الشّين والشّناة

والمقت پس کف دست را بر بالای سر بگذارد و از

ابتدا کن بروغن مالیدن و از برای مردان مداوم

بروغن مالیدن در هر روز خوب نیست و نهی از

آن شده بلکه ماهی یکبار بمالند و هفته یکمرتبه

یا دو مرتبه هم وارد شده امّا از برای زنان هر روز

مالیدن بد نیست و بدانکه سیّد و بهترین روغنها

روغن بنفشه است و فضل او بر سایر روغنها

مثل فضیلت اسلام است بر سایر ادیان و از

حضرت صادق علیه السلام منقولست که فضیلت

روغن بنفشه بر سایر روغنها مثل فضیلت ما است

بر سایر مردم و در حدیثی از آنجناب منقولست

که فرمود از ناحیه شما چیزی بیرون نیامد که ما بیشتر

دوست داشته باشیم از روغن بنفشه و از فوائد روغن

بنفشه آنستکه بسبب مالیدن آن درد را از سر

و چشم میبرد و در زمستان گرم و در تابستان

خنک است و درد سر را زایل میکند و دماغ را

با صلاح میآورد و وارد شده که اگر مردم فضیلت
انرا بدانند هر اینه یکوقیه از ان قیمتش باشرفی
میشود و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه
فرموده که روغن بنفشه در بینی بچکانید که
حضرت رسول صلی الله علیه و اله فرمودند که
اگر مردم فواید این روغن را بدانند هر اینه از ان
بسیار بخورند و اما روغن بان پس از حضرت صادق
علیه السلم وارد شده که نیکو روغنی است روغن
بان و بدانکه بان درختی هندیست که از ان روغن
میگیرند و از ان روغن بنافها مالیدن از برای ترکها
که در دست و پا هم میرسد نافع است و وارد شده
که ان امانست از هر دردی و پیغمبران علیهم السلم
انرا استعمال میفرمودند و از حضرت رسول
صلی الله علیه و اله منقولست که هر که روغن بان
بر خود بمالد در پیش روی شیطان بخوابد بفکرت

الهی باو ضرر نتواند رسانید و اما روغن زنبق
پس وارد شده که هیچ چیز برای بدن بهتر از روغن
زنبق نیست و حضرت امام موسی و امام رضا علیهما
السلم در بینی میچکانیدند و در ان منافع بسیار است
و وارد شده که در ان شفای هفتاد درد هست علامه
مجلسی عطر الله مرقده فرموده که ظاهر آنستکه مراد
زنبق سفید باشد که انرا رازقی نیز میگویند و
در بسیاری از احادیث بلفظ رازقی وارد شده است
و از کلام بعضی ظاهر میشود که زنبق یاسمن
سفید است و اما سایر روغنها مثل روغن زیت
و روغن کنجد پس از حضرت رسول صلی الله علیه و
اله منقولست که با امیر المؤمنین صلوات الله علیه
فرمودند که یا علی روغن زیت بخور و بر بدن بمال
که هر که روغن زیت بخورد و بمالد شیطان چهل
صباح نزدیک او نیاید و وارد شده که [illegible]

دوست میداشتند که روغن کنجد در بینی بچکانند
و چون آنحضرت را صداع عارض میشد روغن
کنجد در بینی میچکانیدند

فصل چهارم

در فضیلت بخور و بعض انواع و آداب آن سزاوار
است مرد را که هرگاه قادر باشد جامهای خود را
بخور و خوشبو بدارد و حضرت رسول صلوات الله
علیه و آله بعود قماری بخور میکردند و وارد شد که
بر شما باد بعود هندی که در آن هفت نوع از شفاست
و در روایتی وارد شده که تحفه که برای مرد روزه
دار آورند آنستکه ریشش را روغن بمالند و جامه
اش را بخور بدارند و تحفه زن روزه دار آنستکه
گیسش را شانه کنند و جامه اش را بخور بدارند و
سید بن طاوس قدس الله روحه دعائی از رسول
خدا صلی الله علیه و آله نقل فرموده که در وقت بخور
کردن میخواندند و بعد از آن دعا فرموده که در روایت

دیگر منقولست که در وقت بخور و بوی خوش کردن
این دعا بخوانند اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ اَللّٰهُمَّ اَمْتِعْنِی
بِمَا رَزَقْتَنِی فَلَا تَسْلُبْنِی مَا خَوَّلْتَنِی وَاجْعَلْ ذٰلِکَ
رَحْمَةً وَلَا تَجْعَلْهُ وَبَالًا عَلَیَّ اَللّٰهُمَّ طَیِّبْ ذِکْرِی بَیْنَ
خَلْقِکَ کَمَا طَیَّبْتَ بَشَرِی وَنَشْرِی بِفَضْلِ نِعْمَتِکَ
عِنْدِی

فصل پنجم

در بیان فضیلت
گلاب و آداب آن و گل سرخ و بعض انواع گلها و
آداب گل بوئیدن بدانکه وارد شده که گلاب
بر روی پاشیدن آبرو را زیاد میکند و پریشانی را بر
طرف میکند و هر که گلاب بر روی و بر دستها بمالد
و حمد بکند خدا را و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد
و چون روز اول ماه رمضان گردد یک کف از
گلاب بگیرد و بر سر بریزد که وارد شده هر که چنین
کند در آن سال از مرض سرسام و ذات الجنب ایمن
گردد و اما گل سرخ پس وارد شده که بهترین گلهاست

بهشت است بعد از گل مورد و روایت شده که گل سرخ
روییده شد از چند قطرهٔ عرق رسول خدا صلی الله
علیه و آله در وقت عروج آنجناب باسمان و در ک
روایت دیگر است که چون از معراج برگشتند زمین
شاد شد و گل سرخ از آن روییده و اما سایر گلها مثل
گل سفید و نرگس و مرزنگوش پس وارد شده که گل
سفید بوییدن و روغن نرگس را البته فضایل
بسیار دارد و در مرزنگوش وارد شده که بسیار
مرزنگوش را ببویید که قوت شامه را می‌افزاید
و در روایتی از حضرت رسول صلوات الله علیه
و آله نقل شده که فرمود نیکو گیاهیست مرزنگوش
و در زیر عرش می‌روید و آبش باعث شفای چشم است
و حضرت صادق علیه السلام فرموده که گل بهشت
و نیکو است و سید و بهترین همه گلها مورد است
و اما آداب گل بوییدن آنست که چون گل بشما

دهند ببویید و بر دیده‌های خود گذارید که آن از
بهشت آمده است و صلوات بر محمد و آل آنجناب
بفرستید که گناهانتان آمرزیده شود و وارد شده
که هر که گلی را چنین کند حقتعالی برای او از حسنات
بعدد ریگ بیابان عالج که در میان مکه و شام
و عراق کشیده است بنویسد و از گناهان او
بعدد ریگهای بیابان محو نماید **باب سیم**

در آداب حمام رفتن و سر و بدن شستن و دوا
کشیدن و ذکر بعضی از اغسال و آداب آن و مشتمل
بر هفت فصل است **فصل اول** در فضیلت

حمام و آداب داخل شدن و بیرون آمدن و دعاها
که باید بخوانند بدانکه حمام دوای بلغم است و وارد
شده که نیکو خانه است حمام جهنم را بیاد می‌آورد
و چرک را از بدن می‌برد و هر روز پی در پی رفتن
مذموم است پیه گرده را آب کند و بدن را لاغر

میکند و موجب مرض سل است و بکند میان خوب
و بدنرا فربه میکند و گوشترا زیاد میکند و زنان را
بحمام فرستادن در بلادیکه هوا گرمست و محتاج بحمام
نیست و با آنکه بستر و کشت بحمام فرستاده شوند مذموم
است و وارد شده که هرکه ایمان بخدا و روز قیامت
دارد باید زنش را بحمام نفرستد و چون خواستی بحمام
روی روز چهارشنبه را اختیار کن و نباید بی لنگ داخل
نشوی که وارد شده هرکه ایمان بخدا و روز قیامت
دارد باید که بی لنگ داخل حمام نشود و اگر با لنگ
داخل حمام شدی خداوند گناهان تورا بپرده ستر خود
بپوشاند و حضرت رسول صلی الله علیه و آله نهی
فرمود از غسل کردن در زیر آسمان بی لنگ و از
داخل شدن در نهرها بی لنگ و فرمودند که در
نهرها ساکنان هستند از ملائکه و نهی فرموده از
داخل شدن حمام بی لنگ و با شکم پر داخل حمام مشو

وهم چنین ناشتا هم حمام مرو بلکه اندک چیزی تناول
کن که حرارت معده و صفرا را فرونشاند و گوشت
بدنرا زیاد کند و در رخت کن چون جامها را از خود
میکنی بگو اَللّٰهُمَّ اَنْزِعْ عَنِّی رِبْقَةَ النِّفَاقِ وَثَبِّتْنِی
عَلَی الْاِیمَانِ و در خانهٔ اول چون داخل شوی بگو اَللّٰهُمَّ
اِنِّی اَعُوذُ بِکَ مِنْ شَرِّ نَفْسِی وَاَسْتَعِیذُ بِکَ مِنْ اَذَاهُ
و چون داخل خانهٔ دویم شوی بگو اَللّٰهُمَّ اَذْهِبْ عَنِّی
الرِّجْسَ النَّجِسَ وَطَهِّرْ جَسَدِی وَقَلْبِی و در خانهٔ دویم
ساعتی صبر کن و چون داخل خانهٔ سیم شوی بگو
نَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ النَّارِ وَنَسْئَلُهُ الْجَنَّةَ و مکرر این را
بگو تا هنگام بیرون آمدن از خانهٔ گرم و زنهار
آب سرد و خربزه در حمام مخور که معده را فاسد
کند و آب سرد بر خود مریز که بدن ترا ضعیف میکند
و چون از حمام بیرون آئی آب سرد بر پا بریز که درد
را از بدنت میکشد و شستن پا در وقت بیرون آمدن

از حمام درد شقیقه را زایل میکند و عمامه بر سر ببند
و وارد شده که حضرت امام محمد باقر و امام جعفر
صادق علیهما السلم هرگاه از حمام بیرون میآمدند
در زمستان و تابستان عمامه بر سر میپیچیدند و
میفرمودند که امانست از درد سر و سزاوارست
که شکر الهی را بجای آوری و بگوئی شُکرُ اللهِ علی هذهِ
النِّعَمِ که گفته شده که آب گرم در زمستان از جمله
نعمتهائیست که سؤال کرده میشود انسان از او
و چون مشغول پوشیدن جامه شوی بگو اللّهمّ
اَلبِسنِی التَّقوی وَجَنِّبنِی الرَّدی و آداب پوشیدن
جامها در باب اوّل گذشت باید بآنجا رجوع شود
و عمل بآنها شود و برادران مؤمن خود را تهنیت کن
باین الفاظ طابَ ما طَهُرَ مِنکَ وَطَهُرَ ما طابَ مِنکَ
یعنی خوش و پاکیزه و نیکو گرداند خدا نیکی معنوی بسبب
مغفرت گناهان و توفیق طاعات آنچه پاک شده

است در حمام از اعضای بدن تو و پاک گرداند از لوث
گناهان و جهالت و ضلالت آنچه پاکیزه و نیکوست
از تو که آن دل و نفس و عقل و سایر قوی و اعضای
شریعت باشد و چون ترا تهنیت کنند در جواب
بگو اَنعَمَ اللهُ بالَکَ یعنی نیکو بگرداند خدا حال ترا

فصل دوم در بیان آنچه در حمام نباید

کرد و آنچه تجویز شده در حمام بر پشت و پهلو خوابیدن
که پیه گرده را میگدازد و آجر و سفال بر پای خود
مالیدن که مورث خوره است و چشم خود را از نظر
کردن بعورت دیگران بپوشان اگرچه فرزندت
باشد تا خدای تعالی ترا از جحیم جهنم ایمن گرداند و وارد
شده که پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله لعنت فرمود
کسیرا که نظر بعورت کسی کند در حمام یا بی لنگ رود
که دیگران بعورتش نظر کنند و در حمام شانه مکن
که مو تنک و ریخته میشود و مسواک مکن که دندانها

میبرند و لنگ را بر سر و رو نمال که آبرو را میبرد و سر را
بگل مشو که وارد شده غیرت را میبرد و شاید مراد گل
مصر باشد چنانچه از رسول خدا صلی الله علیه و آله
مرویست که فرمودند سر خود را بگل مصر مشوئید
و از کوزه که در مصر میسازند آب مخورید که خواری
و مذلت میاورد و غیرت را میبرد و از حضرت امام
محمد باقر علیه السلم منقولست که فرمود دوست
نمیدارم که سر خود را از گل مصر بشویم از ترس
آنکه مرا ذلیل گرداند و غیرت مرا ببرد و از ابن بابویه
علیه الرحمه نقل شده که ایشان هم مراد از گل مطلق
گل مصر گرفته اند و از سفالیکه نهی از مالیدن آن
شده سفال شام گرفته اند و در حمام بول مکن که
مورث فقر و پریشانیست و اگر اهل حمام بی لنگ
باشند سلام مکن **فصل سیم** در فضیلت
شستن سر و بدن و شستن سر با سدر و خطمی از

حضرت امیر المؤمنین علیه السلم منقولست که شستن
سر چرک را میبرد و آزار چشم را دفع میکند و شستن
جامه غم و اندوه را میبرد و پاکیزگیست برای نماز
و فرمود که خود را پاکیزه کنید با آب از بوی بد که مردم
از آن متاذی میشوند و در پی اصلاح بدن خود
نباشید بدرستیکه خدا دشمن میدارد از بندگانش
آن کثیف گندیده را که پهلوی هر که بنشیند از او
متاذی شود و اما شستن سر با سدر و خطمی پس فضیلت
بسیار دارد و وارد شده که رسول خدا صلی الله
علیه و آله سر خود را با برگ سدر میشستند و میفرمودند
که بشوئید سر خود را با برگ سدر که هر ملک مقرب
و هر پیغمبر مرسل از انبیا که یاد کرده است و هر که
سر شرا با آن بشوید حق تعالی از او وسوسه شیطان را
هفتاد روز دور گرداند و هر که هفتاد روز وسوسه
شیطان از او دور شود معصیت خدا نکند و هر که

معصیت خدا نکند داخل بهشت شود و شستن سر
با سدر اندوه را برطرف میکند و رزق را زیاد
میکند و اما با خطمی پس فقر و درد سر را زایل و بر
طرف میکند و دل را میگشاید و سودا و اندوه را
برطرف میکند و شستن سر با خطمی در هر جمعه امان
میدهد از پیسی و دیوانگی و هر که در هر جمعه چنین
کند ثواب کسی دارد که بنده آزاد کرده باشد

فصل چهارم در فضیلت دارو کشیدن

و ازاله کردن موی زیر بغل دارو کشیدن از اخلاق
پیغمبران است و پاک کننده بدن است و رفع دلگیری
و پریشانی خواطر میکند و از حضرت امام موسی
علیه السلم منقول است که موی بدن چون بلند شود
آب پشت را قطع میکند یعنی فرزند بوجود نمی‌آید
بند ها را سست میکند و ضعف و تنبلی می‌آورد
و نوره کشیدن آب پشت را زیاد میکند و بدن را قوی

میکند و پیه گرده‌ها را زیاد میکند و بدن را فربه
کند و گذاشتن موی زیر بغل مذموم است از
حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که دراز
مکنید موی زیر بغل را که شیطان در آنجا پنهان
شود و وارد شده که دارو گذاشتن زیر بغل بهتر
است از تراشیدن و تراشیدن بهتر است از کندن

فصل پنجم در بیان غایت مدتی که نوره را

تاخیر توان کرد از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقول است که هر که ایمان بخدا و روز قیامت
دارد باید که موی پشت زهار را زیاده از چهل
روز نگذارد و حلال نیست زیرا که ایمان بخدا و
روز قیامت داشته باشد اینکه ترک کند ازاله
موی زهار را زیاده از بیست روز و وارد شده
که کسیکه بر او چهل روز بگذرد و نوره نکشیده او
مؤمن و مسلمان نیست و او را هیچ کرامتی نزد خدا

نیست و سنت است در نوره کشیدن آنستکه هر پانزده
روز یکمرتبه بکشی و اگر بیست و یک روز بر تو بگذرد
قرض کن بر خدا و نوره بکش و از بیکاه بیشتر تأخیر
نینداز و از حضرت صادق علیه السلام وارد شده است
که باید پشت زهار را یکهفته بیشتر نگذارد و کسی
که نوره را زیاده از بیکاه ترک کند نمازش مقبول نیست

فصل ششم در اوقات نوره کشیدن و ذکر

بعضی از آداب و فضیلت حنا مالیدن بعد از او
بدانکه یکمرتبه نوره کشیدن در تابستان بهتر است
در فضیلت و نفع از ده مرتبه که در زمستان بکشی
و احتراز کن از نوره کشیدن در روز چهارشنبه
که روز نحسی است و جهنم در آن روز خلق شده است
و مورث پیسی است اما نوره کشیدن روز جمعه
بمقتضای بعضی از احادیث باکی نیست و کراهت
ندارد و حدیثیکه دلالت دارد بر کراهت وارد شده

بجهت تقیه یا از طریق اهل سنت باشد از حضرت
صادق علیه السلام روایت شده که رسول خدا صلی الله
علیه و آله در هر جمعه دارو میکشید نه موی پشت
زهار و میان پا را و در حال جنابت دارو کشیدن
وارد شده که باکی ندارد و هم چنین وارد شده که
باکی نیست ایستاده ازار کردن از برای کسیکه دارو
کشیده و نباید در وقت دارو ایستاده باشی و در
که بنشیند بیم آنستکه بعلت فتق مبتلا شود دارو
مالیدن غیر در غیر عورتین تجویز شده و بهتر
آنستکه آنچه را که لنگ بر او مشتمل است که از ناف
تا زانو باشد خود بمالد و چون نوره خواهی بکشی
پیش از کشیدن نوره اندکی از آن را بردار و ببو
و بر سر بینی بگذار و بگو صَلَّی اللهُ عَلی سُلَیمانَ بن
داوُدَ کَما اَمَرَنا بِالنُّورَةِ و اگر توانی این دعای
بزرگ را بخوان که اولش اَللّهُمَّ طَیِّبْ ما طَهُرَ مِنّی آنست

کە از برای او فضل بسیاری ذکر شده است و چون
دارو کشید از سر تا پای خود را حنا مال کند نوره اثر
باشد از دیوانگی و خوره و پیسی و آکله تا نوره کشیدن
دیگر و برطرف کند از تو فقر و پریشانی را و فرمودی
حنا بر ناخنهای خود گذارید زیرا که ناخنها شبیه
مرده ها میشود و بواسطه حنا رنگش میگردد و وارد
شده که حضرت امام محمد تقی علیه السلم از حمام بیرون
آمد و از سر تا پا مبارکش مانند گل سرخ شده بود
از حنا

فصل هشتم در آداب غسل جمعه و سایر
اغسال بدانکه غسلهای واجب بنابر مشهور میان
علماء شش است غسل جنابت و حیض و استحاضه
و نفاس و مس میت و غسل میت و مستحب است که
در وقت غسل جنابت این دعا را بخواند اَللّٰهُمَّ طَهِّرْ
قَلْبِی وَزَکِّ عَمَلِی وَتَقَبَّلْ سَعْیِی وَاجْعَلْ مَا عِنْدَکَ خَیْراً
لِی اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِی مِنَ التَّوَّابِینَ وَاجْعَلْنِی مِنَ الْمُتَطَهِّرِینَ

اما غسلهای سنت که گفته شد که آن شصت و دو
غسل است از جمله آنها غسل جمعه است و بعضی
از علما واجب دانسته سزاوار است که ترک نشود
و وارد شده که غسل جمعه واجب است بر مردان و
زنان در سفر و حضر مگر آنکه رخصت داده اند زنان
را که ترک کنند در سفر برای کمی آب از حضرت صادق
علیه السلم منقول است که غسل جمعه پاکیزه کننده و
کفاره گناهان است از جمعه تا جمعه دیگر و از برای
آن دعاهای ذکر شده و وقتش از صبح صادق
روز جمعه است تا پیشین و مشهور آنست که هر چند
نزدیکتر است به پیشین بهتر است و اگر خوف داشته
باشد که روز جمعه آب یافت نشود در روز پنج
شنبه میتواند کرد و اگر فوت شود بعد از پیشین
تا شام روز جمعه میتواند کرد و نیت قضا در کار
نیست و از صبح روز شنبه تا شام بقصد قضا

میتوان کرد و سنتست غسل در شبهای طاق ماه
رمضان خصوصاً شب اول و شب نیمه و شب هفدهم
و شب نوزدهم و شب بیست و یکم و شب بیست
و سیم و در آن شب دو غسل میکند یکی مقارن
غروب آفتاب و دیگری در آخر شب و در بعضی از روایات
وارد شده است که در شبهای دهه آخر هر شب غسل
بکند و سنتست غسل در شب عید فطر و روز
و روز عید قربان و روز هشتم ذی‌الحجه و روز عرفه
نزد زوال و شب نیمه رجب و از رسول خدا صلی الله
علیه و آله روایت شده که هر که ماه رجب را دریابد و
غسل کند در اول ماه و در میان ماه و آخر ماه
از گناهان بدر آید مثل روزیکه از مادر متولد
شده است و مشهور استحباب غسل روز مبعث یعنی بیست
و هفتم رجب و روز دحو الارض است و شب نیمه شعبان
و روز غدیر خم و روز مباهله و روز نوروز که

۱۸ ذی الحجه — ۲۴ ذی الحجه و بعضی ۲۵ گفته‌اند

مشهور روز انتقال شمس ببرج حمل است و سنت
است غسل از برای احرام حج یا عمره و غسل زیارت
حضرت رسول صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین
سلام الله علیهم اجمعین از نزدیک و دور و غسل
استخاره مطلقا خصوصا نماز استخاره ذات الرقاع و از برای نمازها
مخصوص که در طلب حاجت وارد شده است و غسل
توبه و غسل از برای قضای نماز کسوف هرگاه عمداً
ترک کرده باشد و تمام قرص آفتاب گرفته باشد و
بعضی واجب دانسته اند و سنتست غسل از برای
داخل شدن در حرم و داخل شدن مکه معظمه و از برای
داخل شدن خانه کعبه و از برای طواف و از برای
داخل شدن حرم مدینه و از برای داخل شدن شهر
مدینه و از برای داخل شدن مسجد رسول خدا
صلی الله علیه و آله و از برای کشتن هدی و غسل
فرزندی که متولد شود و غسل روز ولادت حضرت

۱۷ ربیع الاول

رسول صلی الله علیه و آله بقول بعضی و شاید غسل
برای زیارت در آن روز باشد و سنت است غسل برای
طلب باران و از برای کشتن چلپاسه که وزغ است
یعنی بعد از کشتن آن و همچنین برای دیدن کسی که
او را بدار کشیده باشند و اکثر علما گفته‌اند هرگاه
سه روز باشد سنت است خواه بحق یا باطل بدار
کشیده باشند و همچنین سنت است غسل هرگاه کسی
مرده را بعد از غسل دست بمالد و بدانکه تفاصیل
اغسال و احکام آنها بسیار است و در کتب فقهیه و
عبادات مسطور است و ما بهمین قدر اکتفا
میکنیم والله الهادی کتبه مؤلفه احقر المربوبین
لربه الغنی عباس بن محمد رضا القمی فی المشهد
الرضوی علی مشرفه الاف التسلیم
فی سنه ١٣١٧

باب هشتم در آداب خواب رفتن و بیدار شدن و بیت الخلا رفتن و مشتمل بر نه فصل است

فصل اول در بیان اوقات خواب

بدانکه خواب کردن بعد از طلوع صبح تا طلوع آفتاب و
میان نماز شام و خفتن و بعد از عصر مکروه است
و خواب بین الطلوعین شوم است و روزی را منع
میکند و رنگ را زرد میکند و رو را قبیح و متغیر
میکند و حق تعالی در این وقت روزی بندگان را قسمت
مینماید و هر که در این وقت خوابست از روزی محروم
میشود و زمین از او بسوی خدا ناله و فریاد میکند
و اما اگر نماز صبح را گذارد و قدری تعقیب بخواند
و بخوابد باکی نیست چنانچه بعضی احادیث بر آن شده و از حضرت
امام محمد باقر علیه السلام منقول است که خواب اول
روز سفاهت است و خواب قیلوله نعمت است و
خواب بعد از عصر حماقت است و خواب میان نماز

شام وخفتن روز برا محروم میکرداند واز حضرت
امیرالمؤمنین صلوات الله علیه منقولستکه خواب
کردن پیش از طلوع آفتاب و پیش از نماز خفتن پریشانی
و فقر میاورد و چون خواهی خواب کنی خواب قیلوله
کن که آن سنت است و نیکو یاور لیست بر بیداری
عبادت شب و وارد شده که قیلوله کنید که قیلوله
شیطان نمیکند و خواب قیلوله خواب پیش از ظهر است
تا وقت ظهر **فصل دوم** در وضو ساختن
پیش از خواب و بعضی از آداب خوابیدن چون خواهی
بخوابی وضو بگیر که وضو گرفتن از برای خواب سنت
است و هر که با وضو بخوابد چنانستکه تمام شب
را بعبادت احیا کرده باشد و از حضرت صادق
علیه السلم منقولستکه هر که وضو بسازد و بر رخت
خواب برود رختخواب برای او حکم مسجد داشته
باشد و اگر در میان رختخواب بیادش آید که وضو

ندارد از لحاف خود تیمم کند اگر با وضو یا تیمم بخوابد
تا بیدار شدن با خدا است چنانستکه نماز میکند و بر دست
راست و بقبله بخوابی و دست راست را در زیر رو
بگذار و برو مخواب که خواب شیطانست و وارد
شده که آدمی برو مخوابد و هر که ببینید که برو
خوابیده است او را بیدار کنید و مگذارید او را
بر آنحال و احادیث چند در فضیلت خوابیدن بر
دست راست و منع خوابیدن بر دست چپ از
ائمه طاهرین سلم الله علیهم اجمعین وارد شده
فصل سیم در کراهت خوابیدن و آداب پیش
از خوابیدن علامه مجلسی برد الله مضجعه فرموده
که مشهور میان علما است که خوابیدن در مساجد مکروه
است و ظاهر احادیث است که مکروه نیست مگر در
مسجد الحرام و مسجد رسول صلی الله علیه و آله و در اینها
نیز تجویز واقع شده است تمام شد کلام آنمرحوم پس

بدانکه رو بقبله خوابیدن دو نوع است یکی آنکه صورت رو بقبله باشد پاها مقابل قبله باشد ... شخص ... آنکه سر بجانب مغرب و پا بجانب مشرق ... قبله باشد ... مقابل ... کما اشتهر ... علما ظاهرین منقول

تو چون خواستی بخوابی خوب است که در مساجد بخوابی
و تنها مخوابی که بیم دیوانه شدن دارد و اگر تنها
بیایی تا خانه هستی و خواستی بخوابی باید دعا
بخوانی اللّٰهمّ آنس وحشتی وَاَعِنّی علی وحدتی
و بر بامیکه دیوار نداشته باشد مخواب که مکروه است
و کسیکه بخوابد از امان خدا بدر میرود و باید
هر چهار طرفش دیوار داشته باشد و حد بلندی
دیوار بدو ذرع تعیین شده و بحد یک ذرع و
یکشبر هم وارد شده است و بر سر راه مخواب که
امیر المؤمنین علیه السلام نهی از آن فرموده اند
و با دست چرب و آلوده بخوردنی مخواب تا شیطان
بو نکشد نباید که دیوانهات کند و اطفال
خود را در وقت خوابیدن دست و دهان ایشان را
بشو تا در خواب نترسند بجهت بو کشیدن شیطان
آنها را و چون خواستی داخل جامهٔ خواب شوی کنار

جامه خود را بر رختخواب بکش که اگر جانوری داخل
شده باشد بدر رود و پیش از خواب بیت الخلا رو
و بعد از آن بخواب

فصل چهارم در آداب

و ادعیه که پیش از خواب باید خوانده شود چون
خواستی بخوابی این دعا را بخوان اُعیذُ نفسی و
ذُرّیّتی وَاَهلِ بیتی وَمالی بکلماتِ اللّٰه التّامّات
مِن کُلّ شیطانٍ وَهامّةٍ وَمِن کُلّ عینٍ لامّةٍ و وارد
شده که حضرت رسول حسنین علیهم السلام را باین
دعا تعویذ میفرمود و بخوان نیز تسبیح زهرا سلام الله
علیها را و چهار قل و آیة الکرسی و ده آیه از اول
سورهٔ والصّافات و ده آیه از آخر آن و هر که صد
نوبت سورهٔ قل هو الله احد را در وقت خواب
بخواند گناهان پنجاه ساله اش آمرزیده شود و از
حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که یازده
مرتبه سورهٔ قل هو الله احد پیش از خواب بخواند

کناهانش آمرزیده شود و او و همسایگانش از بلا محفوظ
مانند و اگر صد بار بخواند گناه پنجاه سال از
اینده عمرش امرزیده شود و از حضرت رسول صلی الله
علیه و آله مرویست که هر که سوره الهیکم التکاثر
را در وقت خواب بخواند از عذاب قبر ایمن گردد و
اگر توانستی بخوانی پیش از خواب سوره یس و اذا
وقعت الواقعه و سورهائیکه در اولشان سبح
لله و یسبح لله است تا هر کدام را که ممکن شود بخوان
که از برای هر یک فضیلت بسیاری وارد شده
و اگر از گزندگان ترسی اشد غارا بخوان که ایمن
شوی از گزیدن عقرب و هر گزنده انشاء الله تعالی
اعوذ بکلمات الله التامات التی لا یجاوزهن
بر و لا فاجر من شر ما ذرا و من شر ما برا و من شر
کل دابة هو اخذ بناصیتها ان ربی علی صراط
مستقیم و اگر از خانه خراب شدن ترسی ایه ان الله

یمسک السموات و الارض را بخوان تا خانه ات
خراب نشود و اگر از دزد ترسی بخوان آیه قل ادعوا
الله و آیه لا تجهر و آیه و قل الحمد لله را

فصل پنجم در دفع ترسیدن در خواب و خواب
پریشان دیدن و محتلم شدن اگر در خواب ترسی
پیش از خواب بگو ده مرتبه لا اله الا الله وحده
لا شریک له یحیی و یمیت و یمیت و یحیی و هو حی
لا یموت پس بخوان تسبیح فاطمه علیها السلام را با آنکه
بخوان آیه فضربنا علی آذانهم را تا آخر که از برای بد
و بیخوابی نافع است و با آنکه بخوان معوذتین و آیه
الکرسی را و اطفال اگر در خواب ترسند پیش از
خواب دست و دهانشان را بشو تا نترسند و اگر
خواب پریشان ببینی از آن پهلو که خوابیده بپهلوی
دیگر بگرد و بگو انما النجوی من الشیطان لیحزن
الذین امنوا و لیس بضارهم شیئا الا باذن الله

پس بگو عذت بما عاذت به ملائکة الله المقربون
وانبیاؤه المرسلون وعباده الصالحون من
شرّ ما رأیت ومن شرّ الشیطان الرجیم واگر از
احتلام بترسد چون بر خواب رود این دعا را بخوان
اللهم انی اعوذ بک من الاحتلام ومن سوء الاحلام
ومن ان یتلاعب بی الشیطان فی الیقظة والمنام

فصل ششم در بیان دعاهائی برای دفع بیخوابی

وبرای بیدار شدن در آخر شب و دعای در وقت بیدار
شدن اگر بیخوابی عارض شود تو را این دعا بخوان
سبحان الله ذی الشأن دائم السلطان کل یوم
هو فی شأن و یا آنکه بخوان دعای المشبع البطون
الجائعة را تا آخر دعا و اگر خواهی که در هر وقت از شب
بر خیزی این آیه را بخوان قل انما انا بشر تا آخر سوره
و وارد شده که هر که خواهد در آخر شب برخیزد چون
بر خواب رود بگوید اللهم لا تؤمنی مکرک و لا

تنسنی ذکرک ولا تجعلنی من الغافلین قوموا ساعة
کذا و کذا و منقولست که چون رسول خدا صلی الله
علیه و آله بر خواب میرفتند میفرمودند باسمک اللهم
احیا و باسمک اموت و چون بیدار میشدند میفرمودند
الحمد لله الذی احیانی بعد ما اماتنی و الیه النشور
بدانکه از برای این باب آداب و دعاهای بسیار است
و ما مفصلا اکثر مطالب این باب را در کتاب مفاتیح
النجاح ذکر کرده‌ایم و در این مختصر همین اجمال اکتفا
میکنیم

فصل هفتم در بیان سبب خواب راست

و دروغ از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول
است که هر مؤمنی که بخواب میرود روح او تا بزد
عرش پروردگار او میبرند پس آنچه در آنجا میبیند
حق است و آنچه در وقت برگردانیدن در هوا می
بیند خواب پریشانست و نیز از آنحضرت وارد شد
که در جواب سؤال آن دو نصرانی که سؤال چند کردند

از آنجناب که از جمله سبب خواب راست و دروغ بود فرمودند
که حق تعالی روح را خلق کرده است و برای آن سلطانی مقرر
ساخته است و سلطان او نفس است چون آدمی بخواب
میرود روح بیرون میرود و سلطانش در بدن میماند پس
روح میگذرد بگروهی از ملائکه و گروهی از جن
پس هر چه خواب راست است از ملائکه است و هرچه خواب
دروغ است از جن است و وارد شده که خوابهای راست
یکجزو از هفتاد جزو از پیغمبری است و از حضرت امام
رضا علیه السلام منقولست که حضرت رسول صلی الله
علیه و آله چون صبح میکردند با اصحاب خود میفرمودند
که آیا کسی خواب بشارت دهنده دیده است و نیز از آن
حضرت فرمودند که رسول خدا صلی الله علیه و آله
فرمود که هر که مرا در خواب ببیند چنانست که مرا
دیده است در بیداری زیرا که شیطان متمثل نمیتواند
شد بصورت من و نه بصورت یکی از اوصیای من و نه بصورت

یکی از شیعیان خالص ایشان و بدرستیکه خوابهای
راست یکجزو از هفتاد جزو از پیغمبری است در روایتی
از حضرت رسول صلوات الله علیه و آله روایت شده
که فرمودند در آخر الزمان خوابهای مؤمن دروغ
نمیشود و هر که راستگوتر است و از حضرت صادق
علیه السلام وارد شده که خوابهای دروغ که اثرش ظاهر
نمیشود خوابهائیست که در اول شب دیده میشود که
وقت سلطنت و استیلای شیاطین است و آنها
خوابهای چند است که نزد او صورت میدهند
شیاطین و اصلی ندارد و اما خوابهای راست آن
خوابهای چند است که در ثلث آخر شب دیده میشود
که آن وقت نزول ملائکه است وقت سحر و آن خواب
راست میباشد و تخلف نمیکند مگر آنکه جنب
خوابیده باشد یا بی وضو یا آنچه سزاوار است
ذکر یاد خدا بجا نیاورده باشد پیش از خواب که

خوابش

اگر با اینحالات خواب بیند باشد با عمل غیبا باید دید
بعمل صباید. مؤلّف گوید که تحقیق این
مقام بطور مختصر آنست که چون حق تعالی روح مؤمن
را از عالم قدس خلق فرموده و او را ارتباط با ارواح
انبیاء صلی الله علیهم و اوصیاء علیهم السلام داده است
و در عالم ارواح با ایشان محشور بوده است و حق تعالی
بحسب مصالح غیر متناهیه ارواح مقدسه را
در زندان بدنهای ظلمانی محبوس کرده‌اند و
بانواع تعلقات جسمانی و شهوات نفسانی مبتلا
ساخته باین سبب او را از عالم قدس بعدی و غفلتی
رو داده اما اشخاص نادرا بحسب اختلاف ایشان
است جمعی که مقرّبان درگاه الهی‌اند ارواح ایشان
بملأ اعلا درآویخته و این تعلقات جسمانی ایشان
را از آن عالم دور نساخته بلکه با مردم ببدن
محشور و ارواح ایشان بمکالمات با قدسیان ملأ

اعلی مشغول است و پیوسته روح القدس با ایشان
مشغول راز و نیاز و افاضات ربانی علی الدوام
بر ارواح ایشان فایض است و جمعی هستند از
اشقیا که بالکلیه آن عالم را فراموش کرده‌اند و بغیر
این نشأه فانیه و لذات دنیه چیزی دیگر بخواطر
نمیگذرانند حتی آنکه جمعی از اینها از کثرت شقاوت
نشأه دیگر غیر از این نشأه را باور نمیکنند و پیغمبران
و مرسلین را در امر معاد تکذیب می‌نمایند ایشان را مهر
بر دیده و گوش و دل زده‌اند و راههای خیر و سعادت
را بر ایشان بسته‌اند و جمعی دیگر هستند بین بین
که با وجود این علاقه دنیه دست از تحصیل مراتب
عَلیه برنداشته‌اند گاهی گوش و دل بشیطان
میدهند و گاهی از ملک نصیحت میشنوند و
گاهی متابعت شیطان میکنند در فسق و فجور
و گاهی اقتدا باولیاء رحمن میکنند در تضرع و زاری

وعبادت و آن جماعت چون روح ایشان را با غبار
تعلقات و بجهت خطاها و سیئات بعد عظیم از
حضرت باری عز اسمه و از مقربان درگاه او بهم
رسیده در وقت خواب که نفس را از اشتغال بدنی
فی الجمله فراغی حاصل شد و خیالات فاسده که از
راه روزنهای مشاعر بدنی بر او داخل میشد مسدود
گردید فی الجمله او را آشنایان قدیم بیاد می آید و با
همشنایان قدیم بیاد همپایه‌ها و با دوستان روحانی
طرح اختلاط میاندازد اما چون در اول شب پاره
از صور خیالات بیداری هنوز در ضمیر او حاضر است
و او بهوای تعلقات خود پرواز میکند و ربطش
با تعالم ناقص است پس بعلت شیاطین بر او
مستولی میشوند و خیالات و علایق باطله او را
بصورتهای گوناگون در نظر او میآورند و هرچند
از اول شب دورتر میشود و نقش از خیالات بشری

محو میشود پرواز او بعالم بالا رساتر میشود تا آنکه
در وقت سحر از ما بین آسمان و زمین و هواها و
خواهشهای گوناگون بدر رفته و بزیر عرش الهی
بصحبت مقربان فایق گردید با استیلای شیاطین
ضعیف میشود لهذا در آن وقت خوابها رحمانی
و افاضات سبحانی بر ارواح مؤمنان فایض می
شود و ایشان را برای نماز و تضرع و زاری و توبه
از آنچه در روز بغفلت کرده اند بیدار میکنند و
باین سبب نماز شب را در آن وقت مقرر ساختند و آیه
کریمه إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَأَقْوَمُ
قِيلًا در شأنش فرستاده اند که حاصل مضمونش
آنکه عبادتی که در شب کرده میشود موافقت
دل با زبان در آن بیشتر است و گفتار در آن درست
تر است پس سعادتمندی که قدر آن وقت را بداند
و اندکی اصل خود را بیاد آورد و ملتفت گردد و خانه

را بر دفع وساوس شیاطین با در خود کرده اند و
در آن وقت مبارک که هنگام راز و نیاز مقربان
است با حضرت خود را هم آواز ایشان کرده اند
انجو هر پی بها را بیهای کم نفروشند وفقنا الله
تعالی و سایر المؤمنین لسلوک مسالک الیقین
و بدانکه چون این پرده های رنگارنگ تعلقات
جسمانی در وقت خواب در پیش دیده دل او بجمله
است و با وجود عروج بمراتب علیه از بصیرتش
با این خیالات مختفی است لهذا در خواب چیزها
بصورتهای دیگر دیده میشود و هر چیز را باعتبار
مناسبات شکلها و صورتها هیئت کرده کلام
الهی برای صاحبان عقل ضعیف مثل زده اند چون
که ایشان خود را از معقولات معزول ساخته
اند لهذا معقولات را در لباس محسوسات با ایشان
مینمایند چنانچه دنیا را بمار مانند کرده اند که

ظاهرش منقش و نرم است و در میان و باطنش
زهر است و چنانچه علم که باعث جلوه دلها است
تشبیه باب کرده اند که باعث جلوه بدنست و هم
چنین غیر اینها و باین سبب خواب محتاج بتعبیر شد
و کار معبران است که از آن صورتها پی بصورت
منتقل شود چنانچه کسیکه در خواب ببیند که در
میان نجاست افتاده یا دستش بفضله آلوده شده
دانا میداند که آن صورت دنیا است و تعبیر میکند که
مال بدست وی میاید یا آنکه میبیند که در میان
آبست میگوید که علم تو را روزی میشود و این علم
است عظیم و مخصوص انبیا و اوصیا است و معجزه
حضرت یوسف علیه السلم تعبیر خواب بود و کتب هم
در این علم نوشته شده است پس چون دانستی
ای طالب خواب خود را پیش هر کس نقل مکن بلکه باید
پیش شخصیکه مؤمن و دانا و غافل نباشد و از حسد

وعداوت خالی باشد زیرا که وارد شده که خواب مؤمن
درمیان زمین و آسمان و بر بالای سرش پرواز می
کند تا آنکه خود از برای خود تعبیر کند یا دیگری
برای او تعبیر کند پس بآن نحو که تعبیر شود واقع شود
واگر خود تعبیر کردی نیز خوب تعبیر کن که ان شاء الله
بهمان نحو واقع میشود و از حضرت امام رضا علیه السلام
منقولست که فرمود بسیار است که خوابی من میبینم
و تعبیر خوب برای خود میکنم و خواب بهمان نحو
که تعبیر میکنم واقع میشود والله تعالی العالم

فصل ششم در آداب بیداری و مذمت

خواب بسیار است بدانکه از حضرت رسول خدا
صلی الله علیه و آله وارد شده است که بیداری
داشتن خوب نیست مگر در سه چیز در نماز شب
کردن و قرآن خواندن در آن و در طلب علم و برای
عروسیکه بخانه شوهرش برند و زنهار در کش

خواب بسیار مکن که آدمی را در قیامت فقیر میگرداند
و هر که از شبیخون الهی نترسد باید که کم خواب کند عذاب
از حضرت باقر علیه السلام مرویست که حضرت موسی
علیه السلام مناجات کرد که پروردگارا کدام یک از
بندگان خود را بیشتر دشمن میداری خطاب رسید
آنکسیکه شب تا صباح مانند مرداری افتاده است
و وارد شده بسیاری خواب دنیا و آخرت را میبرد
و بسیاری بیداری کشیدن هم مذموم است
و در غیر شبهائیکه بخصوص احیای آنها وارد
شده است تمام شب بیدار بودن کراهت دارد
و از برای دیده حقی هست در بسیاری بیداری
حق او را نباید ضایع کرد و در وقت خواب بعد از
آفتاب بخواب چه آنکه رو بآفتاب بخوابیدن یا
نشستن کراهت دارد و رو را متغیر و دردهای
پنهان را ظاهر میکند و جامه را کهنه میگرداند

فصل نهم در آداب بیت الخلا و آنچه

تعلق باو دارد واجبست در بیت الخلا چنانچه
در همه جا چیز است عورت خود را بپوشانی
از کسیکه نظر کردن او بعورت تو حرام باشد و
سنتست پوشانیدن تمام بدن تا آنکه پنهان
شوی و اگر در صحرا باشی دور شوی که کسی ترا
نبیند و پشت بقبله و رو بقبله منشین که حرام
است و سنتست که از جهت بول اختیار کنی جای
بلندی را یا جائیکه خاک بسیار داشته باشد که
مبادا بول ترشح کند که بیشتر عذاب قبر از سهل
شمردن بول و کج خلقی است و در آب بول مکن
بخصوص غیر جاری آنکه باعث تسلط اجنه و
شیاطین و مورث دیوانگی و غلبه کردن فراموشی
است و ایستاده تخلیه مکن و هرکه ایستاده بول
کند بیم آنستکه دیوانه شود و در سوراخ جانوران

بول مکن و تخلیه مکن در مجرای آب و در کنار نهرها و میان
راهها و در در مسجدها و نزدیک بدیوارهای
مسجد و در مقبره ها و خانه ها و در جاهائیکه مردم بسبب
آن دشنام دهند و لعنت کنند و در زیر درختان
میوه دار و در جائیکه مردمان ازآن و متأذی
میشوند حتی از بوی آن و در جاهائیکه قافله در
آنجا منزل میکنند و رسول خدا صلی الله علیه و آله
لعنت کرده جماعتی را که از آنجمله است کسیکه غایط
کند در سایه ای که قافله در آنجا منزل کنند و چون
خواهی که داخل بیت الخلا شوی پای چپ را مقدم
بدار و سر را بپوشان و چون عورت را باز کنی
بسم الله بگو تا شیطان چشم برهم نهد و نظرش
نیفتد بران تا در تو طمع کند و چون نشستی
تکیه بر پای چپ کن و پای راست را گشاده گذار
و چون بول و غایط بدشواری بیرون آید بعضی

کتابخانه آستان قدس مشهد

مطلقا گفته اند باید دعا بخوان اللهم کما اطعمتنیه فی
عافیة فاخرجه منی خبیثا فی عافیة و چون نظرت
بحدث خود افتاد فکر در اصل آن کن که چه بود و از
کجا بهم رسانیده و عاقبت بکجا رسید و در اینحال این
دعا بخوان اللهم ارزقنی الحلال وجنبنی الحرام و چون
نظرت باب افتاد بگو الحمد لله الذی جعل الماء طهورا
ولم یجعله نجسا و چون استنجا کنی بگو اللهم حصن
فرجی واستر عورتی وحرمنی علی النار ووفقنی لما
یقربنی منک یا ذا الجلال والاکرام و چون برخواستی
دست بر شکم بمال و بگو الحمد لله الذی هنانی
طعامی وشرابی وعافانی من البلوی چون خواستی
بیرون آیی پای راست را مقدم بدار و دست بر شکم
بمال و بگو الحمد لله الذی عرفنی لذته وابقی فی جسدی
قوته واخرج عنی اذاه یا لها من نعمة لا یقدر القادرون
قدرها و در بعضی از روایات یا لها من نعمة سه مرتبه

وارد شده و بعد از انقطاع بول استبرا سنت است
و سنت است استنجا باب سرد کردن و بسیار در بیت
الخلا منشین که باعث بواسیر میشود و استنجا با
استخوان و سرگین مکن و همچنین استنجا با
مطعومات و حرام است استنجا بچیزهای محترم مثل
تربت حضرت امام حسین علیه السلم و نوشته که در
آن قران یا نام خدا یا نام یکی از انبیا و ائمه علیهم یا
حدیث یا فقه بوده باشد و اگر از روی استخفاف
باشد موجب کفر شود و بدست راست استنجا مکن
و همچنین استنجا بدست چپ مکن که در آن انگشتری
باشد که نام خدا بر آن نقش باشد و بردن چنین انگشتری
در بیت الخلا یا قران یا دعا کراهت دارد و همچنین
بردن نقره سکه دار مگر آنکه در کیسه باشد و مسواک
مکن در بیت الخلا و سخن مگو وارد شده که هر که در
بیت الخلا سخن بگوید حاجتش بر آورده نمیشود مگر ذکر

خدا و آیة الکرسی و حمد خدا و حکایت قول مؤذن نوبت
بکن در انجال خوردن و آشامیدنی را و غیر اینها از آداب
و این فصل [illegible] مجلسی در کتب فقهیه و عبادات
و ما به همین قدر در اینجا اکتفا میکنیم والله الموفق

باب نهم در ثواب بیماری و آداب حجامت کردن و تنقیه و معالجات بعضی از امراض و ذکر بعضی از ادعیه و احراز و مشتمل بر دو فصل است

فصل اول در ثواب بیماری و صبر بر آن

بدانکه هر که ایمانش صحیحتر و عملش نیکوتر بلایش
بیشتر است و از این جهت است که بلای پیغمبران
از همه کس بیشتر و شدیدتر است و هم چنین اند
اوصیای ایشان بعد از ایشان و بدینکه بیماری
نکشند طغیان بهم میرسانند و تجبر [illegible] زان جهت
و چون مؤمن بیمار شود خداوند تعالی بفضل
کرم خود ملکی را موکل میکند که برای او بنویسد

آنچه در حال صحت میکرده از کارهای خیر و چون تب
کند گناهان از او میریزد مانند برگ از درخت
و اگر بر رختخواب بیافتد نالهاش ثواب سبحان الله
دارد و فریادش ثواب لا اله الا الله دارد و از پهلو
بپهلو گشتنش مانند کسی است که در راه خدا شمشیر
میزند و یک شب تب برابر است با عبادت یکساله
و دو شب تب با عبادت دو ساله و سه شب تب
برابر است با عبادت هفتاد ساله و از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که یک شب تب کفاره
گناهان گذشته و آینده و وارد شده که هر که یک
شب بیماری کشد و قبول کند او را با جمیع شرایط قبول
کردنست بانکه کسی را خبر نکند از آنچه کشیده است
چون صبح شود خدا را شکر کند حق تعالی بفضل
خود ثواب عبادت شصت ساله با و عطا فرماید
و نباید ترک کنی شکایت را و وارد شده که حق تعالی

نیز آنستکه بگوید دیشب مرا خواب نبرد و نمی‌نشستم
بلکه آنستکه بگوید که ببلائی مبتلا شده‌ام که هیچ
کس بآن مبتلا نشده است و آنچه بمن رسیده
بهیچکس نرسیده و درد سر تحفهٔ خدا است برای بنده
که دوست دارد و صداع میفرستد و یک شب درد سر همهٔ
گناهان را برطرف میکند مگر گناهان کبیره و خدا مؤمن
را بهر بلائی مبتلا میکند و بهر مرضی او را میمیراند
امّا عقلش را زایل نمیکند و وارد شده که حق تعالی
پیغمبرها بد که اگر نه آن بود که مؤمن در دل خود
چیزی می‌یافت هر آینه عصا بر سر کافر میبستم
که هرگز درد سر باو نرسد **فصل دوّم**
در فضیلت و آداب حجامت کردن از حضرت صادق
علیه السلام منقولستکه دواها چهار است حجامت
و دارو در بینی چکانیدن و حقنه کردن و قی کردن
و نیز از آنحضرت مرویستکه جبرئیل علیه السلام از

برای حضرت رسول صلی الله علیه و آله مسواک و
حجامت را آورد و وارد شده که حجامت کردن بدن را
صحیح میکند و عقل را محکم میکند و روایت شده
که اگر در چیزی شفا هست در نیشتر حجام و در خوردن
عسل است و وارد شده که شخصی دید که حضرت امام
موسی علیه السلام در روز جمعه حجامت میکردند گفت
فدای تو شوم در روز جمعه حجامت میکنی حضرت
فرمود که هرگاه خون زیادتی کند بر تو خواه در
و خواه در روز آیة الکرسی بخوان و حجامت کن و
بسا بود که حضرت امام رضا علیه السلام در زمستان
شب بادی خون میافتند را نوقت حجامت می
کردند و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که
در ماه مبارک رمضان بهتر آنستکه حجامت را در
شب بکنند و از حضرت رسول صلی الله علیه و
آله منقولستکه هر که حجامت کند در روز ... شنبه

۱۷ یا چهاردهم یا ۲۱ او را شفا دهد از همه دردها
سال و شفا بخشد او را از درد سر و درد دندان و
دیوانگی و خوره و پیسی و وارد شده که چون حجامت
کنی و خون محل حجامت بیرون آید پس بگو پیش از آنکه
محجمه را بر بزند بسم الله اعوذ بالله الکریم فی حجامتی
هذه من العین فی الدم و من کل سوء و حضرت
رسول صلی الله علیه و آله حجامت را در سر و در میان
دو کتف و در پشت کردن میکردند و یکی را نافعه می
نامیدند و دیگری را مغیثه و سیم را منقذه یعنی
خلاص کننده از بلاها و چون آنحضرت حجامت می
کردند با آب سرد غسل میکردند تا حرارت خون را فرو
نشانند و چون حضرت صادق علیه السلام حجامت می
کردند بعد از حجامت سر تا رچه قند یا نبات میطلبیدند
و تناول میکردند و میفرمودند که خون صافی را
متولد میکند و حرارت را قطع میکند و وارد شده

(حاشیه: محجمه یعنی شاخ حجامت)
(حاشیه: یعنی فریادرس)

که انار شیرین بعد از حجامت خون را ساکن میکند
و خون اندرون را صاف میکند و نیز وارد شده که
در روز جمعه ساعتی هست که هر که در آن ساعت حجامت
کند بمیرد و زینهار ناشتا حجامت مکن که خون
صالح بیرون می آید و فاسد میماند بلکه اندک چیزی
بخور که بیشتر باعث بیرون آمدن خون و قوت بدن
میشود و خون فاسد را بیرون میکند و در روز
چهارشنبه هرگاه قمر در عقرب باشد حجامت مکن
و در روز پنجشنبه پیش از ظهر حجامت کن و در روز
جمعه در وقت ظهر از حجامت کردن نهی شده و حضرت
صادق علیه السلام فرموده اند که حجامت در روز
یکشنبه است و حجامت شیعیان ما در روز دو
شنبه است و حضرت امام موسی علیه السلام فرموده
که هر که خواهد حجامت کند در روز شنبه حجامت
کند و فرمود که حجامت کردن در روز یکشنبه شفا

هر دردی هست و وارد شده که در روز سه شنبه ساعتی
است که اگر حجامت در آن ساعت اتفاق افتد خون
بند نمیشود تا بمیرد **فصل سیم** در بیان انواع
تداوی که از ائمه علیهم السلام وارد شده و بیان جواز
رجوع باطباء بدانکه وارد شده که دوا چهار چیز است
حجامت و داروی مالیدن و قی کردن و حقنه کردن و
وارد شده که بهترین چیزیکه بآن مداوا کنند حقنه است
شکم را فربه میکند و دردهای اندرون را پاک می
کند و بدن را قوت میدهد و در فقه الرضا علیه السلام
مسطور است که حجامت و امثال سر همه دواها است
و معده خانه دردها است و هر بدنرا بده آنچه او را عادت فرموده
و اجتناب کن از دوا خوردن تا بدنت تاب بر
دارد و هرگاه گرسنه شوی طعام بخور و هرگاه تشنه
شوی آب بخور و هرگاه که بول آمد بول کن و تا ضرور
نشود جماع مکن و هرگاه که ترا خواب بگیرد خواب

کن چون چنین کنی بدنت صحیح میباشد همیشه و
فرمود که حقنه دوا را مانع میشود از تاثیر کردن
تا وقتیکه مقدر شده است که آن مرض تا آن وقت
باشد چون آن مدت منقضی شد او را رخصت تاثیر
میدهد و بآن دوا شفا می یابد مگر آنکه پیش از
آن مدت دعا یا تصدق یا کارهای خیر بکند که خدا
پیشتر از آن مدت دوا را رخصت تاثیر بدهد و فرمود
که در عسل شفای هر دردی هست و هر که یک انگشت
عسل ناشتا بخورد بلغم را دفع میکند و سودا را
برطرف میکند و ذهن را صاف میکند و حافظه را
قوی میگرداند هرگاه با کندر خورده شود و آب
سرد و آب سرد حرارت و صفرا را فرو مینشاند و
طعام را هضم میکند و اخلاطی که در فم معده است
میگذارد و تب را برطرف میکند و فرمود که اگر
چیزی بدنرا فربه میکند مالیدن بدن است

بجامه‌های نرم پوشیدن و بوی خوش کردن و حمام
رفتن و اگر مرده را مالند کی کنند و زنده شود بعید
نیست و تصدق بلاهای آسمانرا دفع میکند
و قضاهای محکم را برطرف میکند و فرمود که بیماری
را نمیبرد چیزی مانند دعا و تصدق و آب سرد و
فرمود که منتهای پرهیز و امثال چهارده روز است
و پرهیز نه آنستکه چیزی نخورد بلکه آنستکه
کمتر بخورد و فرمود که صحت و مرض در بدن آدمی
با یکدیگر در مقام معارضه و مقاتله‌اند پس هر
وقت که صحت غالب شد بیمار را شعور زاید و اشتهای
طعام بهم میرساند پس هرگاه که طعام
بطلبد بدهید که شاید شفایش در آن باشد
و فرمود که شفای همه دردها در قرآنست پس
بیماران خود را مداوا کنید بتصدق و طلب شفا
کنید بقرآن که هر که را قرآن شفا ندهد هیچ چیز

سبب شفای او نیست و نهی وارد شده که دوا
کنید بیماران خود را بتصدق که تصدق بلاهای
محکم را دفع میکند و منقولست که مرد پیری بخدمت
حضرت صادق علیه السلام آمد و عرض کرد که دردی
دارم و اطبا برای آن شراب گفته‌اند و میخورم
حضرت فرمود که چرا دوای درد خود نمیکنی با آبی
که خدا فرموده است که همه چیز بآن زنده است
گفت با من موافقت نمیکند فرمود که چرا عسل
نمیخوری که خدا شفای مردمان کرده است
گفت بدستم نمیاید فرمود که چرا شیر نمیخوری
که گوشت و استخوان بدنت از شیر پرورده است
گفت با طبعم موافقت نمیکند فرمود که میخواهی
ترا رخصت بدهم که شراب بخوری والله که هرگز
نکنم و نیز از آنحضرت مرویست که راه رفتن بیمار
باعث نکس مرض و زیادتی آن میشود و وارد شده

که پرهیز و امساک بعد از هفت روز دیگر نفعی ندارد
و در روایتی منتهای پرهیز نه روز تحدید شده و
از علی بن جعفر علیه السلام مرویست که از حضرت امام
موسی علیه السلام سؤال کرد از داغ کردن بیماران
و عوذها و افسونها بر ایشان خواندن فرمود که
باکی نیست داغ کردن و افسون که معنیش را دانی
و از امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که مسلمان
نباید که دوا نکند تا غالب نشود بیماری بر او و بر
صحتش و از حضرت صادق علیه السلام مرویست
که هر که صحتش بر بیماریش غالب باشد و معالجه
کند و بمیرد من از او بیزارم و در حدیث دیگر
فرموده که هر که با اینحال دوا بخورد اعانت بر
کشتن خود کرده است و وارد شده که شخصی از
حضرت امام موسی علیه السلام پرسید که من
محتاج میشوم بطبیب نصرانی و بمعالجه میروم

و هم چنین یازده روز نیز وارد شده صحیح

و براو سلام میکنم و او را دعا میکنم فرمود که باکی
نیست دعا و سلام تو با او نفعی نمیرساند و وارد
شده که پیغمبری از پیغمبران بیمار شد پس گفت
که دوا نمیکنم تا آنکسیکه مرا درد داده است
شفا بدهد حقتعالی باو وحی فرستاد که تا
دوا نکنی من شفا ندهم

فصل چهارم

در معالجه انواع تب در احادیث بسیار وارد
شده که ما مداوا نمیکنیم تب را مگر بریختن آب
سرد بر بدن و خوردن سیب و وارد شده که تب
از بوی جهنم است فرو نشانید حرارت آنرا
باب سرد و نیز وارد شده که مقدار ده درهم
قند با اب سرد ناشتا خوردن برای دفع تب
نافعست و از امیر المؤمنین علیه السلام منقول
استکه فرمودند یاد ما اهل بیت کردن شفا
است از تب و جمیع دردها و وساوس شیطانی

و فرموده که بخور دید آب باران که بدن شما را پاک
میکند و دردها را دفع میکند و از امام محمد
باقر علیه السلام منقولست که علاج تب به سه چیز
میباشد بقی و عرق و مسهل و شخصی بحضرت
صادق علیه السلام شکایت کرد از تب ربع فرمود
که نبات یا قند را بسای و در میان آب بریز و
ناشتا و هر وقت که احتیاج باب خوردن افتد
بخور چنان کرد بزودی شفا یافت و حضرت
امام موسی علیه السلام فرموده که در معالجه تب
غب کهنه عسل و سیاه دانه را با هم ممزوج کن
و سه انگشت از آن بخور که این هر دو مبارک
است و خدا عسل را فرموده که شفا است و حضرت
پیغمبر فرمود که در سیاه دانه شفای همه دردهاست
مگر مرگ و از حضرت امام علی نقی علیه السلام مرویست
که بهترین چیزها برای تب ربع آنست که در روز نوبت

[illegible] ۱۲

پالوده با عسل بسازی و زعفران بسیار در آن
بکنی و در آن روز بغیر از آن چیزی نخوری و وارد
شده که شخصی بخدمت حضرت صادق علیه السلام
آمد و عرض کرد که یک ماه است که تب میکنم و آنچه
اطبا گفته اند بعمل آورده‌ام و برطرف نشد حضرت
فرمودند که بندهای پیراهن خود را بگشا و سر را
در گریبان پیراهن داخل کن و اذان و اقامه بگو
و هفت مرتبه سوره حمد بخوان آن شخص گفت
چنین کردم گویا که از بندی رها شدم و در حدیث
آن حضرت فرموده که هر که را علتی عارض شود هفت
مرتبه سوره حمد بخواند و اگر برطرف نشود هفتاد
مرتبه بخواند که من ضامنم که آن علت برطرف شود
و از داود بن زربی روایت شده که گفت بیمار شدم
در مدینه بیماری شدیدی چون این خبر بحضرت امام
جعفر صادق علیه السلام رسید بمن نوشتند که

بیکصاع گندم بخر و بر پشت بخوابد و آن گندم را بر
سینه خود بریز و بگو اللهم انی اسئلک باسمک
الذی اذا سالک به المضطر کشفت ما به من
ضر و مکنت له فی الارض و جعلته خلیفتک
علی خلقک ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تعافینی
من علتی پس درست بنشین و گندم را جمع کن و
باز این دعا را بخوان و آن گندم را چهار حصه
کن و هر حصه بیک فقیر بده و باز دعا را بخوان
داود گفت من چنان کردم گویا از بندی رها
شدم و بسیار کسانی که همه کردند شفا یافتند
و نیز وارد شده که شخصی با حضرت شکایت کرد
که تبش بسیار بطول انجامیده است فرمود که آیة
الکرسی را بر ظرفی بنویس و حل کن و بخور و بدانکه
از جمله دعاهائیکه برای تب نافع است دعائیست
که حضرت صدیقه طاهره فاطمه سلام الله علیها

بسلمان رضی الله عنه تعلیم فرمود و فرمودند که
اگر خواهی که تا در دنیا باشی و از تب زار نیابی
بر این دعا مواظبت کن و دعا این است بسم الله
الرحمن الرحیم بسم الله النور بسم الله نور النور بسم
الله نور علی نور بسم الله الذی هو مدبر الامور
بسم الله الذی خلق النور من النور الحمد لله الذی
خلق النور من النور و انزل النور علی الطور فی
کتاب مسطور فی رق منشور بقدر مقدور علی
نبی محبور الحمد لله الذی هو بالعز مشهور و
علی السراء و الضراء مشکور و صلی الله علی
سیدنا محمد و آله الطاهرین جناب سلمان
گفت که من این دعا را بزیاده از هزار نفر از اهل
مکه و مدینه که تب داشتند تعلیم کردم و همه از تب نجات یافتند
و منقول است که از برای تب ربع این آیه را بنویسند و
بر او ببندند یا نار کونی بردا و سلاما علی ابرهیم

[illegible]

فصل پنجم در معالجه درد سر و شقیقه

و زکام و صرع و اختلال دماغ و نقرس بدن از
حضرت صادق علیه السلام وارد شده که هر که درد سر داشته
باشد دست بر موضع درد بگذارد و بگوید اُسْکُنْ
سَکَّنْتُكَ بِالَّذِي سَكَنَ لَهُ مَا فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ
السَّمِيعُ الْعَلِيمُ و نیز وارد شده که برای درد سر دست را
بر بالای سر بگذارد و بگوید لَوْ كَانَ مَعَهُ آلِهَةٌ كَمَا يَقُولُونَ
إِذًا لَابْتَغَوْا إِلَىٰ ذِي الْعَرْشِ سَبِيلًا وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ
تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ رَأَيْتَ الْمُنَافِقِينَ
يَصُدُّونَ عَنْكَ صُدُودًا و از حضرت امام علی نقی
علیه السلام منقول است که برای درد سر این آیه را بر
قدح آبی بخوانند و بخورد اَوَلَمْ يَرَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ
السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا
مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ و وارد شده
که حبیب سجستانی شکایت کرد بحضرت امام محمد باقر

علیه السلام که هفته دو مرتبه مرا درد شقیقه
می‌گرفت فرمود بگذار دست را بر جانبی که درد می‌کند
و سه مرتبه بگو یا ظاهراً موجوداً و یا باطناً غیر
مفقود اُرْدُدْ عَلَى عَبْدِكَ الضَّعِيفِ أَيَادِيكَ
الْجَمِيلَةَ عِنْدَهُ وَأَذْهِبْ عَنْهُ مَا بِهِ مِنْ أَذًى إِنَّكَ
رَحِيمٌ وَدُودٌ و در حدیث صحیح از حضرت صادق
علیه السلام منقول است که هیچ یک از فرزندان آدم
نیست مگر آنکه او را دو رگ هست یک رگ در سر
که خوره را بحرکت می‌آورد و دیگری در بدن که
پیسی را بحرکت می‌آورد پس آن رگ سر بحرکت می‌آید
حق تعالی زکام را بر آن مسلط می‌گرداند که دردها را از
سر بیرون می‌کشد و اگر آن رگ بدن بحرکت بیاید حق تعالی
دمل را بر آن مسلط می‌گرداند که دردهای بدن را
بیرون می‌کشد پس کسی که دمل و زکام بهم رساند خدا را
شکر کند و در روایت دیگر فرمود که زکام لشکری

از لشکرهای خدا می‌ترسند که دردهای بدنرا برطرف
کند و در چند روایت وارد شده که زکام را علاج
نباید کرد و در حدیث معتبر است که شخصی بخدمت
حضرت صادق علیه السلام آمد و گفت که من سفر
بسیار میکنم و در مواضع هولناک بسر میبرم چیزی
بمن تعلیم فرما که نترسم حضرت فرمود که چون در
چنین جائی واقع شوی دست را بر بالای سر بگذار
و باواز بلند بگو أَفَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبْغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ
مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ
يُرْجَعُونَ آن شخص گفت که در بیابانی وارد شدم که
میگفتند که جن در آنجا بسیار است شنیدم که کسی
میگفت که بگیریدش این آیه را خواندم شنیدم که
دیگری جواب گفت که چگونه بگیریمش و حال آنکه
پناه بآیه طیبه برده و از حضرت رسول صلی الله
علیه و آله منقولست که در خانه که جنیان سنگ

اندازند صاحب آنخانه این سنگ را بردارد و بگوید
حَسْبِيَ اللَّهُ وَكَفَى سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ دَعَا لَيْسَ وَرَاءَ اللَّهِ
و وارد شده که آنحضرت فرموده که کسیرا که صرع
بگیرد بر او بخوانید این دعا را عَزَمْتُ عَلَيْكَ بِالرِّيحِ
بِالْعَزِيمَةِ الَّتِي عَزَمَ بِهَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ
وَرَسُولُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَى جِنِّ
وَادِي الصَّبِرَةِ فَأَجَابُوا وَأَطَاعُوا لَمَّا أَجَبْتَ وَ
أَطَعْتَ وَخَرَجْتَ عَنْ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ السَّاعَةَ و در
روایت دیگر منقولست که شخصی اختلال دماغ
بهم رسیده بود حضرت فرمود که هر شب در هنگام
خواب این دعا بخوان بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ آمَنْتُ بِاللَّهِ
وَكَفَرْتُ بِالطَّاغُوتِ اللَّهُمَّ احْفَظْنِي فِي مَنَامِي وَ
فِي يَقَظَتِي أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ وَجَلَالِهِ مِمَّا أَجِدُ وَأَحْذَرُ

فصل ششم در معالجه درد چشم و دماغ

و درد گوش و درد دندان و غیر آن از حضرت

صادق علیه السلم منقولست که فرمودند بشخصی
که میخواهی دعائی تورا تعلیم کنم که برای دنیا و آخرت
تورا نافع باشد و درد چشم تورا زایل کند گفت بلی
فرمود که بعد از نماز صبح و شام مداومت نما
بر این دعا اللّهمّ انّی اسئلک بحقّ محمّدٍ وآل محمّدٍ
علیک ان تصلّی علی محمّدٍ وآل محمّدٍ وان تجعل
النّور فی بصری والبصیرة فی دینی والیقین فی
قلبی والاخلاص فی عملی والسّلامة فی نفسی والسّعة
فی رزقی والشّکر لک ابدًا ما ابقیتنی واز امام
موسی علیه السلم روایت شده که شخصی بآنحضرت
شکایت کرد از ضعف باصره و گفت بمرتبه رسیده
است که شبکور شده ام فرمود که آیة الله نور
السّموات والارض را مکرّر در جامی بنویس و آب
محو کن و بر آن در شیشه کن و از میل بچشم بکش راوی
گفت که کمتر از صد میل کشیده که بینائی من برگشت

و وارد شده که شخصی بحضرت امام محمد باقر علیه السلم
شکایت کرد از سنگینی گوش فرمود که دست بر گوش
بکش و این آیات را بخوان لو انزلنا هذا القرآن را
تا آخر سوره که سوره حشر باشد و از برای قطع رعاف وارد
شده بر پیشانی او بنویسید وقیل یا ارض ابلعی
ماءک ویا سماء اقلعی وغیض الماء وقضی الامر
واستوت علی الجودیّ وقیل بعدًا للقوم الظّالمین
و وارد شده که ابو بصیر شکایت کرد بحضرت امام محمد
باقر علیه السلم از درد دندان گفت که شبها از این
درد بیدار میباشم فرمود که هر گاه اثرش ظاهر شود
دست بر موضع درد بگذار و سوره حمد و سوره
قل هو الله احد یکبار و این آیه را بخوان وتری الجبال
تحسبها جامدةً وهی تمرّ مرّ السّحاب صنع الله الّذی
اتقن کلّ شیءٍ انّه خبیرٌ بما تفعلون واز حضرت صادق
علیه السلم منقولست که اینها را بخوان با سوره انّا انزلناه

فی لیلة القدر و نیز بجهت دفع درد دندان وارد
شده میخی بکوبد و سوره حمد و قل اعوذ برب الناس
و قل اعوذ برب الفلق هر یک را سه مرتبه بخواند پس
بگوید من یحیی العظام وهی رمیم یا ضرس فلان بن
فلان و نام صاحب درد و نام پدرش را بگوید پس
بگوید اسکنی ایها الحار و البارد افبالحار تسکنین ام
بالبارد تسکنین وله ما سکن فی اللیل و النهار
وهو السمیع العلیم شددت داء هذا الضرس من
فلان بن فلان بسم الله العظیم پس مسمار بر دیوار بکوبد
و بگوید الله الله الله و از حضرت امام موسی علیه السلام
مرویست که برای درد دندان سعد را بر آن بگذارند
و فرمود که سرکه که از شراب بعمل آمده باشد بن دندان
را محکم میکند و وارد شده که حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام بسلمان و ابوذر فرمود که تا درد چشم دارید
بر پهلوی چپ مخوابید و خرما مخورید و از برای درد

گوش که چرک و خون از آن بیاید وارد شده که پنیر
بسیار کهنه را قدری بگیرد و نرم بکوبد و با شیر زن
ممزوج کن و بر روی آتش گرم و نرم کن و چند قطره
در گوشی که درد میکند بریز و سداب را بپزند با روغن
زیت خوب است از برای درد گوش که چند قطره از آن (اسم گیاهی است)
در گوش بچکانند و از حضرت صادق علیه السلام
مرویست که از برای درد گلو چیزی بهتر و نافعتر از
خوردن شیر نیست و حضرت عیسی ع بشهری گذشتند
که اهل آن دندانهایشان ریخته بود و رویهایشان
باد کرده بود فرمود که در وقت خواب دهانها را باز کنید
و بر هم مگذارید چنان کردند تا علتها از ایشان
زائل شد

فصل هفتم در معالجه خنازیر و
قروح و جروح و ثالول و خوره و پیسی و بهق
و امثال اینها بدانکه وارد شده از برای دفع ثالول
که دست بر ثالول بمال و سه نوبت اینها را بخوان

بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله وبالله محمد رسول الله
صلی الله علیه وآله ولا حول ولا قوة الا بالله
العلی العظیم اللهم امسح عنی ما اجد ودر حدیث
معتبر از حضرت امام رضا علیه السلم منقولست که
فرمود خبری در خانه ما خنازیر در گردنش بهم
رسید شخصی در خواب بمن گفت که بگوید عار را
مکرر بخواند یا رؤف یا رحیم یا رب یا سیدی و دوا
شد که ورمیکه در بدنت بهم رسد و ترسیکه
بمنتهی شود در وقتیکه وضو بسازی برای نماز واجب
پیش از نماز بر آن ورم بخوان این آیات لو انزلنا
هذا القرآن علی جبل تا آخر سوره و اگر چنین کنی
ورم بزودی ساکن شود و در کتاب مکارم الاخلاق

اینشکل برای دفع آبله و کم بیرون اورا نقلکرده است

۱۳	۲	۳	۱۶
۸	۱۱	۱۰	۵
۱۲	۷	۶	۹
۱	۱۴	۱۵	۴

و از حضرت صادق علیه السلم منقولست که برای ثبور و

دملهای ریزه که در بدن بیرون میاید را اول که
اثرش ظاهر شود انگشت شهادت بر دورش بگرداند
و هفت مرتبه بگوید لا اله الا الله الحلیم الکریم و در
مرتبه هفتم انگشترا بر روی آن بقوت بگذارد و نیز
از حضرت صادق علیه السلم وارد شده که چغندر
را با گوشت گاو پختن و خوردن پیسی را برطرف می
کند و در حدیث دیگر منقولست که شخصی شکایت
کرد از بهق و پیسی حضرت فرمود که بحمام برو و حنا
را با نوره مخلوط کن و بر آن موضع بمال که دیگر نخواهی
دید و در حدیث معتبر منقولست که خراجی در بدن
متوکل بیرون آمد که مشرف بر هلاک شد و اطبا جرأت
نمیکردند که بنشتر بزنند فتح بن خاقان وزیر متوکل
بخدمت حضرت امام علی نقی علیه السلم فرستاد و
حال متوکل را عرض کرد حضرت فرمود که سرگین گو
سفند بگیر که در زیر دست و پای گوسفندان نرم شده

باشد بگیرید و با گلاب مخلوط کنید و بران خراج
بگذارید چون اینخبر رسید باطبا خندیدند که اینچه
فایده میکند و زیرک گفت که آنحضرت داناترین خلق
است آنچه فرموده است باید کرد پس آنچه فرموده
بود بعمل آوردند دردش ساکن شد و بخواب رفت
و آنخراج گشوده شد و چرک بسیار دفع شد و شفا
یافت و تربت حضرت سید الشهدا علیه السلم با آب
باران از برای پیسی نافع است و تربت حضرت رسول
صلی الله علیه و آله خوره را زایل میکند و در هر جمعه
شارب گرفتن هم امان است از خوره

فصل هشتم در معالجه امراض اندرونی و قولنج

و بادها و سرفه و مفاصل و غیر اینها از سایر
امراض از برای درد سینه طلب شفا کن از قرآن
خداوند فرموده فیه شفاء لما فی الصدور و روایت
برای درد تهیگاه بعد از فراغ از نماز دست بر

موضع سجود بمال و بعد از آن بر موضع درد بمال
و بخوان این آیات را اَفَحَسِبْتُمْ اَنَّمَا خَلَقْنَاکُمْ عَبَثاً
وَ اَنْتَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِینَ و در چند روایت وارد
شده است که برای قولنج و درد شکم سوره حمد
و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق و قل
هو الله احد را بر جامی با مشک و زعفران بنویسد
اَعُوذُ بِوَجْهِ اللهِ الْعَظِیمِ وَ بِعِزَّتِهِ الَّتِی لَا تُرَامُ وَ
بِقُدْرَتِهِ الَّتِی لَا یَمْتَنِعُ مِنْهَا شَیْءٌ مِنْ شَرِّ هٰذَا الْوَجَعِ
وَ شَرِّ مَا فِیهِ وَ شَرِّ مَا اَحْذَرُ مِنْهُ پس بآب باران بشوید
و بخورد ناشتا یا در وقت خواب و در روایت
دیگر منقول است که برای فالج و جمیع بادها نافع است
و وارد شده که شخصی شکایت کرد بحضرت امام موسی
علیه السلم از پیچش شکم فرمود که آیه بگیرد و این آیات
را بخواند یُرِیدُ اللهُ بِکُمُ الْیُسْرَ وَ لَا یُرِیدُ بِکُمُ الْعُسْرَ سه
مرتبه پس بگوید اَوَ لَمْ یَرَ الَّذِینَ کَفَرُوا اَنَّ السَّمٰوَاتِ

كانتا رتقاً ففتقناهما وجعلنا من الماء كل شيء
حي أفلا يؤمنون پس آب را بخورد و دست بر شکم
بمالد و مغز کردکان نیز از برای این درد نافع است
و فندقی که در روی آتش گذاشته شود و مغزش بریان
شود و از برای قراقر شکم سپندان نیز با عسل وارد
شده و بول شتر از برای تنگی نفس وارد شده که نافع
است و در چند روایت وارد شده که خوردن
ریزه‌ها که از سفره میریزد درد تهیگاه را برطرف
کند و خوردن تره سرد و را از برای دفع آزار سپرز
وارد شده و ناشتا خوردن خرما از برای کشتن
کرم معده و همچنین از برای آن هفت دانه خرمای
عجوه در وقت خواب خوردن وارد شده و از
حضرت صادق روایت شده برای دفع اسهال که
قدری از برنج بگیرند بشویند و در سایه بخشکانند
و بر روی آتش بو بدهند و نرم بکوبند و هر بامداد

عجوه نوعی از خرما [illegible]

یک کف از آن بخورند و وارد شده که شخصی از درد
شکایت کرد بحضرت امام محمد باقر علیه السلم پس آنحضرت
فرمود که گل ارمنی بگیر و بر روی آتش ملایم بو بده
و سفوف کن و بخور و از برای درد ران وارد شده
که آب گرم را در طشت کن و میان آن بنشین و دست
بر موضع درد بگذار و بخوان آیه اولم یر الذین
کفروا تا آخر و از برای درد پا خواندن از اول
سوره انا فتحنا تا عزیزاً حکیماً و وارد شده که
شخصی بخدمت حضرت باقر علیه السلم از درد
مفاصل شکایت کرد فرمودند که این دعا بخوان
اللهم انی اسألك باسمائك وبركاتك ودعوة
نبيك الطيب المبارك المكين عندك صلى الله
عليه واله وبحقه وبحق ابنته فاطمة المباركة
وبحق وصيه امير المؤمنين وبحق سيدي شباب
اهل الجنة الا اذهبت عني شر ما اجد بحقهم

روایت [illegible] حضرت امام [illegible]

بعظمتهم بحقهم بحقک یا اله العالمین چون اینها را
خوانده باشد در همان ساعت درد ساکن شود و سوره یس را
با عسل نوشتن و شستن و خوردن از برای درد
بواسیر نافع است و در حدیث صحیح از حضرت صادق
علیه السلام منقولست که هر که او را وجعی یا جراحتی جراحت
بهم رسد کاردی را بگیرد و بر آن موضع نهاده بگوید
بسم الله ارقیک من الحد و الحدید و من اثر العود
و الحجر الملبود و من العرق الفاتر و من الورم
الاجر و من الطعام و عقره و من الشراب و برده
امضی الکتاب باذن الله الی اجل مسمی فی الانس و
الانعام بسم الله محمد و بسم الله خمس پس آن
کارد را در زمین فرو برد و وارد شده که شخصی
بحضرت امام محمد باقر علیه السلام شکایت کرد از آنکه
بولش قطع نمیشود و همیشه قطرات بول از او می
آید فرمود که اسفند را بگیر و شش نوبت با آب سرد

و یکنوبت با آب گرم بشوید و در سایه خشک کرده پس
با روغن گل چرب کن و سفوف کن و بخور و از برای گند
دهان خوردن خرمای برنی وارد شده و خوردن
انار ناشتا و بالای آن آب خوردن از برای یبوست
مزاج روا نیست و آب نخوردن بالای او از برای
رطوبت مزاج نافع است و وارد شده بسیار شانه
کردن بلغم را کم میکند فصل ششم در بیان
قلیلی از تعویذات و ذکر بعضی از فواید تربت
شریفه حضرت سید الشهدا علیه السلام از حضرت
امیر علیه السلام روایت شده که برای دفع سحر این
تعویذ را بر پوست آهو بنویسند و با خود نگاه دارند
بسم الله و بالله بسم الله و ما شاء الله بسم الله لا
حول و لا قوة الا بالله قال موسی ما جئتم به
السحر ان الله سیبطله ان الله لا یصلح عمل المفسدین
فوقع الحق و بطل ما کانوا یعملون فغلبوا هنالک

وَانْقَلَبُوا صَاغِرِينَ و در احادیث معتبره وارد
شده است که چشم بد را تاثیر میباشد و فرمود
که بنا باشد که چشم مرد را بقبر و شتر را بدیگ
داخل کند پس کسیرا که خوش آید او را از چیزی از کسی الله
اکبر بگوید و در روایت دیگر نام خدا ببرد و در روایت
دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون
ترسد که چشم او در کسی یا چشم کسی در او تاثیر کند
سه مرتبه بگوید ما شاء الله و لا قوة الا بالله
العلی العظیم و فرمود که هرگاه کسی با هیأت نیکو
خواهد که از خانه بیرون رود و سوره قل
اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس را بخواند
و بیرون رود تا چشم بد در او تاثیر نکند و در روایت
دیگر فرمود که هرگاه اثر چشم باو رسیده باشد
دستها را برابر رو بلند کند و سوره حمد و قل هو الله احد
و قل اعوذ برب الناس را بخواند و دست بر پیش سر بکشد

و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که
هرکه از شیاطین و جادوگران بترسد این آیه را
بخواند اِنَّ رَبَّكُمُ اللهُ الَّذِی تا قَرِیبٌ مِنَ الْمُحْسِنِینَ و
وارد شده که شخصی بحضرت صادق علیه السلام شکایت
کرد از آرزوی بسیار کردن و وسوسهها بسینه فرمود
که دست بر سینه بکش و بگو بِسْمِ اللهِ وَ بِاللهِ مُحَمَّدٌ
رَسُولُ اللهِ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ
اِلَّا بِاللهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ اَللّٰهُمَّ امْسَحْ عَنِّی مَا اَجِدُ پس دست
بر شکم بمال و سه مرتبه بخوان بعد از آن شخص
چنین کرد آن حالت از او زایل شد و وارد شده که چون
سگ بر روی تو فریاد کند و حمله کند این آیه را بخوان
یَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَ الْاِنْسِ تا آخر و وارد شده که کسیکه
از مار و عقرب ترسد در اول شب بعد این دعا بخواند
بِسْمِ اللهِ وَ بِاللهِ وَ صَلَّی اللهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ اَخَذْتُ
الْعَقَارِبَ وَ الْحَیَّاتِ کُلَّهَا بِاِذْنِ اللهِ تَبَارَكَ

وتعالی بأفواهها وأذنابها وأسماعها وأبصارها
وأفواهها عنی وعن أحببت فی صحو والنهار واز
امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که کسیکه از عقرب
نترسد این آیه را بخواند سلام علی نوح فی العالمین
انا کذلک نجزی المحسنین انه من عبادنا المؤمنین
واز حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون
چیزی را شیطان از خاطر تو محو کرده باشد و خواهی
بیاد آوری دست بر پیشانی بگذار و بگو اللهم
انی اسئلک یا مذکر الخیر وفاعله والآمر به ان
تصلی علی محمد وآل محمد وتذکرنی ما انسانیه
الشیطان و در احادیث معتبره وارد شده است
که از برای ادای دین این دعا بخوانند اللهم اغننی
بحلالک عن حرامک وبفضلک عمن سواک و
نیز در احادیث بسیار وارد شده که لا حول ولا
قوة الا بالله العلی العظیم رفع اندوه میکند

و وارد شده که حضرت صادق علیه السلام
روزی نزد منصور دوانیقی رفتند و او در نهایت
شدت و غضب بود حضرت در وقت داخل شدن
این دعا خواندند غضب او ساکن شد یا عدتی
عند شدتی ویا غوثی عند کربتی احرسنی
بعینک التی لا تنام واکفنی برکنک الذی لا یرام و
وارد شده که برای گمشده بخوانند وعنده مفاتح
الغیب پس بگوید اللهم انک تهدی من الضلالة و
تنجی من العمی وترد الضالة صل علی محمد وآله و
اغفر لی ورد ضالتی وصل علی محمد وآله وسلم
و در روایتی منقولست که از حضرت صادق علیه السلام
پرسیدند که تعویذی با خود میداریم و جنب میشویم
چون است فرمود که باکی نیست اما زن چون حایض
میشود باید که با خود نگاه ندارد و در میان پوست
باشد و فرمود که هرچه از قرآن و دعا و تعویذ که

خواهید برای گوفتها و دردها بخوانید اما افسونها
که معنیش معلوم نباشد مخوانید و فرمود که بسیاری
از تعویذها و افسونها کفر است و اما فوائد تربت
شریفه حضرت سید الشهدا علیه السلام پس در احادیث
معتبره وارد شده است که در خاک قبر حضرت
امام حسین ع شفای هر دردیست و از دوای
بزرگ است و از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که هر که را علتی حادث شود و بتربت آنحضرت دوا
کند البته شفا یابد مگر آنکه علت مرگ باشد و
وارد شده که حضرت امام رضا علیه السلام هیچ
متاعی بجائی نمیفرستادند مگر آنکه قدری از تربت
آنحضرت در میانش میگذاشتند که به برکت آن
محفوظ بماند و در حدیث معتبر منقولست که ابن
ابی یعفور از حضرت صادق علیه السلام سؤال کرد
که بعضی از مردم از تربت حضرت امام حسین علیه السلام

میگیرند و منتفع میشوند و بعضی نفع نمیابند فرمود
والله که هر کس که اعتقاد نفع داشته باشد البته
نفع مییابد و در روایتی فرمودند که خاک قبر حضرت
امام حسین علیه السلام شفای دردها است هر
چند ثلث فرسخ دورتر از قبر بردارند و در روایت
دیگر فرمودند که تا هفتاد ذرع از قبر تربت شفا را
میتوان برداشت و در روایت معتبر دیگر فرمود
که تربت شفا را تا یکفرسخ و ثلث فرسخ از اطراف
نیز میتوان برداشت و فرمود که هیچ چیز مثل آن
نیست در شفا بخشیدن مگر دعا و چیزیکه برکت
آنرا کم میکند در جاهای نامناسب گذاشتن و
کم اعتقادی آنکس است که میخورد اما کسیکه یقین
داند که آن شفاء هست هر وقتیکه بآن معالجه کند
البته او را بدوای دیگر احتیاج نمیشود و فاسد
میکنند و کم میکنند نفع تربترا شیاطین و جنیان

کافر که خود را بر آن می‌مالند و بهر یک که می‌کنند رد
آن را می‌بویند و شیاطین و کافران جن رشک می
برند بر فرزندان آدم که خود را بر آن می‌مالند که
بوی خوش و نفعش را کم کنند و هر تربتیکه از حایر
بیرون می‌آورند آنقدر که نتوان شمرد از شیاطین
که از بیم ملائکه داخل حایر نمیشوند در بیرون مهیا
باشند که تا از حایر بیرون آورند خود را بر آن
بمالند و اگر تربت از این سالم ماند هر بیماری که
بخورد در ساعت شفا یابد پس چون تربت را بر
داری ببند و پنهان کن و نام خدا بر آن بسیار
بخوان و من شنیده‌ام که بعضی تربت را بر میدارند
و آن را سبک میشمارند حتی آنکه در میان توبره چهار
پایان یا در میان ظرف طعام می‌اندازند از چنین
تربتی چون شفا بیابند بدرستیکه صاحب یقین
نیست کسیکه باستخفاف بامور یکه موجب

صلاح او است عمل خود را فاسد گرداند از برای
برداشتن تربت دعوات و اعمال بسیاریکه مختصر کتاب
گنجایش ذکر آن ندارد و وارد شده که در وقتیکه تربت را
بخوری اول ببوس و بر دو دیده بگذار و زیاده
از یک نخود مخور که هر که زیاده بخورد چنانستکه
گوشت و خون ما را خورده است و در وقتیکه
از قبر میبرداری بگو اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ بِحَقِّ
الْمَلَکِ الَّذی قَبَضَها وَ اَسْئَلُکَ بِحَقِّ النَّبِیِّ الَّذی
خَزَنَها وَ اَسْئَلُکَ بِحَقِّ الْوَصِیِّ الَّذی حَلَّ فیها اَنْ
تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تَجْعَلَهُ شِفاءً مِنْ
کُلِّ داءٍ وَ اَماناً مِنْ کُلِّ خَوْفٍ وَ حِفْظاً مِنْ کُلِّ سُوءٍ
پس تربت را بر پارچه ببند و سوره انا انزلناه را
بر آن بخوان و در حدیث معتبر دیگر فرمودند که
هر که تربت را بقصد شفا نخورد چنانستکه گوشت
ما را خورده است و چون بقصد شفا بخورد بگوید

بسم الله و بالله اللهم رب هذه التربة المبارکة
الطاهرة و رب النور الذی انزل فیه و رب الجسد
الذی سکن فیه و رب الملائکة الموکلین به اجعله
شفاءً من داء کذا و کذا و آن درد را ذکر کند و
تربت را بخورد و بجرعهٔ آب بعد از آن بخورد و بگوید
اللهم اجعله رزقاً واسعاً و علماً نافعاً و شفاءً
من کل داء و سقم چون چنین کنی دفع میشود آنچه
در خود میابی از درد و بیماری و غم و اندوه والله العالم

فصل هم در بیان ثواب عیادت بیمار

و برخی از آدابیکه در وقت مرض باید بعمل آورده
شود و ذکر بعضی از آداب بعد از مرض در حدیث
معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر
که عیادت کند برادر مسلمان بیمار خود را اگر روز
هفتاد هزار ملک بر او صلوات بفرستند اگر
صبح باشد تا شام و اگر شام باشد تا صبح

و در حدیث دیگر فرمود که هر که بیمار را عیادت
کند هفتاد هزار ملک او را مشایعت کنند و
برای او استغفار کنند تا بخانه خود برگردد و
در حدیث دیگر فرمودند که هر که عیادت کند
بیمار را خدای تعالی موکل سازد باو هفتاد هزار
ملک را که همیشه بخانه او آیند و در خانه او تسبیح و
تکبیر و تهلیل و تقدیس الهی گویند تا روز قیامت
و نصف ثواب ایشان از برای او باشد و نیز
فرمودند کسیکه بعیادت برادر خود برود از
بیمار برای خود طلب دعا کند که دعای او مانند
دعای ملائکه است و نیز فرمودند که درد چشم را
عیادت نمیباشد و در اول بیماری سه روز متوالی
او را باید دید بعد از آن یکروز نه یکروز پس
چون بیماری بسیار بطول کشد او را با عیالش
میباید گذاشت و عیادت نمیباید کرد و در حدیث

دیگر فرمود که چون بدبدن بیماری و بدبویی با
بهی یا ترنجی یا بوی خوشی با خود ببرید که بیماران
استراحت میابند و نیز فرمودند از تمامی عیادت
آنستکه دست بر ذراع بیمار بگذاری و در وقت
دعا کردن و زود برخیزی که عیادت احمقان دشوارتر
است بر بیمار از درد او و از حضرت امیرالمؤمنین
علیه السلم منقولستکه از عیادت کنندگان کسی
ثوابش بیشتر استکه زودتر برخیزد مگر آنکه بیمار
نشستن او را خواهد و از او سؤال کند که بنشیند
واما آداب مرض پس چون آثار او بر کسی ظاهر شد
باید باحوال خود بپردازد و متوجه وصیت شود
و از گناهان خود توبه کند و تضرع و زاری بسیار
کند تا جناب مقدس ایزد تعالی او را ببخشد و
حقوق خدا و خلق آنچه در ذمه او باشد ادا کند و
بدیگران نگذارد و بقدر ثلث مال خود از برای

خویشان و تصدقات و خیرات و آنچه مناسب خود
داند وصیت کند و امور اطفال و عیال خود را
بعد از توکل بخدا بامینی بگذارد و وصی برای اولاد
صغیر خود تعیین کند پس کفن خود را مهیا کند
و از شهادتین و عقاید حقه و اذکار و ادعیه که
در کتب مبسوطه مفصلا ذکر شده بتربت حضرت
امام حسین علیه السلم بفرماید که بنویسند و این
در صورتیست که پیش غافل شده باشد و کفن را
مهیا نکرده باشد و اگر نه مؤمن میباید که همیشه
کفن او پیش او باشد که هرگاه بان نظر کند ثواب
یابد پس از آن دیگر دل از فرزند و زن و اموال
کنده متوجه حق تعالی شود و وارد شده که هر که در
وقت مرگ وصیت نیکو نکند علامت نقصان
عقل و مروت او است عرض کردند چگونه وصیت
کند فرمودند که چون نزدیک وفات او شود مرد

نزد او جمع شوند بگویند اَللّٰهُمَّ فَاطِرَ السَّمٰوٰاتِ وَالاَرض
تا آخر و اگر صحیفه خود را پیشتر درست نکرده باشد
جمعی از مؤمنان را حاضر کند و بر اعتقادات خود
ایشان را گواه بگیرد باین نحو بسم الله الرحمن الرحیم
اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ تا آخر شهاده بتفصیلی
این مقام گنجایش ذکر آن ندارد و باید خویشان و
برادران مومن او در چنین حال او را تنها نگذارند
و نزد او قرآن و دعا بخوانند بخصوص سوره یس و
الصافات و آیة الکرسی و آیه سخره و سه آیه از آخر
سوره بقره و سوره احزاب و غیرها و عقاید حقه
را برا و بخوانند و همچنین دعای عدیله و معتقدش را
اگر بداند برا و القا کنند و پاهایش را رو به قبله
و دست برا و نگذارند الا اعضا که در نهایت
تا تواند بیند را توقف و لا اله الا الله تلقین
کنند که هر که این کلمه آخر سخنش باشد داخل

بهشت شود و کلمات فرج برا و تلقین کنند با
بگویند که بگوید اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِیَ الْکَثِیرَ مِنْ مَعٰصِیکَ
وَاقْبَلْ مِنِّی الْیَسِیرَ مِنْ طَاعَتِکَ و چون فوت شود
چشمانش را برهم گذارند و دستهایش را بر پهلویش
بکشند و جامه بر رویش بیندازند و چانه اش را
ببندند و مردم را اعلام کنند تا بجنازه او حاضر
شوند و تشییع جنازه او کنند و بر جنازه اش
نماز کنند و از برای او استغفار کنند تا وقتیکه
دفن شود و ثواب تشییع میت و نماز خواندن بر
و و غسل دادن و کفن و دفن کردن و آداب آن
زیاده از آنستکه در امثال این نوع کتابها درج
شود باید رجوع بکتب مبسوطه شود و مستحب
است تعزیه دادن صاحب مصیبت را و هر که
اندوه گینی را تعزیه بگوید در قیامت او را حله
بپوشانند و مثل آن ثواب این صاحب مصیبت

ود را باشد بدانکه از ثواب آن چیزهائی که شنوند و دیدنی
کردن زیارت اموات نیست خصوص روز پنجشنبه و
جمعه و شب های [illegible] چنانکه آنها جواب میدهند
از حضرت صادق علیه السلم مرویست که چون کسی مردگان
را زیارت کند که ایشان خبر میشوند و از زوار
شاد میشوند و بایشان انس میگیرند و در روایتی دیگر
که هر که زیارت قبر مادر و پدر یا یکی از ایشان روز
جمعه برود بنویسند خدا گناهی از برای او و ثواب حج
مبرور و سزاوار است که یکساعتی درنگ کند در
سر قبر بجهت انس آنها با او و چون خواهد فاتحه
خواند رو بقبله کند و دست بر روی قبر گذارد
و هفت مرتبه سوره انا انزلناه بخواند که هر که
این سوره را هفت مرتبه بخواند سر قبر وارد شده
که از هول بزرگ قیامت ایمن گردد و وارد شده
که بهتر سخنیکه در قبرستان بگوئی چون بگذری

اینستکه بایستی و بگوئی اللهم ولهم ما تولوا و
احشرهم مع من احبوا و مستحبست در زیارت قبرستان
خواندن یازده مرتبه سوره قل هو الله احد و
هدیه کردن ثواب آنرا برای اموات

باب دهم در آداب معاشرت با مردم و حقوق اصناف ایشان و مشتمل بر نه فصل است

فصل اول در بیان حقوق خویشان و غلامان و کنیزان

بدانکه نیکی با خویشان باعث
نموی اعمال و زیادتی مالست و بلاها را دفع
کند و عمر را زیاد میکند و حساب قیامت را آسان
میکند و هیچ عملی ثوابش زودتر از صله رحم
نمیرسد و شخصی از حضرت صادق علیه السلم
سؤال کرد که خویشانی دارم که شیعه نیستند
آیا ایشان را بر من حقی هست فرمود بلی حق رحم را
هیچ چیز قطع نمیکند اگر شیعه باشند دو حق

دارند حق رحم و حق اسلام و در احادیث معتبره
بسیار وارد شده است که رحم در روز قیامت
چنگ در عرش الهی میزند و میگوید پروردگارا
هرکه در دنیا مرا صله کرده است تو امروز او را
برحمت خود وصل کن و هرکه مرا قطع کرده است
در دنیا تو امروز او را از رحمت خود قطع کن و
وارد شده که هرگاه خویشان با یکدیگر بدی
کنند مال ایشان بدست بدکاران میافتد و از
حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که
هرکه بپای خود برود بخانهٔ خویشان بجهت بدن
ایشان یا برای آنکه مالی را بایشان برساند حق تعالی
او را ثواب صد شهید کرامت فرماید و بعدد
هر گامی که بر دارد چهل هزار حسنه در نامهٔ عملش
نوشته شود و چهل هزار گناه از او محو شود و
چهل هزار درجه برای او در بهشت بلند شود

و چنان باشد که صد سال عبادت خدا با خلوص
کرده باشد پس باید ای عزیز من که کوشش کنی در صلهٔ
رحم و قطع نکنی که قطع عمر میکند و بسا باشد که
سی سه سال از عمر باقی باشد بسبب قطع رحم
سه سال شود و قاطع رحم داخل بهشت نشود
و وارد شده که بوی بهشت از هزار ساله راه
شنیده میشود و از آنها نشنود عاق والدین
و قاطع رحم و مرد پیر زناکار و از حضرت رسول
منقولست که پیوسته مرا جبرئیل وصیت میکرد
در باب غلام و کنیز تا آنکه گمان کردم که برای
ایشان حدی مقرر خواهد کرد که چون بآن برسند
آزاد شوند و از آنحضرت مرویست که بندگان
خود بخورانید آنچه خود میخورید و بایشان بپوشانید
آنچه خود میپوشید و وارد شده که آنحضرت بنفس
خود فرمودند که میخواهید خبر دهم شما را ببدترین

مردم گفتند بلی یا رسول الله فرمود که کسی که تنها
سفر کند و عطای خود را از مردم منع کند و غلام
خود را بزند و از حضرت صادق علیه السلام منقول
است که بنده که مؤمن باشد چون هفت سال خدمت
کند آزاد میشود و بعد از آن خدمت فرمودن با آن
حلال نیست و علما حمل فرموده اند این حدیث را بر
آنکه سنت مؤکد است که بعد از هفت سال او را
آزاد کنند و نیز از آنحضرت مرویست که در تأدیب
اطفال و غلامان و کنیزان و پنج تازیانه یا شش تازیانه
بیشتر نزنید و آنرا هم برفق و هموار بزنید و در
احادیث معتبره از آنحضرت منقول است که سه کس اند
که نماز ایشان مقبول نیست غلامیکه از آقای خود
گریخته باشد تا آنکه برگردد و خود را با آقا تسلیم
نماید و شخصیکه پیشنمازی گروهی کند که با او راضی
نباشند و زنیکه شوهر او خشمناک بخوابد و

و ثواب آزاد کردن بندگان بسیار است و مستحب است
آزاد کردن آنها را در شب عرفه و روز آن و در شب
آخر ماه مبارک رمضان چنانچه مولای امامان علی بن الحسین
علیهما السلام چنین میکرد و سالی نبود مگر آنکه آن
حضرت در شب آخر رمضان بیست نفر یا کمتر یا
بیشتر از غلامان خود را آزاد میفرمود و روز فطر
که میشد با آنها جایزه عطا میفرمود تا احتیاج با آنچه
در دست مردم است نداشته باشند بلکه آنحضرت
خادم را بیشتر از یکسال خدمت نمیفرمود و اگر در
اول سال یا در وسط سال مالک عبدی میشد
همینکه شب عید فطر میشد آنها را آزاد مینمود
و عوض آنها در سال دیگر دیگر میخرید و هم چنین
آنها را آزاد میکردند تا از دنیا رحلت فرمودند صلوات
الله علیه فصل دوم در حقوق همسایگان
و بیان بدانکه تأکید در باب رعایت همسا

بسیار شده تا آنکه حضرت رسول صلی الله علیه و
آله فرموده که پیوسته جبرئیل مرا وصیت مینمود
بر رعایت همسایه تا آنکه گمان کردم که برای او میراث
قرار خواهد داد پس باید رعایت نمود همسایه را
و اذیت و آزار آنها را نکرد که کسیکه آزار آنها
کند وارد شده که حق تعالی بوی بهشت را حرام
گرداند و مأوای او جهنم باشد و هر که آزار کند
آنها را برای طمع در خانه او خدا خانه او را بورثه او
برساند و اگر باز دارد آزار خود را از آنها وارد
شده که حق تعالی در دنیا منا ز گناهان او درگذرد
و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که تا
چهل خانه از هر طرف همسایه اند و در حدیث
دیگر فرموده که از جمله حقوق مال حق ماعون
است که حق تعالی وعید جهنم فرموده است
بر آن کسیکه منع آن نماید و آن قرضی است که بهمسایه

دهد یا نیکی که با ایشان کند یا ضروریات خانه
که با ایشان عاریه دهد راوی عرض کرد که ما همسایگان
داریم که اگر چیزی بعاریه با ایشان بدهیم میشکنند
و ضایع میکنند در این صورت بر ما گناهی هست
اگر با ایشان ندهیم فرمود که هرگاه چنین باشد
گناهی نیست بر شما اگر با ایشان ندهید و در حدیث
دیگر فرموده که حلال نیست منع کردن نمک و
آتش از همسایگان و نیز از آنحضرت منقولست
که منع نکنید قرض دادن خمیر و نان را و طلبیدن
آتش را که این امور باعث زیادتی روزی میشود
بر اهل خانه تا آنکه از جمله مکارم اخلاقست
و در احادیث معتبره وارد شده است که خوردن
مال یتیم بناحق از جمله گناهان کبیره است و از
حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که
هر مرد مؤمن و زن مؤمنه که دست بر سر یتیم

بکشد از روی ترحم حق تعالی برای او بعدد هر موئی
که دستش بر او میگردد حسنه برای او بنویسد
و در روایت دیگر منقولست که بهر موئی حق تعالی نوری
باو کرامت فرماید در قیامت و در احادیث معتبره
در فضیلت نگاه داشتن یتیمان و رعایت حال
انها و نفقه دادن بایشان زیاد است و این مختصر
گنجایش ذکران ندارد

فصل سیم

در حقوق
صداقت و اخوت بدانکه اخوت و برادری صحیح
است و بسیار گرفتن از برادران نیک در وقت
رفاهیت ذخیره اند از برای وقت بلا و در وقت
بلا سپرند برای دفع اعدا و بهترین عیش دنیا
فراخی خانه و بسیاری دوستانست و حضرت
لقمان بپسر خود گفت که با صد کس مصاحبت
بکن و با یک کس دشمنی مکن و راضی باش که
غلام نیکان باشی و راضی مشو که فرزند بدان

باشی و نظر کردن بروی برادر یکه دوستی داری
او را برای خدا عبادتست و از حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام منقولست که برادران دو نوعند یکی
برادرانیکه محل اعتماد باشند در دوستی و یاری
و دیگری برادران خندیدن و صحبت اما اول که
پس ایشان بمنزله دستند و بالند و اهلند و
مالند پس چون بر برادری چنین اعتماد داشته
باشی از برای او صرف کن مال و بدن خود را
و با دوستانش دوستی کن و با دشمنانش دشمنی
کن و رازش را بپوشان و عیبش را مخفی دار و
نیکیهایش را افشا کن و بدانکه این قسم برادران
کمترند از کوگرد احمر که اکسیر است و اما دوم پس
تو لذت صحبت ایشانرا [illegible] از ایشان
قطع مکن و توقع زیاده از ایشان مدار و در
احادیث معتبره وارد شده است که مؤمن برادر

مؤمن است و دیدهٔ او است و راهنمای او است با او
خیانت نمیکند و بر او ظلم نمیکند و او را فریب نمی
دهد و با او وعده که کند خلف نمیکند و با او دروغ
نمیگوید و غیبت او نمیکند و وارد شده که مطلع
مگردان دوستان خود را بر راز خود مگر رازی که
اگر دشمن تو بداند بتو ضرری نرساند زیرا که گاه
هست که دوست بگردد و دشمن تو شود و در
حدیث وارد است که قطع آشنائی از دوستان
پدر خود مکن که روشنی احوال تو تاریک میشود
و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است
که هر که خود را در محل تهمت در آورد ملامت نکند
کسی را که گمان بد باو ببرد و هر که راز خود را پنهان
دارد اختیار با خودش است و هر سخنی که از
دو کس گذشت فاش میشود و چون با کسی برادری
کنی آنچه از او ببینی بر محل نیک حمل کن تا آنکه بحدی

برسد که دیگر محمل نیک نیابی و زینهار که گمان بد
مبر بسخنیکه از برادرت صادر شود تا محمل نیکی برای
او یابی و بسیار بگیر از برادران نیک که در وقت
رفاهیت هستند برای وقت بلا و در وقت بلا
سپرند برای دفع اعدا و مشورت با جماعتی بکن
که از خدا بترسند و برادران مؤمن را بقدر پر
هیزکاری ایشان دوست بدار و بپرهیز از زنان
بد و از نیکان ایشان در حذر باش **فصل**
چهارم در بیان حقوق مؤمنان بر یک
دیگر و حسن معاشرت با خلق بدانکه از حضرت
صادق جعفر بن محمد صلوات الله علیهما وارد شده
که حق مؤمن بر مؤمن آنست که او را بدل دوست
دارد و مال خود را از او دریغ ندارد و اگر بسفری
رود باحوال او بپردازد و اگر کسی بر او ظلم کند او را
یاری نماید و اگر عطائی بمسلمانان دهند و او

غایب باشد بهره او را برای دیگری و چون بمیرد
بزیارت قبرش برود و بر او ظلم نکند و او را فریب
ندهد و با او خیانت نکند و بر روی او اف نگوید
و اگر اف بگوید دوستی از میان ایشان برطرف می
شود و اگر بگوید تو دشمن منی یکی از ایشان کافر
باشد زیرا که اگر دروغ گفته خود کافر است
و اگر راست گفته آن دیگری کافر است یعنی صاحب
کبیره است و چون او را بتهمتی متهم سازد ایمان
در دلش بگدازد چنانچه نمک در آب میگدازد
و از حضرت باقر علیه السلم منقولست که واجبست
از برای مؤمن بر مؤمن که هفتاد کبیره او را
بپوشاند و حضرت امیر المؤمنین علیه السلم
فرمودند که مسلمانرا بر برادر مسلمان شش
حق است هرگاه که باو برسد بر او سلام کند و
هرگاه که بیمار شود او را عیادت کند و هرگاه که

عطسه کند او را دعا کند و چون بمیرد بر او نماز
کند و هرگاه او را بضیافت بطلبد قبول کند
و از برای او دوست دارد آنچه از برای خود دوست
دارد و آنچه از برای خود دوست نمی دارد و از برای
او دشمن دارد آنچه از برای خود دشمن میدارد
و بسند معتبر منقولست که معلی بن خنیس از
حضرت امام جعفر صادق علیه السلم پرسید
که حق مسلمان بر مسلمان چیست فرمود که هفت
حق هست که هر یک از آنها واجبست و اگر یکی
از آنها را ترک کند از دوستی و طاعت خدا بدر
میرود پرسید که آنها چیست فرمود که میترسم
که بدانی و بعمل نیاوری و رعایت آنها نکنی آسان
ترین آن حقوق آنست که آنچه از برای خود دوست
میداری از برای او دوست داری و آنچه از برای
خود نمیخواهی از برای او نخواهی دوم آنکه بپرهی

از غضب او و پیروی خوشنودی او بکنی و انچه
فرماید اطاعت کنی سیم انکه او را یاری کنی
بجان و بمال و بزبان و بدست و پا چهارم انکه
دیده و راهنما و ایینه او باشی پنجم انکه تو سیر
نباشی و او کرسنه باشد و تو سیراب نباشی و
او تشنه باشد و تو پوشیده نباشی و او عریان
باشد ششم انکه اکر تو خدمتکاری داشته باشی
و او نداشته باشد واجبست که خادم خود را
بفرستی که جامه اش را بشوید و طعامش را بپزد
و رختخوابش را بکستراند هفتم انکه اکر تو را قسم
دهد بعمل آوری و اکر تو را بخانه خود دعوت
کند قبول کنی و اکر بیمار شود بعیادتش بروی و
اکر بمیرد بجنازه اش حاضر شوی و اکر دانی که حاجتی
دارد پیشی کیری بر اوردن ان پیش از انکه از تو
سؤال کند چون چنین کنی پیوند کرده محبت خود را

بمحبت او و محبت او را بمحبت خود و وارد شده که
بر شما باد بقضای حوائج خلایق که هیچ عملی نزد خدا
بهتر از این نیست

فصل پنجم در قضای حاجت

مؤمنان و سعی در کارهای ایشان نمودن و شاد
کردانیدن ایشان بدانکه هیچ عبادتی نزد خدا
محبوبتر از شاد کردانیدن مؤمن نیست و هر که
مؤمنی را شاد کرداند رسول خدا صلی الله علیه و
اله را شاد کردانیده و هر که انحضرت را شاد کرداند
خدا را خوشنود کردانیده و روایت شده که هر که مؤمنی
را شاد کرداند حق تعالی هزار هزار حسنه برای او
بنویسد و وارد شده که تبسم در روی برادر مؤمن
حسنه است و خاشاکی از او برداشتن حسنه است
و در احادیث معتبره از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که چون مؤمن از قبر بیرون میاید و
میکویند بشارت باد تو را بکرامت از جانب خدا و خوشحالی

نسخه بدل بیرون میایند

پس مؤمن میگوید باو که خدا ترا بشارت بخیر
دهد پس با او میباشد بهر هولیکه میکند رو
میگوید که ایا تو کیستی که پیوسته او را چنین
بشارت میدهد تا آنکه بمقام حساب آید پس حق
امر کند که او را ببهشت برند باز میگوید که
بشارت باد ترا که خدا فرمود ترا ببهشت برند
مؤمن گوید که تو کیستی که از قبر تا اینجا مرا بشارت
دادی و مونس من بودی و از جانب خدا بمن خبر
رسانیدی گوید که منم آن شادی که در دل برادر
مؤمن خود داخل کردی در دنیا خدا مرا از آن
خلق کرده است که بشارت دهنده تو و در تنهائی
مونس تو باشم و اما سعی کردن در حوائج مؤمنان
پس ثواب آن زیاده از آنست که احصا شود بلکه
وارد شده که بر آوردن حاجت مؤمن بهتر است
از بیست حج و در حدیث دیگر هست از هزار

بنده آزاد کردن و هزار اسب در راه خدا بجنگ
فرستادن و حضرت امام محمد باقر علیه السلام
فرمود که هرکه راه رود برای بر آوردن حاجت
برادر مسلمان خدا هفتاد و پنج هزار ملک را بفرستد
که او را سایه کنند و بهر قدمی برای او حسنه
بنویسند و گناهی محو کنند و درجه بلند کنند و
چون از کار برادر فارغ شود ثواب حج و
عمره در نامه عملش بنویسند و نیز از آنحضرت
منقولست که مؤمنیکه برادر مؤمنش حاجتی نزد
او بیاورد و او قادر نباشد بر بر آوردن حاجت
او و دلش غمگین شود بسبب آن خدا بهشت
را برای او واجب گرداند و در حدیث معتبر از علی بن
الحسین علیهما السلام منقولست که بگردان مسلمانان
را نزد خود بمنزله اهل خانه خود پیر از ایشان را
بمنزله پدر خود بدان و خورد تا ایشان را بمنزله

فرزند خود بدان و آنها که هم سن تو باشند بمنزله
بمنزله برادر خود بدان بر کدام یک از اینها میخواهی
کرم کنی و آفرین کنی یا عیب ایشان را فاش کنی و
اگر شیطان خواهد که ترا فریب دهد که خود را
از دیگران بهتر دانی اگر کسی را ببینی که از تو بزرگتر
است بگو که او در ایمان و اعمال شایسته بر من
پیشی گرفته است پس از من بهتر است و اگر خوردتر
از خود را ببینی بگو که من بیشتر از او گناه کرده
ام پس او از من بهتر است و اگر همسال خود را به
بینی بگو که یقین در گناه خود دارم و در گناه
او شک دارم پس چرا یقین خود را برای شک
بگذارم و اگر ببینی مردم ترا تعظیم و تکریم می
کنند بگو که این از نیکی ایشانست که محاسن آداب
عمل میکنند و اگر ایشان از تو دوری کنند و ترا
حرمت ندارند بگو این از گناهیست که من کرده ام

چون چنین کنی زندگی بر تو آسان شود و دوستانت
بسیار شوند و دشمنانت کم شوند و از نیکی ایشان
شاد شوی و از بدی ایشان دلتنگ نشوی و
بدانکه گرامی ترین مردم بر مردم کسی است که خیرش
با ایشان رسد و از ایشان مستغنی باشد و سؤال
نکند از ایشان و بعد از آن گرامی تر کسیست که
محتاج باشد و سؤال نکند از ایشان زیرا که اهل
دنیا همگی از پی مال میروند و هر که با ایشان در
مال مزاحمت نرساند عزیز است نزد ایشان و هر
و هر که مزاحمت نرساند و از مال خود هم پاره
با ایشان برساند عزیزتر و گرامیتر است

فصل ششم در فضیلت رفتن بمؤمنان

بدیدن یکدیگر در احادیث معتبره وارد شده
است از حضرت باقر و صادق علیهما السلام که هر که
بدیدن برادر مؤمن خود برود از برای رضای

خدا حق تعالی هفتاد هزار ملک با او موکل گرداند
که او را ندا کنند تا بخانه خود بر گردد که خوشا
حال تو و گوارا باد بهشت از برای تو و وارد شده
که هرکه بدیدن برادر مؤمن خود بخانه او برود
حق تعالی او را خطاب کند که تو مهمان منی و
بزیارت من آمده و مهمانداری تو بر منست و
بهشت را برای تو واجب کردم بسبب آنکه دوست
داشتی برادر مؤمن خود را و از حضرت امام
جعفر صادق علیه السلم منقولست که بدیدن
برادر مؤمن خود رفتن از برای خدا بهتر است
از ده بنده مؤمن آزاد کردن و هرکه بنده مؤمنی
را آزاد کند حق تعالی بهر عضوی از آن بنده عضوی
از او را از آتش جهنم آزاد گرداند و در حدیث
معتبر منقولست که آنحضرت بداود بن سرحان
فرمودند که شیعیان ما را از من سلام برسان و بگو

که خدا رحمت کند بنده را که با دیگری بنشیند و یاد
کند احادیث ما را که سیم ایشان ملکیست از
برای ایشان استغفار میکند و هرگاه با یکدیگر
بنشینید و یاد ما و احادیث ما بکنید بسبب
نشستن و مذاکره شما مذهب ما برای شما
زنده میشود و بهترین مردم بعد از ما کسی است که
مذاکره احادیث ما بکند و ما را یاد نماید و از حضرت
امام محمد باقر علیه السلم مرویست که فرمودند
بدیدن یکدیگر بروید در خانه های خود که باین
زنده میمانند دین ما خدا رحمت کند کسیرا که مذهب
ما را زنده بدارد و از حضرت صادق علیه السلم
منقولست که هرکه قادر نباشد بما احسانی کند
بصالحان شیعیان ما احسان کند تا ثواب احسان
کردن بما در نامه عملش نوشته شود و هرکه قدرت
بر دیدن ما نداشته باشد بدیدن صالحان

شیعیان ما برود تا ثواب بدن ما برای او نوشته
شود و بدانکه اطعام مؤمنیکه بد بد زا و روی اکرم بعض
باشد که عبادت بسیار کرده باشد فضل و ثواب او
زیاده از انستکه ذکر شد و ما چند حدیث متعلق
باین در فصل آخر باب نهم ایراد نمودیم بانجا رجوع
کن والله الموفق

فصل هفتم در اطعام مؤمنان و آب دادن ایشان و جامه پوشانیدن و سایر احسانهای ایشان

بدانکه از جمله چیزها
که آمرزش را واجب گردانند طعام دادن مسلمان
گرسنه است و در اطعام برادران مؤمن ترغیب
بسیار وارد شده است بلکه وارد شده که هر که
طعام دهد برادر مؤمن خود را از برای خدا
چنانستکه صد هزار کس از دیگران طعام
داده باشد و در روایتی ذکر شده که هر که مؤمن
مالداری را طعام دهد برابر است با یک بنده از

فرزندان اسمعیل که او را از کشتن آزاد کند و
هر که مؤمن محتاجی را طعام بخوراند برابر است
با صد بنده از فرزندان اسمعیل که از کشتن
آزاد کند و از حضرت رسالت پناه صلی الله
علیه و آله منقولستکه هر که شربتی آبی بمسلمانی
بدهد در جائیکه آب بهم رسد بخشد خدا هفتاد
هزار حسنه با و عطا فرماید و اگر او را آب بدهد
در جائیکه آب کم یافت باشد چنانستکه ده بنده
از فرزندان اسمعیل آزاد کرده باشد و در حدیثی
فرمودند که بهترین اعمال نزد خدا سه چیز است
سیر کردن مسلمان گرسنه با قرض مسلمانرا
ادا کردن یا غمی از دل او برداشتن و فرمودند
و برکت بخانه که در آن طعام داده میشود زود
تر میرود از فرو رفتن کارد بکوهان شتر و در
حدیثی وارد شده که چهار چیز است که هر که یکی

ازانهار آنجا و در داخل بهشت میشود و هر که
تشنه را سیراب کند یا گرسنه را سیر گرداند یا
عریانی را بپوشاند یا بنده که در مشقت است
آزاد کند و از حضرت علی بن الحسین علیه السلام
منقولست که هر که جامه یا دابه داشته باشد
و داند که برادر مومنش بان محتاج است و او
ندهد حق تعالی او را سرنگون در آتش جهنم
اندازد و هر که سیر بخورد و نزدیک او مومنی
گرسنه باشد حق تعالی بملائکه فرماید که شما را گواه
میگیرم بر این بنده که من او را امر کردم و او نا
فرمانی من کرد و اطاعت دیگران کرد بدانید که او را
بعمل خود گذاشتم و هرگز او را نیامرزم و از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله منقولست که ایمان
نیاورده است بمن کسیکه سیر بخورد و برادر
مسلمانش گرسنه باشد و در حدیث دیگر فرمودند

که هر که دور کند از راه مسلمانان چیزی را که باعث
آزار ایشان باشد حق تعالی ثواب خواندن چهارصد آیه
برای او بنویسد که بهر حرفی ده حسنه برای او
بنویسد و در روایت دیگر فرمود که بنده داخل
بهشت است بسبب خاری که از راه مسلمانان برداشت
و مستحبست هدیه فرستادن و وارد شده که
هدیه کینه‌ها را از سینه‌ها میبرد و نیز وارد شده که
دایم کنید هدیه را بهم پس دادن ظرفهای هدیه
و هدیه بر سه قسم است هدیه که در مقابلش توقع
نفع داشته باشی و هدیه که برای رشوه باشد
و هدیه که برای خدا فرستی و غرض ثوابی داشته
باشی و این ممدوح است

فصل هشتم

در حقوق فقیران و ضعیفان و پیران و صاحبان
بلا و آداب معاشرت ایشان از رسول خدا صلی
الله علیه و آله منقولست که تعظیم پیران فرمودند

آیا به بازار میروی و میوه‌ها و چیزهای نفیس میبینی
که قادر بر خریدن آنها نباشی عرض کرد بلی فرمود
هر چیزی که ببینی و قدرت بر خریدن آن نداشته باشی
حسنه برای تو نوشته میشود و از حضرت صادق
علیه السلام مرویست که هر که ذلیل و حقیر شمارد مؤمنی
را برای پریشانی او حقتعالی او را در حضور جمیع
خلایق در روز قیامت رسوا کند و در حدیث صحیح از
آنحضرت منقولست که حقتعالی میفرماید مهیای
جنگ من باشد کسی که آزار کند بنده مؤمن
مرا و باید که ایمن باشد از غضب من کسی که گرامی
دارد بنده مؤمن مرا الخ و وارد شده که هر که
مؤمنی را ذلیل کند خدا او را ذلیل گرداند و از
حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که
ذلیل‌ترین مردم کسیست که مردم را خوار کند و
نیز آنحضرت در حدیثی فرمودند که بسا ژولیده موی

گرد آلوده که دو جامه کهنه پوشیده باشد اگر بر
خدا قسم دهد خدا قسمش را رد نکند و از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که هر که اهانت کند
برادر مسلمانی به نیم کلمه در روز قیامت در میان
دو چشمش نوشته شود که ناامید است از رحمت
الهی و وارد شده که مؤمن را برای این مؤمن می
گویند که مردم در جان و مال خود از او ایمنند و
مسلمان کسیست که مردم از دست و زبان او
سالم باشند و مهاجر کسیست که از گناهان
هجرت کند و هر که مؤمنی را دشنام دهد که او را
به نسبتی ذلیل کند یا طعنه بر روی او زند یا چیزی که
نخواهد نسبت باو بجا آورد ملائکه او را پیوسته
لعنت کنند تا او را راضی کند و توبه کند پس زنهار
که تعجیل مکنید در آزار مردم شاید که او مؤمن
باشد و شما ندانید و صبر و آهستگی و همواری

بکنید که هیچ چیز نزد خدا بهتر از نرمی و آهستگی
نیست و نیز رسول خدا صلی فرمودند بحق خداوندی
که جانم در قبضهٔ قدرت او است که اگر اهل آسمانها
و زمین همه جمع شوند بر کشتن مؤمنی یا راضی شوند
بکشتن او همه را خدای تعالی داخل جهنم کند بحق آن
پروردگاری که جانم بدست قدرت او است که هیچ
کس کسیرا تازیانه نمیزند بناحق مگر آنکه در جهنم مثل
آن تازیانه را میخورد و فرمود که هر که نظری کند
بمؤمنی که او را بآن نظر کردن بترساند خدا او را
بترساند در روزیکه بجز او پناهی نباشد و ثواب
بسیار وعده داده اند از برای کسی که ببیند بیچاره
را در راهی که چهارپایش افتاده است و کسی بغیر از
او نمیرسد پس او را یاری کند و بارش را بردارد و
بر چهارپایش سوار کند و از رسول خدا صلی الله
علیه و آله روایت شده که فرمودند هر که حرمت مرد

پیری را بشناسد پس او را تعظیم کند برای سنش
خدا او را ایمن گرداند از ترس روز قیامت و فرمود
که تعظیم کردن خدا است تعظیم کردن مؤمن ریش
سفید و فرمود که از ما نیست کسیکه خوردان
ما را رحم نکند و پیران ما را تعظیم نکند و از حضرت
صادق علیه السلام منقول است که بشخص کر چیزی را
شنوانیدن بی آنکه دلتنگ شوی تصدقیست
آسان و روایت شده که هر که قائد یعنی عصا
کش کوری شود چهل گام بر زمین هموار و فانی کند
بقدر سر سوزنی از آنکه تمام روی زمین را پر کنند
از طلا و از رسول خدا صلی منقول است که بسیار نظر
نکنید بسوی اصحاب بلا و آنها که خوره دارند که
اندوهناک میشوند و از حضرت صادق علیه السلام
مرویست که چون ایشان را ببینید از خدا عافیت
بطلبید و از مرض ایشان غافل مشوید که مبادا

بشما سرایت کند و بدانکه در روایات وارد شده
که بگریز از شخصیکه خوره داشته باشد و بروایتی
از پنج نفر فرموده اند اجتناب کنید کسیکه خوره
داشته باشد و پیس و دیوانه و ولد الزنا و عرب
بادیه نشین و از صاحبان بلا را ببینی سه مرتبه
آهسته بگو که او نشنود الحمد لله الذی عافانی
مما ابتلاک به ولو شاء فعل که هرگز بتو بلا نرسد

چون کسی

فصل نهم در بیان آداب معاشرت ظالمان

و مخالفان و کافران مجملاً بدانکه باید انسان
متعرض پادشاه ظالم نشود که اگر آزاری از او
یابد ثواب ورا نباشد بلکه لازم است بر رعیت
که اگر سلطان ایشان عادلست طلب بقای او را کنند
چون او بمنزله پدر مهربانست و اگر ظالمست از خدا
بطلبند که خدا او را باصلاح آورد و باید اجتناب
کرد از معاشرت ظلمه و حقتعالی در قرآن مجید

فرموده و لا ترکنوا الی الذین ظلموا فتمسکم
النار و وارد شده که هرکه مدح کند پادشاه
ظالم را و نزد او شکستگی و تذلل کند برای طمع
دنیا قرین او باشد در جهنم و هرکه تازیانه در
دست گرفته نزد پادشاه ظالم حاضر باشد
حقتعالی آن تازیانه را در قیامت اژدهائی کند
از آتش جهنم که هفتاد ذرع باشد درازی او و
مسلط گرداند بر او در جهنم و نهی شده از حاضر
شدن بر سر سفره فاسقان و وارد شده که
سلیمان جعفری بخدمت امام رضا علیه السلام عرض
کرد که چه میفرمائید در کارهائیکه مردم متکفل
میشوند از جانب پادشاهان حضرت فرمود
که داخل شدن در اعمال ایشان و یاری کردن و
سعی در حوائج ایشان نمودن معادل کفر است
و عمداً نظر کردن بروی ایشان گناه کبیره است

بسوی

و از امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که ظلم کننده
و یاری کننده او بر ظلم و کسیکه راضی باشد بظلم
باشد هر سه در گناه شریکند و از رسول خدا
صلی الله علیه و آله مرویست که بهترین جهادها
آنست که چون کسی صبح کند ظلم بر کسی در خاطر
نداشته باشد و از امیر المؤمنین علیه السلام
منقولست که هر که برود نزد توانگری و بنزد او
شکستگی کند برای توانگری او دو ثلث دینش
برود و در روایت معتبر وارد شده که هر که برساند
بپادشاهی حاجت کسیرا که نتواند حاجت خود را
باو رساند حقتعالی در قیامت پاهای او را ثابت
گرداند و اما کسیکه در خانه پادشاهان باشد که
ضرر و ستم ایشانرا دفع کند و اصلاح امور مسلمانان
نماید و حاجات شیعیان با ایشان متوسل شوند
پس اینها مؤمنان بحق و راستند و امینان خدااند

زمینند و نور ایشان روشنی میدهد اهل
آسمانرا و در قیامت عرصهٔ محشر را روشن میکند
و اما آداب معاشرت مخالفین تقیه است و از برای
تقیه فضیلت زیاد روایت شده بلکه وارد شده است
که تقیه نصف ایمانست و کسیکه تقیه نمیکند ایمان
ندارد و فرموده اند که نه عشر دین در تقیه است
و حضرت امام موسی علیه السلام فرموده اند که گرامی
ترین مردم نزد خدا کسیست که تقیه بیشتر کند
و تقیه واجب است و ترک آن مثل ترک نماز است
و تقیه در هر امری که آدمی ظن ضرر داشته
باشد لازمست مگر در ریختن خون که در آن تقیه
نمیباشد و اما معاشرت با کافران پس و بسیار
بسیار با اهل ذمه نباید کرد و با کفر مسلمانان
نباید همکاسه و هم فرش شود یعنی بدوی
یکفرش با او ننشیند یا با او مصاحبت نماید و وارد

شده که اگر محتاج شوی بطبیب ترسا باکی نیست که بر
او سلام و دعا کنی که دعای تو بآن نفعی نمیرساند و
با اهل کتاب ابتدا بسلام مکن و اگر سلام کردند
در جواب و علیکم بگو و با ایشان مصافحه مکن و
بکنیت نام مبر مگر آنکه مضطر شوی و اگر با ایشان
مصافحه کردی و دست هر دو شما خشک بود دست را بر خاک
یا دیوار بمال و وارد شده از رسول خدا صلی الله
علیه و آله که هر که یهود یا ترسا یا گبر را ببیند بگوید
اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذی فَضَّلَنی عَلَیْکَ بِالْاِسْلامِ دیناً وَ
بِالْقُرْآنِ کِتاباً وَ بِمُحَمَّدٍ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ نَبِیّاً وَ
بِعَلِیٍّ عَلَیْهِ السَّلامُ اِماماً وَ بِالْمُؤْمِنینَ اِخْواناً
وَ بِالْکَعْبَةِ قِبْلَةً خدا میان او و آن کافر در جهنم جمع
نکند **باب یازدهم** در آداب مجالس از
سلام و مصافحه و معانقه و بوسیدن و آداب
عطسه کردن و آداب نشستن و برخاستن و صحبت

داشتن و امثال اینها و مشتمل بر ده فصل است

فصل اول در فضیلت سلام و آداب آن

بدانکه از جمله تواضع و شکستگی آنست که با هر که
برخوری سلام بکنی و بخل نکنی که بخیل‌ترین مردم
کسیست که بسلام کردن بخل کند و هر مؤمنیکه
بجماعتی از مؤمنان سلام کند ملائکه در جواب او
میگویند سَلامٌ عَلَیْکَ وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَکاتُهُ
بلکه هر که بده نفر از مسلمانان برخورد و بر ایشان
سلام کند ثواب یک بنده آزاد کردن در نامه
عملش نوشته شود و چون سلام کنی بلند سلام
کن و همچنین جواب را هم بلند بده و بصیغه
جمع سلام بده اگر چه تنها باشند همچنانکه در
مورد عطسه یَرْحَمُکُمُ اللّٰهُ و در مورد دعا عافاکُمُ
اللّٰهُ بصیغه جمع خوبست ادا شود زیرا که با
اینها ملائکه هستند و چون داخل مسجد شوی

مردم نماز میکنند بر ایشان سلام مکن بلکه بر
حضرت رسول صلی الله علیه و آله سلام کن و
متوجه نماز شو و چون داخل خانه شوی بر اهل
خانه سلام کن و اگر خانه خالی است بگو السلام
علینا من ربنا و چند کسند که بر ایشان سلام
نمیباید کرد یهود و گبر و ترسا و بت پرست و کسیکه
در بیت الخلا باشد و کسیکه بر سر خوان شراب
نشسته باشد و بر شاعریکه بزنان محصنه عفیفه
فحش گوید و بر جماعتیکه خوش طبعی ایشان دشنا
م دادن است و بر کسیکه نرد یا شطرنج یا سایر انواع
قمار بازی کند و بر کسیکه عود یا طنبور نواز و مردی
که مردم با او عمل لواطه میکنند و کسیکه در اثنای
نماز باشد و کسیکه سود خورد و فاسقیکه علانیه
فسق کند و پروا نکند و وارد شده که سلام
کردن بر کسیکه شطرنج بازی کند گناه کبیره است

و هم چنین نهی شده از سلام کردن بر کسیکه شراب
خورد علامه مجلسی قدس سره فرموده دور نیست که اکثر
اینها محمول باشد بر آنکه سلام کردن بر اینها فضیلت
نداشته باشد یا بر اینکه از روی مهربانی و محبت
و راضی بودن بگناه ایشان سلام بر ایشان نباید
کرد زیرا که اخبار بسیار وارد شده است که بر همه
کس سلام کردن خوبست و از حضرت صادق ع
منقولست که سه کسند که بر ایشان سلام نباید
کرد کسیکه با جنازه راه رود و کسیکه بنماز جمعه
رود و کسیکه در حمام باشد و حمل کرده اند بر
صورتیکه لنگ نبسته باشد و وارد شده که
کوچک بر بزرگتر سلام کند و کسیکه بگذرد
بر کسیکه نشسته باشد سلام کند و جماعت
کمتر بر جماعت بیشتر سلام کند و هم چنین سوار
بر پیاده و استر سوار بر خر سوار و اسب سوار بر

است بسوی تو سلام کنند و چون جماعتی بر جماعتی
بگذرند یکی از ایشان که سلام کند از دیگران
مجزیست و همچنین اگر کسی بر جماعتی سلام کند
یکی از ایشان که جواب گوید از دیگران مجزیست
و منقولست که جناب رسول خدا صلی الله علیه و
آله بر زنان سلام میکردند و ایشان جواب می
دادند و جناب امیر المؤمنین سلام الله علیه بر
زنان پیر سلام میکردند و کراهت داشتند از
سلام کردن بر زنان جوان و میفرمودند میترسم
که خوش آید مرا آواز او و گناه بر من داخل شود زیاده
از ثوابیکه به سلام کردن طلب کنم و معلومست
که امثال اینها را از برای تعلیم دیگران میفرمودند
و خود از امثال اینها معصوم و منزه بودند و
کفار چون بتو سلام کنند اقتصار کن در جواب
اینها بعلیک و خود ابتدا مکن بر ایشان بسلام

فصل دوم در فضیلت مصافحه و معانقه

و بوسه کردن و آداب آن بدانکه از تمام تحیت
و سلام با کسیکه در حضر باشد مصافحه کردن
است و تمام تحیت سلام با کسیکه از سفر آمده باشد
معانقه است یعنی دست در گردن یکدیگر
کردن وارد شده که چون دو مؤمن با یکدیگر
ملاقات و مصافحه کنند میریزد گناهان از ایشان
میریزد چنانچه برگ از درخت میریزد و حقتعالی
نظر رحمت بسوی ایشان میافکند تا از یکدیگر
جدا شوند و سزاوار نیست که مصافحه را ترک
نکنی با هر مؤمنیکه ملاقات کردی اگر چه پنهان
شود از تو بواسطه درختی چون او را ملاقات
کنی مصافحه کن که مصافحه کینه را از سینه میبرد
و مصافحه با مؤمن بهتر است از مصافحه با ملائکه
و وارد شده که شما را در مصافحه کردن مثل ثواب

انها است که در راه خدا جهاد میکنند و دست را
دیگر بر دارند تا ثواب بیشتر باشد و مؤمن چون با
برادر مؤمن خود معانقه کند رحمت خدا ایشان
را فرا گیرد و از حضرت امام محمد باقر و امام جعفر
صادق علیهما السلام منقولست که هر مؤمنی
که از خانه بیرون رود بقصد دیدن برادر مؤمن
خود حق او را شناسد حقتعالی بهر گامی حسنه
در نامه عملش بنویسد و گناهی از او محو کند و
درجه برای او بلند کند پس چون در خانه آن
مؤمن را بکوبد درهای آسمان برای او گشوده شود
پس چون با یکدیگر ملاقات کنند و مصافحه
نمایند و دست یکدیگر بگیرند حقتعالی روی رحمت ذکر کردن
خود را بسوی ایشان گرداند پس حقتعالی با ایشان
با ملائکه مباهات کند و فرماید که نظر کنید بسوی
این دو بنده من که بدیدن یکدیگر رفتند و از برای

رضای من با یکدیگر دوستی کردند بر من لازم است
که بعد از این ایشانرا عذاب نکنم پس چون برگردد
او را مشایعت کنند ملکی چند بعدد نفسهای
او و گامهای او و سخنهای او که او را حفظ کنند از
بلاهای دنیا و آخرت تا روز دیگر همان وقت و اگر
در این میان بمیرد از حساب قیامت نجات یابد و اگر
آن مؤمن دیگر هم حق او را شناسد و حرمت او را
داند همین ثواب او هم داشته باشد و اما بوسه
کردن پس بوسیدن خویش خود را برای خویشی
باکی نیست و دهان بوسیدن نشاید مگر آن
برای زن و فرزند و اما برادران مؤمن را پهلوهای
روی ایشانرا ببوس و از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که شما شیعیان را نوری در پیشانی
هست که بآن نور شما را در دنیا میشناسند
چون یکدیگر را برخورید موضع نور را از پیشانی

بلکه بکر بوسیده و نیز از آنحضرت منقولست که فرمود
نمیباید بوسید سر و دست کسیرا مگر رسول
خدا صلی الله علیه و آله یا کسیکه مراد از بوسیدن
سر و دست او حضرت رسول صلی الله علیه و آله
بوده باشد علامهٔ مجلسی ره فرموده که محتملست
که مخصوص ائمهٔ طاهرین سلام الله علیهم باشد
و اظهر آنستکه شامل سادات و علما نیز باشد
زیرا که تعظیم ایشان برای آن میکنند که فرزندان
حضرت یا حافظ علوم و مروّج دین آنحضرتند و
فرمود که احوط آنستکه بغیر دست پیغمبر و امام
علیهم السلام را نبوسند چنانچه در حدیث دیگر از
حضرت صادق علیه السلام منقولست که شایسته
نیست دست بوسیدن مگر پیغمبر یا وصی پیغمبر را

فصل سیم در آداب نشستن در مجالس و

ملاقات صاحبخانه با آنکسیکه بر او وارد میشود

بدانکه ای عزیز من که چون خواستی وارد مجلسی شوی
اوّل ملاحظه کن که جائی باشد که محل تهمت و گمان
نباشد که اگر مردم گمان بد بتو برند ملامت خود
باید کنی و چون در مجلسی که سزاوار است داخل
شدن بودی از آن وارد شوی باید در مکانیکه
سزاوار تو است بنشینی و اگر بنشینی در مکانی
که شرف تو مناسب با آن ندارد بهتر و خوبتر است
و این از علامت تواضع و فروتنیست و کسیکه چنین
کند وارد شده که پیوسته خدا و ملائکه بر او
صلوات فرستند تا برخیزد و در مکانیکه سزاوار
نشستن در آنجا را نداری منشین که اگر خوار شوی
تقصیر خود تست و ملامت خود باید کنی و
کسیکه چیزی از او پرسند و او نتواند جواب گوید
تا آنکه دیگران چون عاجز شوند او جواب بیان
نتواند کند و تا چنین حالی در صدر مجلس بنشیند

احمق است و چون جائی را اهل مجلس گشادند از برای تو
بنشین و اگر نگشایند هر جا که گشاده تر است
بنشین و صاحب خانه هر جا که میفرماید بنشین که
صاحب خانه بنیک و بد خانه خود را بهتر میداند و
در مجلس جائی را اختیار کن که رو بقبله باشد و
رسول خدا صلی الله علیه و آله در اکثر اوقات
رو بقبله می‌نشست و سزاوار نیست جماعتی که
با یکدیگر بنشینند در تابستان بقدر یک شبر از
هر طرف میان خود و دیگری فاصله بگذارند
که از گرما آزار نکشند و وارد شده که حضرت
رسول صلی الله علیه و آله بسه روش می‌نشست گاهی
زانوها را از زمین برمیداشت و دستها را
پائین زانوها گذاشته اصابع یک دست را بدست
دیگر میگرفت و گاهی دو زانو می‌نشست و گاهی
یکپا را بر روی پای دیگر میگذاشت و هرگز

چهار زانو نمی‌نشست و از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که آدم مشایخ کبیر را که در جای تنگ
چهار زانو بنشینند و چون کسی در خانه تو بیاید
در وقت داخل شدن و بیرون رفتن پاره راه با او
راه برو و آنچه گوید اطاعت او کن که مهمان بر صاحب
خانه حاکم است تا بیرون آید و او را گرامی دار که هر که
بسوی او بیاید برادر مؤمن او و او را گرامی دارد
چنانست که خدا را گرامی داشته بخصوص کسیکه بزرگ
قوم خود گرامی باشد و پیر مرد را تعظیم کن که
تعظیم او تعظیم خدا است و از حضرت صادق علیه السلام
مرویست که برخواستن از برای تعظیم مکروه است
مگر از برای کسیکه بجهت دین مانند علم و صلاح
و نیکی تعظیم او کنند و اکرام مکن کسیرا بچیزیکه بر
او دشوار باشد **فصل چهارم** در بیان
جماعتیکه همنشینی با آنها سزاوار است بدانکه اعز

من که از جمله چیزهائیکه لازم است مراعات آن کنی
نظر کردن در حال همنشین است پس هرچند باش
از همه کس هر چند اعتماد بسیار بر او داشته باشی
اختیار کن از برای مصاحبت کسیرا که خدا را بیاد تو
آورد دیدن او و در علمت بیفزاید سخن گفتن او
و بسوی آخرت رغبت بفزاید کردار او و از حضرت
امام محمد باقر علیه السلم مرویست که فرمود که یک
نشستن با کسیکه اعتماد بر او داشته باشم نزد
من بهتر است از عبادت یکسال و وارد شده که
در مزبلها با عالم صحبت داشتن بهتر است از صحبت
داشتن با جاهل بر روی فرشهای نیکو و مجالست
با اهل دین شرف دنیا و آخرت است و از حضرت امام
زین العابدین علیه السلام منقولست که بفرزندان
خود میفرمود که با اهل دین و معرفت همنشینی
کنید و اگر بدست شما نیایند تنهائی مونس تر و

سالمتر است از مصاحبت غیر ایشان و از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله منقولست که متابعت کن
کسیرا که ترا میگریاند و خیرخواه تو است و متابعت
مکن کسیرا که ترا میخنداند و در مقام فریب دادن
تو است و منقولست که حضرت لقمان با پسر خود گفت
که بسیار با آشنایان نزدیک و چسبان مشو که باعث جرأت
میشود و از ایشان دوری هم مکن که خار میشوی
و نیکی با کسی بکن که خواهان آن باشد و همچنان
که میان گرگ و میش دوستی نیست میان نیکوکار و
بدکار دوستی نمیباشد هر که نزدیک قیر میرود
البته باو میچسبد هر که با بدکردار مصاحبت
کند از بدیها او میاموزد و هر که مجادله با مردم
میکند دشنام میشنود و هر که در مجالس بد
داخل میشود تهمت زده میشود و هر که با هم
نشین بد مینشیند از بدی سالم نمیماند و هر که

زبان خود را نگاه نمیدارد همیشه پشیمانی میبرد و
از حضرت صادق علیه السلام منقولست که کسیکه
برادر مؤمنش را بر امری که مکروه او باشد ببیند و
تواند که او را بر گرداند از آن امر و بر نگرداند خیانت
کرده است در برادری او و کسیکه اجتناب نکند
از مصاحبت احمق نزدیکست که اخلاق او را بر میدارد
و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که بدترین
مصاحبان تو کسیست که معصیت خدا را در نظر
تو زینت دهد و فرمود که همنشینی با مردم بد
مورث گمان بد بردنست بنیکان و در حدیث
صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که نظر
کن هر که نفع دینی بتو نمیبخشد مصاحبت او و اعتنا
بشان او مکن و در صحبت او رغبت مکن و از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله منقولست که حواریان
بحضرت عیسی علیه السلام گفتند که با کی همنشینی کنیم

فرمود با کسیکه خدا را بیاد شما آورد دیدنش و
در علم شما بیفزاید سخن گفتنش و شما را بسوی آخرت
رغبت فرماید کردارش و از آنحضرت نیز منقولست
که فرمودند چهار چیز است که دلها را میمیراند گناه بعد
گناه کردن و با زنان بسیار سخن گفتن و با احمق
مجادله کردن که تو گوئی و او گوید و بخیر بر نگردد
و همنشینی با مردگان کردن گفتند یا رسول الله
مردگان کیستند فرمودند که هر توانگری که خدا
تعالی را فراموش کرده باشد و از حضرت لقمان
مرویست که با پسر خود فرمود که ای فرزند بدیده
بصیرت نظر کن در مجالس اگر جماعتی را ببینی که یاد
خدا میکنند با ایشان بنشین زیرا که اگر عالمی بتو
نفع میدهد و از همنشینی ایشان علم تو زیاده
میشود و اگر جاهلی ترا علم میاموزند و شاید
که خدا تعالی رحمتی بر ایشان فرستد ترا هم با ایشان

فرو گیرد و اگر ببینی جماعتی را که یاد خدا تعالی نمیکنند
با ایشان منشین که اگر عالمی علمت بتو نفع نمیرساند
و اگر جاهلی جهلت زیاده میشود و شاید عذابی از
خدا تعالی بر ایشان نازل شود و ترا هم با ایشان
فرو گیرد و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلم منقول
است که فرمود بر تو باد بحاضر شدن در مجالسیکه
در آنجا یاد خدا کنند و کلام در این مقام فی الجمله
بسطی لازم است ولی چون این رساله مختصره را گنجایش
بسط نیست بهمین مقدار اکتفا مینمائیم و ما در رساله
مقالید النجاح در آداب فصل صحبت و هم نشین
و حقوق اخوان و غیره این مطالب را مفصلاً ذکر
کردیم انشاء الله بآن کتاب رجوع شود که کتاب
بسیار شریفی است والله المؤید **فصل بیستم**

در بیان آداب عطسه و آروغ و آب دهان انداختن
است بدانکه عطسه از جانب خداوند عالمیان است

و نیکو خبر بیشان نفع میرساند ببدن ما دامیکه
زیاده از سه مرتبه نشود و خدا را بیاد میاورد و بسیاری
ان ایمن میگردانند پنج درد را خوره و لقوه و نزول
آب در چشم و صلابت و خشونت موهای بینی
و بیرون آمدن مو در چشم و از برای گشادن او
چکانیدن روغن عنبر نکو و شد در بینی نافعست
و هر که عطسه کند تا هفت روز از مردن ایمن
است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که عطسه تصدیق میکند سخنی را که مقارن
او واقع شود و علامت راستی آن سخنست چون عطسه
کنی بگو اَلْحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ وَ صَلَّی اللهُ عَلی مُحَمَّدٍ
وَ اَهْلِ بَیْتِهِ و وارد شده که هر که عطسه کند دست
را بر روی بینی گذارد و بگوید اَلْحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ
حَمْداً کَثِیراً کَمَا هُوَ اَهْلُهُ وَ صَلَّی اللهُ عَلی مُحَمَّدٍ النَّبِیِّ
وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ از سوراخ بینی چپ مرغی بیرون

ابتدا از ملخ کوچکتر و از مگس بزرگتر تا برود بزیر عرش
و استغفار کند برای او تا روز قیامت و اگر بگوید
الحمد لله رب العالمین علی کل حال درد گوش و درد
دندان نیابد ان شاء الله و چون عطسه زند کسی در
حق تو دعا کرد در جواب او بگو یغفر الله لکم و یرحمکم
و چون کسی عطسه کند او را دعا کن و بگو یرحمک
الله یرحمک الله و ترک مکن او را اگرچه دریای در
میان فاصله باشد که از جمله حقوقیست که
مسلمان بر برادرش دارد و وارد شده که ترسائی
عطسه کرد حضرت رسالت علیه السلام باو فرمودند
یرحمک الله و از آنحضرت منقولست که فرمودند هر
که عطسه کسی را بشنود و حمد الهی کند و صلوات بر
محمد و اهل بیتش بفرستد درد چشم و درد دندان
باو نرسد و فرمود که اینرا بگو اگرچه دریا در میان
تو و او فاصله باشد و عطسه را تا سه مرتبه دعا

بگو و چون زیاده از سه شود او را واگذار باینکه
بگو شفاک الله و آداب رد دعای عطسه آنستکه عطسه
کننده چون مرد مؤمن باشد بگوید یرحمک الله
و اگر زن باشد بگوید عافاک الله و اگر طفل باشد
زرعک الله بگوید و اگر کافر ذمی باشد هداک
الله بگوید و اگر پیغمبر یا امام صلی الله علیهم باشد
صلی الله علیک بگوید و در جواب گفته میشود
یغفر الله لنا و لکم و اما آروغ چون زنی سر را
بجانب آسمان بلند مکن و حمد الهی را بکن چنانچه
وارد شده که آروغ نعمت خدا است بعد از آن
حمد الهی کند و اما بادها را وارد شده بجانب
قبله مینداز و اگر از روی فراموشی انداختی استغفار کن

فصل ششم در میان مزاح کردن و خندیدن

و سر بگوشی کردن و آداب صحبت داشتن و راز
مجلس را پنهان داشتن مزاح کردن ممدوح است

و از نیکی خلق است و موجب خوشحالی برادر مؤمن
است و بسیار بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله
مزاح میکردند با شخصی که او را شاد گردانند بلکه
وارد شده که هیچ مؤمنی نیست مگر آنکه در او مزاح
و خوش طبعی میباشد و خدا دوست میدارد کسیرا
که خوش طبعی کند میان مردم مادامیکه فحش نگوید
و زینهار از مزاح کردن بسیار که آن آبرو را میبرد
و مهابت را برطرف میکند و کینهها را تولید میکند
همچنانکه خندیدن اگر بطریق تبسم و گشاده
روئی باشد ممدوح است زیرا که مؤمن نبایست
عبوس و گرفته نباشد اما بسیار خندیدن فعل
بیخردانست و دلرا میمیراند و دینرا میگدازد
چنانکه آب نمک را میگدازد و آدمی را در روز
قیامت فقیر میگرداند و چه بسیار کسیکه بسیار
خندد از روی لعب و بازی در روز قیامت گریه

و گشاده رو و خندان باشد صحیح

بسیار شود و حضرت رسول صلی الله علیه و آله
فرمود که عجب دارم از کسیکه ایمان بجهنم دارد
چرا میخندد و خنده قهقهه از شیطانست و چون
قهقهه کردی بعد از فراغ بگو اللهم لا تمقتنی
و چون در مجلسی باشی سرگوشی مکن که موجب
اندوه و ایذای دیگرانست و در میان سخن برادر
مسلمان خود سخن مگو که چنانست که خدشه و
خراشی در روی او کرده باشی و بدانکه در احادیث
وارد است که مجالس امانتست یعنی آنچه گذشت
نباید که در جای دیگر ذکر کنی مگر آنکه دانی که ایشان
راضی هستند و از حضرت رسول صلی الله علیه و
آله منقولست که احدی را نیست که سخنی را که صاحبش
پنهان دارد نقل کند مگر آنکه علنی باشد که
اظهار آن لازم است یا ذکر نیکیهای آن شخص باشد

فصل هفتم در سایر آداب مجالس و حقوق

اصحاب مجالس باید یکدیگر بدانکه از جمله چیزهائی
که لازمست مراعات آنرا نمودن مصاحبت کسیکه
چهل گام با کسی مصاحبت کند خصلتی از خوی او را
کسب کند رفاقت پس نیکو مصاحبت کن با مصاحبان
خود و نیکو رفاقت کن با رفیقان خود و اگرچه
یهودی با تو همنشینی کند باید نیکو مجالست کنی
با او و بدانکه اظهار دوستی و مهربانی با مردم
کردن نصف عقل است و چون کسیرا دوست
داری دوستی خود را با او اظهار کن که بدینسبب
باعث ثبات محبت میشود میان شما و چون
برادر مسلمان خود را دوست داری باید که
نامش را و نام پدر و قبیله و خویشانش را
بپرسی از او که این از جمله حقوق لازمه برادری
و دوستی است و اگر نه آن آشنائی احمقان
خواهد بود و لیکن باید پرده از میان خود و

(مؤمن) برادر خود بر مدار که باعث برطرف شدن حیا است
و ملاقات کن برادران خود را با روی گشاده که
خوشحال و خوشدل با مردم برخوردن کینه را
میبرد و منازعه با مردم مکن که کرامت را میبرد و مروت
را برطرف میکند و رسولخدا صلی الله علیه و آله
فرمودند که پیوسته جبرئیل ع مرا نهی میکرد
از مجادله کردن با مردم چنانچه نهی میکرد از شراب
خوردن و بت پرستیدن و فرمودند در حضور
ایشان آزار کردن علامتی است از علامات ولد
الزنا بودن و وارد شده که هیچکس با مردم بد نمیکند
و آزار بایشان نمیکند مگر آنکه یا ولد الزنا است
یا مادرش در حیض با او حامله شده است و چون
کسی در محضر تو باشد او را بکنیت بخوان و چون
غایب باشد نامش را مبر و در میان عجم القاب
مثل آخوند و آقا و میرزا و غیر اینها بجای کنیت

است و بر تو باد بعفو کردن از کسیکه بر تو ظلم
کند که آن از مکارم دنیا و آخرتست و خشم مکن بلکه
فرو بر که فرو خوردن خشم باعث عزت دنیا و آخرتست
و وارد شده که هر که خشم را فرو خورد و قادر باشد
که از او بعمل آورد خدا دلش را از ایمنی و ایمان پر
کند در روز قیامت **فصل هشتم** در فضیلت
ذکر خدا و ذکر حضرت رسول و ائمه علیهم السلام و
ذکر فضایل ایشان و مباحثه علوم ایشان نمودن
در مجالس بدانکه ذکر خدا کردن و یاد نمودن حقتعالی
را در همه حال و در همه جا نیکو است و یاد کردن
خدا را در میان جمعی از مؤمنان باعث اینستکه
خدا او را یاد کند در میان جمع ملائکه و کسیکه یاد
خدا کند در میان غافلان مانند کسیست که جهاد
کند در راه خدا در هنگام گریختن دیگران و
چنین کسی ثواب بهشت است از حضرت

رسول صلی الله علیه و آله که هر گروهیکه در مجلسی
جمع شوند و در آن مجلس یاد خدا نکنند و صلوات
بر پیغمبر خود نفرستند آن مجلس حسرت و وبال است
بر ایشان در روز قیامت و از حضرت امام محمد
باقر علیه السلام مرویست که هر که خواهد در قیامت
ثواب کامل بیابد در وقتیکه میخواهد برخیزد از
مجلس بگوید سُبحانَ رَبِّكَ رَبِّ العِزَّةِ عَمّا يَصِفُونَ
وَسَلامٌ عَلَى المُرسَلينَ وَالحَمدُ لِلّهِ رَبِّ العالَمينَ و
در حدیث دیگر منقولستکه این کفاره گناهان
آن مجلس میشود و حضرت باقر علیه السلام فرمود
که یاد کردن ما یاد خدا است و یاد دشمن ما کردن
از یاد شیطانست و از حضرت امام موسی علیه السلام
وارد شده که هیچ چیز شیطان و لشکرهای او را
مجروح نمیکند مثل رفتن برادران مؤمن بدیدن
یکدیگر از برای خدا بدرستیکه دو مؤمن که بایک

دیگر بر میخورند و یاد خدا میکنند پس فضیلت ما
اهل بیت را یاد میکنند بر روی شیطان هیچ
پارهٔ گوشت نمیماند مگر آنکه فرو میریزد تا آنکه
روحش باستغاثه میآید از شدت المیکه از این
امر میآید تا آخر حدیث و ذکر فضایل علی ابن ابیطالب
صلوات الله علیه زینت مجالس است و هر که یک
فضیلت از فضایل آنجناب را ذکر کند از روی اقرار
و اذعان گناهان گذشته و آینده اش آمرزیده
شود هر چند در قیامت با گناه جن و انس بیاید
و هر که یک فضیلت از فضایل او را بنویسد تا
علامتی از آن کتابت باقی باشد ملئکه از برای
او استغفار کنند و وارد شده که حضرت امام
محمد باقر علیه السلم از شخصیکه اسمش میسر بود
پرسیدند که آیا شما شیعیان با یکدیگر خلوت
میکنید و از علوم اهل بیت و فضایل ایشان

آنچه میخواهید میگوئید گفت بلی والله حضرت
فرمودند والله که من دوست دارم که با شما باشم
در آن مجالس والله که من بوی شما را و نسیم شما را
دوست میدارم بدرستیکه شما بر دین خدا و
ملئکه اید پس یاری کنید ما را در شفاعت
خود بپرهیزکاری از محرمات و سعی در طاعات
و وارد شده که آدمی باید بر مرد یکه در هر جمعه
خود را از کارهای دنیا فارغ نسازد برای
یاد گرفتن مسائل دین خود و نیز منقولست که هر که
بیکراهی رود برای طلب علم حق تعالی راهی برای او
بگشاید بسوی بهشت بدرستیکه ملئکه بالهای خود را پی
گذارند از برای طلب کننده علم با رضا و خوشنودی
و استغفار میکنند از برای طالب علم هر که در آسمان
و هر که در زمین است حتی ماهیان دریا و فضل
عالم بر عابد مانند فضل ماه شب چهاردهست

بر سایر ستارگان وارد شده که باید یکدیگر را
ببینند و ملاقات کنند و حدیث نقل کنند که
حدیث جلا میدهد دلها را بدرستیکه دلها
زنگ میگیرند چنانچه شمشیر زنگ میگیرد و جلای
دلها بحدیث است و از حضرت باقر علیه السلم منقول
استکه مذاکره علم ثواب نماز مقبول دارد

فصل پنجم در مشورت کردن با برادران

و آداب آن بدانکه انسان هرچند عاقل باشد
باید در کارهای خود مشورت کند که کسیکه
در کارهای خود مشورت کند پشیمان نمیشود
و بسا هست که کسیکه برای خود از رای دیگران
مستغنی شد مشورت نکرد خود را بخطرها
میاندازد و از برای فضیلت مشورت و اهتمام
در آن همین بس است که حقتعالی پیغمبر خود را که
عقل کل و اعقل مکونات بود در قرآن مجید

امر بمشورت فرموده است و فرموده که وَشاوِرْهُمْ
فِي الْأَمْرِ فَإِذا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللهِ مشورت
کن با اصحاب خود در کارها و چون عزم کردی
پس توکل کن بر خدا لکن بدانکه مشورت کردن
حدی چند دارد که هرکه آنها را نداند مضرت
مشورت برای او بیش از منفعتش است اول
آنکه باید آنکسیکه با او مشورت میکنی عاقل
باشد دویم آنکه آزاد و متدین باشد سیم آنکه برادر و
دوست و یار تو باشد چهارم آنکه او را بر
تمام سر خود مطلع گردانی که چنانچه خود جهات
آن امر را میدانی او هم بداند و چون با چنین کسی
مشورت کردی و او چیزی را برای تو پسندد
خلاف آن مکن که مورث فساد دنیا و آخرت تو
میشود و شایسته نیست مشورت کردن با
زن و با بنده و با مردم دون و با جبان و ترسان

یعنی پست قدر

و با بخیل و با کسیکه حرص دنیا داشته باشد
و از حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله
منقولست که هر گروهیکه با یکدیگر مشورت
کنند و در میان ایشان کسی باشد که نامش
محمد یا احمد یا محمود یا حامد باشد و در مشورت
ایشان داخل باشد البته آنچه خیر ایشانست
بر ایشان ظاهر میشود و چون برادر مؤمن
با تو مشورت کرد البته آنچه محض خیر او دانی
بگو تا آنکه خدا عقل و رای ترا بر طرف نکند
و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرموده اند
که من بیزارم از کسیکه مسلمانی با او مشورت
کند و آنچه خیر او را در آن داند نگوید باو

فصل دهم در آداب نامه نوشتن

بدانکه مهربانی و مواصلت میان برادران
مؤمن در حضر بدیدن هم رفتنست و در سفر

بآنست که نامه بیکدیگر بنویسند و چون نامه
بنویسی بسم الله الرحمن الرحیم را اول آن بنویس
و بسم الله را ترک مکن اگرچه بعد از آن شعری
بنویسی و از حضرت امام علی نقی علیه السلام
منقولست که فرمودند اگر بگویم کسیکه ترک
میکند گفتن و نوشتن بسم الله را در کارها
و نوشتنها مثل کسیست که نماز را ترک کند هر آینه
راست گفته ام و بسم الله را بعد از سایر چیزها که
مینویسی بنویس و در جاهائیکه مناسبست
نوشتن ان شاء الله بنویس اگرچه بعد از
نوشتن نامه باشد و چون نامه را نوشتی خاک
بر روی آن بپاش که حاجت بهتر روا میشود و چون
رقعه یا نامه برای حاجتی نویسی و خواهی که آن
حاجت بر آید بقلم بی مداد بر سر رقعه بنویس
بسم الله الرحمن الرحیم ان الله وعد الصابرین المخرج

مِمّا يَكرَهُونَ وَالرِّزقَ مِن حَيثُ لا يَحتَسِبُونَ
جَعَلَنَا اللهُ وَاِيّاكُم مِنَ الَّذِينَ لا خَوفٌ عَلَيهِم وَ
لا هُم يَحزَنُونَ و چون نامه کسی برای تو نوشت
جواب وی بده که از امام جعفر صادق علیه السلام
منقولست که جواب کتابت نوشتن واجبست
مانند جواب سلام گفتن و نام خدا و قرآن را
با آب دهان پاک مکن و بقلم آنرا محو منما بلکه او
بپاکن چیزی که تابی محو کن و از حضرت صادق
علیه السلام منقولست که کاغذها را مسوزانید
و لکن محو کنید و بدرید و از حضرت امام موسی
علیه السلام پرسیدند که کاغذها نزد ما جمع
میشود آیا با آتش میتوان سوزانید هرگاه در
آنها نام خدا باشد فرمود که نه بلکه اول با آب
بشویند **باب دوازدهم** در آدابی
که متعلق بخانه است و آداب داخل شدن و بیرون

رفتن از خانه و مشتمل بر هفت فصل است

فصل اول در گشادگی خانه و مذمت

تکلف بسیار در خانه کردن و بسیار بلند ساختن
و آداب ساختن خانه بدانکه از سعادت آدمی
است گشادگی خانه و موجب راحت مؤمن
است و تنگی آن از شقاوت و نحوست باعث مشقت
در زندگانی است و شومی خانه در تنگی ساحت
و بدی همسایگانست و از حضرت صادق علیه
السلام منقولست که هر که مالی را از غیر حلال
کسب کند حقتعالی برو مسلط میگرداند عمارت
کردن و خاک و آب و گل را تا آن مال حرام را در آنجا
ضایع کند و در حدیث دیگر فرمود که هر
بنائیکه زیاده بر قدر احتیاج باشد در قیامت
وبالست بر صاحبش و از رسول خدا صلی الله
علیه و آله منقولست که هر که خانه بنا کند از برای

ریا و سمعه که مردم ببینند و بشنوند در روز
قیامت آنخانه را تا هفتم طبقه زمین طوقی کند
و در گردن او اندازند پس او را در جهنم اندازند
و هیچ چیز او را نگاه ندارد تا قعر جهنم مگر آنکه
توبه کند پرسیدند که یا رسول الله بنای ریا
و سمعه ساختن چه معنی دارد فرمود یعنی زیاده
از قدر حاجت بنا کند برای آنکه زیادتی کند بر
همسایگانش و فخر و مباهات کند با برادرانش
و سقف خانه را زیاده از هشت ذرع بلند مکن
که جنیان و شیاطین در آنخانه جا میکنند و وارد
شده که حق تعالی ملکی را موکل کرده است
بعمارت که هر که سقف خانه اش را زیاده از هشت
ذرع بلند کند با او میگوید تا کجا میخواهی بروی
ای فاسق و در روایت دیگر است میگوید ای
فاسق ترین فاسقان و اگر سقف خانه زیاده

از هشت ذرع است بر سر هشت ذرع تا هر چه
زیاده هست آیة الکرسی بنویس که جنیان را
دفع میکند و از حضرت صادق علیه السلام مروی
استکه فرمود بنا کن خانه خود را هفت ذرع
که آنچه زیاده از هفت ذرع است شیاطین در
آنجا ساکن میشوند و چون خانه ساختی گوسفند
فربهی بکش و گوشتش را بمردم (ایشان) بخوران و بگو
اَللّٰهُمَّ اُدْحُرْ عَنِّی مَرَدَةَ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ (وَالشَّیَاطِینِ) وَبَارِکْ لِی
فِی بِنَائِی تا خدا (ای ادفع) دفع ضرر ایشان را از جن و انس و
شیاطین را از تو بکند و آنخانه ساختن را برای
تو مبارک گرداند و از حضرت رسول صلی الله علیه
و آله مرویست که هر که خانه بخرد سنت است که ولیمه
و مهمانی کند **فصل دوم** در نقاشی کردن
و صورت کشیدن و آداب فرش خانه از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله منقول است که جبرئیل

گفت یا محمد پروردگارت سلام میرساند و ترا
نهی میکند از مثالها و صورتها کشیدن در خانها
و وارد شده که جبرئیل خدمت حضرت عرض کرد
که ما گروه ملائکه داخل خانه نمیشویم که در آن
سگ باشد یا صورت بدنی باشد یا ظرفی
باشد که در آن بول کنند و در احادیث معتبره
وارد شده است که هر که صورتی بسازد در قیامت
او را عذاب کنند که جان در آن صورت بدمد و
نتواند دمید و اگر در خانه صورتی باشد که پامال
شود و بر روی آن نشینند یا آنکه سر آن را تغییر
دهند و سایه بدن آن بحال خود باشد باکی
ندارد و از حضرت صادق علیه السلم پرسیدند
از کشیدن صورت درخت و آفتاب و ماه
فرمود که باکی نیست اگر صاحب روح نباشد
ولکن بعضی فرموده اند که احتیاط در آنستکه

صورت نکشند حتی صورت درخت و امثال آن
خصوصا صورت انسان که تمام باشد و اگر صورتی
کشیده باشند بهتر آنستکه آنرا ناقص کنند و اما
فرش خانه پس فرش نفیس از مروت است آدمی را
فرشی از برای خود و فرشی از برای زوجه خود
و فرشی از برای میهمان خود در کار است و زیاده
از این از شیطان است و در روایات معتبره وارد
استکه چون حضرت امیر المؤمنین و حضرت فاطمه
سلام الله علیهما را تزویج کردند پوشش ایشان
عبائی بود و فرش ایشان پوست گوسفندی
بود و بالش ایشان پوستی بود که میان آنرا از
لیف خرما پر کرده بودند و وارد شده که شخصی
بخدمت حضرت امام محمد باقر علیه السلم عرض
کرد که شخصی می‌نشیند بر فرشی که در آن صورتها
هست فرمود که عجمان تعظیم میکنند چنین فرشی

را و ما دشمن میداریم و از حضرت صادق علیه السلم
منقولست که فرمود بسیار است که نماز میکنم و
در پیش روی من بالشی هست که در آن صورت
مرغان هست پس جامه بر روی آن بالش میاندازم
و نماز میکنم و فرشی چند از شام برای من هدیه
آورده اند و در آنها صورت مرغان نقش کرده بودند
فرمودم که سرهای ایشانرا تغییر دادند بصورت
درخت کردند **فصل سیم** در آداب عبادت
کردن در خانه و فضیلت قرآن خواندن در آن
وارد شده که جناب امیر المؤمنین علیه السلم
حجره در خانه خود قرار داده بودند که نه بسیار
کوچک بود و نه بسیار بزرگ از برای نمازگاه
خود و چون شب میشد طفلانرا با خود بآنحجره می
بردند و در آنجا نماز میکردند و منقولست که
آنجناب عصمتی نوشتند که دوست میدارم از برای

تو که در خانه خود نمازگاهی قرار دهی و جامه
کهنه کنده بپوشی و در آن موضع برهنه و از خدا
سؤال کنی که ترا از آتش جهنم آزاد کند و ترا
داخل بهشت کند و دعای ناشروع مکن و
نفرین بر کسی مکن و سزاوار است که خانه را
معطل نگذاری بلکه نماز در آن بخوانی و منور
کنی از تلاوت قرآن و خانه که در آن تلاوت
قرآن بسیار شود برکت و خیر آنخانه بسیار میشود
و اهلش برفاهیت و نعمت میباشند و ملائکه
حاضر میشوند و شیاطین دور میشوند و آن
خانه روشنی میدهد اهل آسمانرا چنانچه ستارها
روشنی میدهد اهل زمینرا و خانه که در آن قرآن
خوانده نشود و یاد خدا در آن نکنند برکت آنخانه
کم میباشد و ملائکه دوری میکنند و شیاطین در
آنخانه حاضر میباشند **فصل چهارم**

در بیان سایر آداب خانه و آداب چراغ افروختن
و خاموش کردن آن بدانکه مکروه است که آدمی
در خانه که در او پرده نداشته باشد شب بروز
آورد و حق تعالی حفظ و حمایت خود را بر میدارد از
کسیکه در خانه شکسته نازل شود و سکنی نماید
و سزاوار است که ساحتهای خانه را جاروب نماید
تا پریشانی را برطرف کند و تشبیه نکند بیهودان
چه ایشان خانه را کثیف میگذارند و جاروب نمی
کنند و خاکروبه را بیرون ببر از خانه و مگذار
که شب در خانه بماند که شیطان در آنجا میگیرد
و خاکروبه را در پشت در جمع مکن که آنجا بگاه
شیطانست و خانه را پاک کن از تار عنکبوت
که آن نیز خانه شیطانست و گذاشتن آن در
خانه باعث فقر و پریشانی میشود و در خانها
دهان ظرفهای آب و طعام را ببند که شیطان

در بسته و ظرف سربسته را نمیگشاید و تنها
در خانه مباش و مخواب که شیطان هیچ وقت
بر آدمی جرأت ندارد مثل آنکه در خانه تنها باشد
و دستمال گوشت را با دستمالیکه دست را بان
پاک کرده اند و آلوده بطعام و چربی است شب در
بورت مگذار که آن خوابگاه شیطانست و
بخوانهٔ همسایه (یعنی منزل) نگاه مکن منقولست که روزی
حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله در حجرهٔ
بعض از زوجات خود بودند شخصی از رخنهٔ
درگاه در آن حجره نظر میکرد حضرت فرمود
که اگر نزدیک میبودم چشمش را کور میکردم و
چون تابستان شود و هوا گرم شود و خواستی
که بیرون بخوابی از خانه روز پنجشنبه بیرون رو و
چون هوا سرد شد و خواستیکه داخل خانه شوی
برای خوابیدن روز جمعه داخل شو که رسول خدا صلی

الله علیه و آله چنین مینمودند و بدانکه مکروه است
داخل خانهٔ تاریک شوی مگر آنکه در پیش خود چراغ
یا آتشی افروخته نمائی و چون چراغ روشن کنی
و باید درون خانه او در پی آید دعا بخوان اَللّهُمَّ اجْعَلْ
لَنا نُوراً نَمْشی بِه فِی النّاسِ وَ لا تَحْرِمْنا نُورَکَ یَوْمَ
نَلْقاکَ وَ اجْعَلْ لَنا نُوراً اِنَّکَ نُورٌ لا اِلهَ اِلّا اَنْتَ
و چراغ را پیش از غروب آفتاب روشن کن که پریشانی
را برطرف میکند و روزی را زیاد میکند و چون
خواستی بخوابی چراغ را خاموش کن تا موش فتیله
را نکشد و آتش در خانه نزند و چون خاموش کنی
چراغ را بخوان این دعا را اَللّهُمَّ اَخْرِجْنا مِنَ الظُّلُماتِ
اِلَی النُّورِ

فصل پنجم در نگاه داشتن

حیوانات در خانه خصوصاً کبوتر و خروس و
گوسفند و بز و منع از نگاه داشتن بسیاری در خانه
حیوانات را در خانه نگاه دارد که باعث اشتغال

شیاطین است با آنها و ایمنی اطفال است از ضرر
رسانیدن شیاطین با آنها بخصوص مثل کبوتر
و مرغ و بزغاله که اطفال جنیان با ایشان بازی
میکنند و از اطفال دست باز میدارند و نگاه
داشتن کبوتر در خانه مستحب است و از برای
تنهائی خوبست و خانه که در او کبوتر است آفت
جن با اهل و عیال نمیرسد و هر بالیکه کبوتر میزند
باعث نفرت و گریختن شیاطین میشود و در خانه
حضرت صادق علیه السلام کبوتر راعبی بود که
بسیار میخواند حضرت میفرمود که نفرین میکند
بر قاتلان حضرت امام حسین علیه السلام و در
حدیث است که راوی گفت حضرت بنفس شریف خود
برای کبوتران که در خانهٔ آنحضرت بود نان ریزه
مینمود و از محمد بن کرامه منقول است که گفت دیدم
حضرت امام موسی علیه السلام رفتم بجحفه کبوتر

در منزل حضرت که کبوتر سبز بود و نقطهای
سفید داشت و کبوتر ماده سیاه بود و حضرت
نان از برای انها ریزه میمود و فرمودند که اینها
در شب حرکت میکنند و مونس منند و هر مرتبه
که در شب بال میزنند جنیان و شیاطین که داخل
خانه شده اند دفع میکنند و وارد شده که کبوتر
خانکی با کبوتر با هوا یاد خدا بسیار میکنند و
اهل بیت را دوست میدارند و صاحب خانه را
دعا میکنند که خدا شما را برکت دهد و از حضرت
صادق علیه السلم منقولست که خروس بال
کشادهٔ سفید یکه در خانه باشد انخانه و هفت
خانه دور انخانه را از بلاها نگاه میدارد و بکبال
زدن کبوتر دور نك بهتر است از هفت خروس
سفید و در حدیث دیگر فرمود که خروس سفید
یار من و یار هر مؤمنیست و بدانکه در خروس

پنج خصلتست از خصلتهای پیغمبرانست سخاوت
و شجاعت و شناختن وقت نمازها و بسیاری
جماع کردن و غیرت و فریاد کردن و نماز را و اشت
و بال زدنش در کوع و سجود است و خروس را نباید
دشنام داد که از برای نماز مردم را بیدار میکند

و اما نگاه داشتن کوسفند پس امر شده بنگاه
داشتن ان و نگاه نداشتن شر و وارد شده
که خداوند روزی اهل را میدهد و روزی اهل
خانه را زیاد میکند و فقر و پریشانی از ایشان
یکمنزل دور شود اگر یکی باشد و دو منزل اگر
دو کوسفند باشد و پریشانی از ایشان در اصل
بر طرف شود اگر سه کوسفند نگاه دارند و اگر
کوسفند شیرده باشد هر روز دو مرتبه ملئکه
با ایشان گویند که خدا شما را برکت دهد و اگر
بگبز شیرده باشد هر روز یکمرتبه ملکی در طرف

کتابخانه آستان قدس مشهد

صبح با ایشان دعا کند و گوید که مطهّر و پاک باشید شما و خدا برکت دهد شما را و نیکو باد احوال شما و نیکو باد نانخورش شما و اگر دو بز شیرده باشد دو مرتبه چنین دعا کند و وارد شده که هر که در خانه او گوسفند شیرده یا بز شیرده یا گاو شیرده باشد باعث برکت خانه او میشود و هر اهل خانه که در شب یک گوسفند داخل خانه ایشان شود ملئکه نگاهبانی ایشان را میکنند و وارد شده که چون گوسفند نگاه دارید خوابگاه ایشان را پاکیزه کنید و خاک از بدن ایشان پاک نمائید و امّا نگاه داشتن سگ در خانه پس بسیار مکروه است و هر کسی که در خانه خود نگاه دارد هر روز از ثواب اعمالش یک قیراط کم میشود و وارد شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله رخصت دادند جماعتی را که خانه ایشان دور باشد از آبادانی که سگ نگاه دارند

در غیر سگ شکاری و سگ گله خوب نیست و سگ شکاری هم در خانه نباید نگاه بداری مگر آنکه میان تو و میان او دری باشد که بر روی او بسته شود و سگی که سیاه یکرنگ یا سفید یکرنگ و یا سرخ یکرنگ باشد از جنّند و سگهای ابلق مسخ شده اند از جنّ و انس و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که سگها از ضعیفان جنّند هرگاه طعام خورید و سگی حاضر باشد یا طعامش بدهید یا دورش کنید که نفسهای بد دارند و حیوانات را بیکدیگر بجهت انداختن خوب نیست مگر سگ که بیندازند بر حیوانات برای شکار کردن

فصل ششم در بیان احوال بعضی از طیور و ذکر بعضی از حیوانات که کشتن ایشان روا است یا روا نیست

بدانکه فاخته مرغ نحسیست شوم و نگاه داشتن آن در خانه مذموم

است و نفرین میکند صاحبخانه را و در خانه خود میگوید فقدتکم فقدتکم یعنی نیست شوید
نیست شوید پس باید او را نیست کرد پیش از آنکه
او صاحبخانه را نیست کند و پرستک مرغ
خوبیست و وارد شده که حرمت او را بدارید
که زیاده از همه مرغان انس بمردم میگیرد و در
ذکریکه میکند سوره حمد میخواند و کشتن او
مذموم است و وارد شده که رسول خدا صلی الله
علیه و آله فرمود از کشتن شش جانور مگس
عسل و مورچه و وزغ و صرد و هدهد و پرستک
و اما کشتن مورچه در صورتیکه آزار کند باکی
نیست و در حدیثی نیز وارد شده که باکی نیست
بکشتن مورچه خواه آزار بکند و خواه نکند
و اما کشتن مار پس ممدوح است و هر که ماری را
بکشد چنانستکه کافری را کشته باشد و وارد

شده که حضرت رسول صلی الله علیه و آله امر فرمود
بکشتن پنج جانور کلاغ و کورکوره و مار و عقرب
و سگ درنده و منقولستکه آنجناب نهی فرمود
از آنکه حیوانات را با آتش بسوزانند و هدهد و آن
مرغیست که کاکل بر سر دارد و وارد شده که
بجهت دست مالیدن حضرت سلیمان علیه السلام
بر سرش آن کاکل بهم رسید و باید که نخورید
از او دشنامش مدهید و مدهیدش باطفال
که با آنها بازی کنند که تسبیح خدا میگوید و بعضی
اینستکه لعن الله مبغضی آل محمد یعنی خدا لعنت
کند دشمنان آل محمد را و شب بر سر آشیانه ها
مرو که شکارشان کنی که شب را مانند و طاوس
از مسوخاتست و دعا و عذاب بر خود میکند بان
گناهیکه کرده است و وارد شده که طاوس زمانی
بخدمت حضرت صادق علیه السلم شرفیاب شد

حضرت را از او پرسیدند که تو نیز طاوس بهشتی گفت دیدی
حضرت فرمود که طاوس مرغ شومیست که با جن
هیچ گروهی داخل نمیشود مگر آنکه آواره میکند
ایشان را و جغد جوانیست که بعد از واقعه حضرت
سید الشهدا علیه السلم از آبادانی بیرون رفت
و روزها مخفیست و شبها ظاهر میشود و پیوسته
روزها روزه واندوهناک است و چون شب میشود
چیز میخورد و پیوسته ناله و گریه میکند بر حضرت
امام حسین علیه السلم تا صبح و از حضرت امام رضا
علیه السلم منقولست که جغد در زمان سابق
در خانها جا میکرد و در وقت طعام خوردن
نزدیک خوان میآمد و طعام نزدش میریختند
و میخورد و چون حضرت امام حسین علیه السلم را
شهید کردند از آبادانی بیرون رفت و در خرابها
و کوهها و صحراها جا گرفت و گفت بد امتی هستید

شما فرزند پیغمبر خود را میکشید من ایمن نیستم از
شما که مرا بکشید و مگس چون در ظرف طعامی که دوا
باشد باید در آب بیفتد آنرا غوطه بده و بعد بیرونش
انداز که وارد شده که در یک بال او زهر و در بال دیگر
شفا است و آن بال زهرآلود را در طعام و آب فرو میبرد
شما آن بال دیگر را هم فرو برید که ضرر نرساند و وارد شده
نیز که اگر نه این بود که مگس بر طعام مردم می نشست
هر آینه همه کس بخوره مبتلا میشد فصل
هفتم در آداب بیرون رفتن از خانه و داخل
شدن در آن چون از خانه بیرون روی بگو بسم الله
آمنت بالله توکلت علی الله ما شاء الله لا
حول و لا قوة الا بالله تا آنکه ملئکه بروی
شیاطین زنند و آنها را از تو دور کنند و وارد
شده که هرگاه کسی از خانه بیرون آید و بگوید
بسم الله ملئکه با و میگویند سلامت ماندی چون

گوید لا حَولَ وَلا قوّةَ اِلّا باللهِ باو میگویند کفایت
ساخته شد و چون گوید توکّلتُ علی اللهِ ملئکه
باو میگویند که از بلاها نگاه داشته شدی و اگر ده
مرتبه سورهٔ قُل هُوَ اللهُ اَحَد بخوانی پیوسته در حفظ
و حمایت الهی باشی تا برگردی بخوانه و چون بحاجتی
روی تا آمدا در روز پنجشنبه برو و آیات آل عمران از انّ
فی خلقِ السّمواتِ والارضِ تا اِنّکَ لا تُخلِفُ المیعاد
باشد با آیة الکرسی و سورهٔ انّا انزلناه و سورهٔ حمد
بخوان و شب بطلب حاجت بیرون مرو که در شب
حاجت برآورده نمیشود و با تحت الحنک بیرون
رو از خانه که از حضرت صادق علیه السلام منقول
است که ضامنم برای کسیکه تحت الحنک بسته باشد از خانه
بیرون رود اینکه بسلامت بخانه برگردد و چون
داخل خانه شوی سورهٔ قل هو الله احد بخوان که فقر و
پریشانی را برطرف میکند و سلام کن بر اهل خ

و اگر اهلی نداشته باشد بگو السّلامُ علینا من
ربّنا و اگر چنین گوئی در وقت داخل خانه شدن
شاید بهتر باشد بسمِ اللهِ و باللهِ اَشهدُ اَن لا
اِلهَ اِلّا اللهُ وحدَهُ لا شریکَ لَهُ و اَشهدُ اَنّ محمّداً
عبدُهُ و رسولُهُ پس سلام کنی بر اهل خانه و اگر
کسی در خانه نباشد بعد از آن بگو السّلامُ علی محمّدِ
ابنِ عبدِاللهِ خاتمِ النّبیّین السّلامُ علی ائمّةِ
الهُداةِ المهدیّین السّلامُ علینا و علی عبادِ
اللهِ الصّالحین و چون داخل حجره خواهی شوی
بسمِ الله بگو که شیطان میگریزد و چون داخل
شوی سلام کن که برکت نازل میشود و ملئکه
انس میگیرند و از برای بیرون رفتن از خانه و
داخل شدن دعاهای بسیار است و ما در این
مختصر همین قدر اکتفا میکنیم والله الموفّق

باب سیزدهم در آداب سواری و پیاده رفتن

و بازار رفتن و تجارت و زراعت نمودن و نگاه داشتن چهارپایان و مشتمل بر هفت فصل است

فصل اول در نگاه داشتن اسب و استر و الاغ و سوار شدن بر آنها و آداب و ادعیه سواری

بدانکه چهارپایان نگاه داشتن از برای حوائج خود و سوار شدن بجهت کار رسانیدن برادران مؤمن ممدوح و حسن است و از سعادت مؤمن است و زینت او است و روزیش بر خداست و وارد شده که حضرت صادق علیه السلام به یونس بن یعقوب فرمود که الاغی نگاه دار که بار ترا بردارد بدرستیکه روزیش بر خداست راوی گفت الاغی خریدم چون سر سال شد حساب خرج خود کردم هیچ زیاده نشده بود و چهارپای را هم نگاه دار که آن از سعادت آدمیست بدی او از یک زندگانی نیست و اما نگاه داشتن

اسب و یابو وارد شده که هر که ببندد اسبی که دو طرفش عربی باشد هر روز سه گناه از او محو شود و یازده حسنه برای او نوشته شود و اگر یک طرفش عربی باشد هر روز دو گناه از او محو شود و هفت حسنه برای او نوشته شود و در بستن یابو بجهت زینت و بغنیمت آوردن کارهای خود یا دفع دشمن خود وارد شده که هر روز یک گناه محو میشود و شش حسنه نوشته میشود و اسب پیشانی سفید بخصوص اگر سفیدی تا بینی او باشد و دست و پایش هم سفید باشد در هر خانه که باشد فقر و پریشانی و ظلم داخل آن خانه نمیشود و اگر در اول روز کسیکه از منزل بیرون آید نگاه کند بچنین اسبی سفید در آن روز او را نهایت خوشحالی رو دهد و اگر پی کاری رود آن کارش

براورده شود و نشانهای مجنبد که شاید
همین صفت که دست و پا و سینی باشد و اسب
باعث مبارکی و میمنت آنها است و در اسب
و الاغ کراهت دارد مگر آنکه اسب سفیدی پیشانی
نادما غش باشد و آنهم خوب نیست و چون
خواهی سوار شوی و خواستی مرکب خود را
لجام کنی بسم الله بگو که در بینی هر چهارپایی
شیطانی هست و اگر در وقت لجام چموشی کند
یا رم کند در گوشش بخوان اگر بگذارد و اگر نه
بر او بخوان این آیه را أَفَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبْغُونَ وَ
لَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمٰوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ طَوْعًا
وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ و چون سوار شوی بسم
الله بگو تا ملکی ردیف تو شود و تو را نگاه دارد
تا وقت پایین آمدن و ترک مکن که شیطان ردیف
تو میشود و تو را وا میدارد بخوانندگی کردن و

آرزوهای باطل تا پایین بیائی و نیز ابتداء
را بخوان بسم الله و لا حول و لا قوة الا بالله
الحمد لله الذی هدانا لهذا و ما کنا لنهتدی
لولا ان هدانا الله سبحان الذی سخر لنا
هذا و ما کنا له مقرنین تا از خوف چهارپایت
محفوظ باشید و آیة الکرسی هم بخوان و بر شتر
چون سوار شوی بگو سبحان الذی سخر لنا هذا
و ما کنا له مقرنین که بر کوهان هر شتری شیطانی
هست و زنهار از خوانندگی کردن در وقت
سواری و خیلاء و تبختر و شرم کن که تو چنین کنی
و حال آنکه انجوان در زیر پای تو تسبیح خدا
کند و سواره نرو و کسی در رکاب تو پیاده باشد
یا او را سوار کن یا روانه کن او را که این باعث
نخوت و تکبر و غرور است و چارپای خود را بر
زراعت و کشت زار کسی نران و آداب ادعیه در

وقت سواری بسیار است و ما بایشان اکتفا می
کنیم **فصل دویم** در حقوق چهارپایان
و رعایت آنها باید آنکه از برای چهارپا بر صاحبش
حقوق چند است که رعایت آنها را باید کرد
ابتدا کردن بعلف آن چون فرود آید و آب بر
او عرض کند چون بآب رسند و بر رویش چیزی
نزند که تسبیح پروردگار خود میکند و سواره
بر روی او نایستد مگر در وقتیکه جهاد میکند
در راه خدا و زیاده از طاقتش بارش نکند و
تکلیف فنا را نقد بکند که طاقت دارد و رو
داغ نکند و نباید که سه نفر بر یک چهارپا ردیف
نشوند که یکی از ایشان ملعونست و وارد شده
که هیچ صاحب روحی را چیزی بر رویش نزنید
که تسبیح پروردگار خود میگوید و هر چیزی را حرمتی
است و حرمت حیوانات در روی ایشانست و وارد

شده که حضرت امام زین العابدین علیه السلام
بیست حج کردند بر شتری و یک تازیانه بران نزدند
و مهربان باش بر مرکوب خود که هر دابه که صاحبش
خواهد بر او سوار شود دعا میکند در آن وقت میگوید اللهم
اجعله لی رحیما یعنی خداوندا او را بمن مهربان
گردان و چون چهارپا بسیار درماند او را مزن
و با او بد مگو و بدانکه بر کوهان هر شتری شیطانی
است او را بکار فرما و نرم کن و نام خدا را ببر در
وقت سوار شدن و بار کردن و وارد شده که شتری
که هفت مرتبه او را بحج ببرند و در موقف عرفات
حاضر شود البته حق تعالی او را از چهارپایان بهشت
گرداند و پنج مرتبه و سه مرتبه هم وارد شده و بر شتر
باردار چون سوار شوی وقت پایین آمدن خود
را مینداز که هر که خود را بیندازد در آن وقت
بمیرد داخل جهنم خواهد شد **فصل سیم**

در آداب خریدن و نگاه داشتن حیوانات و مجملی از

احوال و اقسام حیوانات چون چهارپائی بخری
خواهی که در امان باشد از جمیع آفتها بایست بر
جانب چپ آن و بگیر بدست راست خود موی پیشانی
او را و بر سرش بخوان سوره حمد و معوذتین و آخر
سوره حشر لَوْ أَنْزَلْنَا هٰذَا الْقُرْآنَ تا آخر و آخر
سوره بنی اسرائیل قُلِ ادْعُوا اللّٰهَ الخ و آیة الکرسی
را چون چنین کنی انشاء الله امان یابد از جمیع آفتها
و شتر چون بخری بد صورت تر را بخر که شتر بیبا
بد صورت عمرش زیادتر است و سرخ مو
که عمرش کوتاه تر است بدانکه از برای نگاه داشتن
حیوانات را بسیت که باید رعایت آنها شود و ما
به بعضی از آنها اشاره کردیم در سابق و از جمله
آداب آنها آنست که بر روی آنها نزنند و بر روی ایشان
داغ نکنند و در روی [illegible] حیوانات اند که بشنوند

در پیشانیشان بگذاری تا شب نزد جمع شوند و
خوابگاه گوسفندان را پاک و آنچه از بینی آنها بریزد
مبادا پاک کنی و خصی کردن و جنگ انداختن
حیوانات مکروه است و حیوان نر را بر ماده مکش
در میان راهها که قبیح است بلکه در جائی واقع
شوا که مردی و زنی نبینند و از میان قطار شتر
مگذر که ما بین هر دو شتری شیطانیست و در
احادیث معتبره از حضرت صادق علیه السلام مرویست
استکه هیچ مرغی و حیوانی در دریا و صحرا شکار
کرده نمیشود مگر بآنکه ترک تسبیح کرده اند و تضییع
کنند و در حدیث دیگر فرمود که جمیع وحشیان
و درندگان با یکدیگر مخلوط بودند تا آنکه
فرزند آدم برادر خود را کشت پس از یکدیگر
نفرت کردند و گریختند و هر حیوانی بشکل خود
میل کرد و وارد شده از حضرت امام حسن علیه السلام

تو را اکراه کنند بکن و چون با تو مشورت کنند تا توانی سعی کن که برای
نیکو برای ایشان اختیار کنی و زود عزم مکن و رای خود را با ایشان
مگو در مشورت ایشان تا آنکه در آن فکر بر خیزی و بنشینی و بخوابی و چیزی
بخوری و نماز کنی و در اثنای این احوال فکر خود و حکمت خود را در مشورت ایشان
بکار فرمایی زیرا که هر که خیرخواهی خود را برای کسیکه با او مشورت کند خالص
نگرداند حق تعالی رای و عقل او را از او سلب میکند و امانت را از او بر میدارد
و هرگاه ببینی که کاری میکنند با ایشان بکن و اگر تصدق کنند یا قرض دهند
تو نیز با ایشان بده و بشنو سخن کسی را که از تو بزرگتر باشد هرگاه رفیقان
کاری بتو فرمایند یا چیزی از تو سؤال کنند بگو بلی و نه مگو که نه گفتن علامت
عجز و موجب ملامت است و چون راه گم کنید و حیران بمانید فرود آیید
و اگر در راه مقصود شک کنید با یکدیگر مشورت کنید و مصلحت ببینید
و اگر یک کس را ببینید خبر راه از او مپرسید و مصلحت از او مبینید که یک
شخص در بیابان آنکس را بشک میاندازد که شاید جاسوس دزدان باشد
یا شیطان باشد که خواهد شما را حیران کند و از دو شخص نیز حذر کنید
مگر آنکه چیزی چند از علامتها و قرینها ببینید که من نبینم زیرا که عاقل
بدیدهٔ خود که نظر میکند بسوی چیزی آنچه حقیقت است از آن میشناسد و حاضر
چیزی چند می بیند که غایب نمی بیند ای فرزند چون وقت نماز در آید
از برای امری از او تاخیر مینداز و نماز را بجا آور و راحت بیاب

که نماز

که نماز قرضی است هرچند پیشتر ادا کنی سبکبار میشوی و نماز را با جماعت
بکن هرچند بر سر نیزه باشی و بر روی چهارپا خواب مکن که زود باعث زخم پشت
آن میشود و این از کردار دانایان نیست مگر آنکه در میان کجاوه باشی که
ممکنت باشد که بخوابی برای سستی مفاصل و چون نزدیک شوی بمنزل از چهارپای خود
فرود آی که آن چهارپا یاور تست و ابتدا کن بعلف دادن آن پیش از آنکه خود
چیزی بخوری و چون خواهید که فرود آیید اختیار کنید از بقعهای زمین مکانی
را که خوش رنگ تر و پرگیاه تر باشد و چون فرود آیید پیش از آنکه بنشینی
دو رکعت نماز بکن و چون خواهی بقضای حاجت بروی بسیار دور برو پس چون
خواهی که بار کنی دو رکعت نماز بکن پس از منزل وداع کن و سلام بر آن
زمین و اهل آن زمین بکن که هر بقعه از زمین را اهلی چند است از ملائکه
و اگر توانی مخور هیچ طعامی را مگر آنکه قدری از آن تصدق کنی و بر تو باد بر خواندن
کتاب خدا تعالی مادام که سوار باشی و بر تو باد تسبیح خدا تعالی کردن تا مشغول
کار باشی و بر تو باد بدعا کردن در وقتیکه تنها و بیکار باشی و زنهار که
در اول شب راه مرو بلکه در اول شب فرود آی و در نصف آخر شب راه رو
زنهار که در راه رفتن صدا را بلند کنی و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام
منقول است که مروت و مردی در حضر خواندن قرآن است و همنشینی با علما کردن
و تفکر در فقه و علوم کردن و محافظت بر نمازها جماعت کردن و اما مروت
سفر پس توشه خود را صرف کردن و مخالفت از رفیقان نکردن و
خدا تعالی در هر بلندی و پستی و فرود آمدن و ایستادن و نشستن
بسیار یاد کردن است و حضرت صادق ع فرمودند که چون با جماعتی

رفیق شوی مگو اینجا فرود آئید یا اینجا فرود میائید که در میان ایشان
کسیست که این کار را بکند اگر تو با ایشان بگذاری و از برای اعانت
کردن مؤمن مسافر ثواب بسیاری ذکر شده و ذکرش در اینجا با اختصار
منافات دارد **فصل هفتم** در آداب راه رفتن و فرود آمدن چون پیاده
خواهی سفر روی کمر را محکم ببند و کمر را بر روی شکم ببند تا آنکه پیاده
رفتن بر تو آسان شود و چون مانده شوی استعانت بجو بلند رفتن
که وا ماندگی را بر طرف میکند و وارد شده که در طرف بامداد و پسین
راه روید و بر تو باد براه رفتن در شب که زمین در شب پیچیده میشود
وحضرت امیر المؤمنین ع چون سفر میکردند در آخر شب حرکت میکردند
و چون در شب فرود آئی در سر راه و در شکم رودخانها فرود میا و اگر در
زمین خشک بیگیاه سفر کنی تند برو و اگر در زمین پر آب و علف روی
بتأنی و مدارا برو و چون راه را غلط کنی بطرف راست میل کن و وارد شده
چون راه را گم کنی فریاد کن یا صالح یا صالح ارشدونا الی الطریق رحمکم الله
و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که هر که در سفر راه گم کند فریاد کند که
یا صالح اغثنی بدرستیکه از برادران مؤمن شما از جنیان شخصی هست که
صالح نام دارد و از برای خدا در شهرها میگردد و چون صدای شما را
میشنود جواب میگوید و راه نمائی میکند والله الهادی الی سواء السبیل
فصل هشتم در بیان دعاهائیکه در راه و منازل باید خواند و وارد شده

که چون در

که چون در سفر بالا روی بگو اللهم اجعل مسیری عبرا وصمتی تفکرا وکلامی
ذکرا و حضرت رسول ص چون در سفرها سراشیب میرفتند سبحان الله
میگفتند و چون سربالا میرفتند الله اکبر میگفتند چون برودخانه پائین
روی بگو لا اله الا الله والله اکبر که هر که برودخانه پائین رود
و چنین بگوید حقتعالی پر کند آن رودخانه را برای او از حسنات چون در
سفر بویرانه یا منزلی فرود آئی از درندگان ترسی آید بخوان اشهد ان لا
اله الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد بیده الخیر وهو علی
کل شیء قدیر اللهم انی اعوذ بک من شر کل سبع و هرگاه در بیابان از سحر
و از جنیان یا غیر ایشان ترسی دست راست خود را بر سر بگذار و باواز بلند بگو
افغیر دین الله یبغون وله اسلم من فی السموات طوعا وکرها والیه
یرجعون و چون در منزل فرود آئی بگو اللهم انزلنی منزلا مبارکا وانت
خیر المنزلین تا آنکه نیکی آن منزل تو را روزی شود و شر آن از تو دفع گردد
و چون اراده داخل شدن در شهری یا دهی داشته باشی چون نظرت بر
آن افتد بخوان اللهم انی اسئلک خیرها و اعوذ بک من شرها
اللهم اطعمنا من جناها واعذنا من وباها وحببنا الی اهلها

وَجَنِّبِ الْحَيَّ أَهْلَهَا الَّذِينَا و از حضرت باقر ع مرویست که شیاطین در میان نخلها
و کجاوه‌ها بدر میآیند و شتران را رم میدهند از برای دفع ایشان آیة الکرسی
بخوانید و وارد شده که هر که در سفری باشد و از دزدان و درندگان بترسد
بر بال اسبش بنویسد لَا تَخَافُ دَرَكًا وَلَا تَخْشَى تا ضرر آنها باذن الله از او
برطرف شود و اگر خواسته باشی در منزل از دزد محفوظ باشی چون در منزلگه
فرود آئی و نماز خفتن بکنی بعد از نماز بپهلو بر رختخواب بگذار و تسبیح حضرت فاطمه ع
بخوان بعد از آن آیة الکرسی را بخوان تا صبح محفوظ باشی و شیخ طبرسی ره ذکر کرده است
چون خواهی بار کنی دو رکعت نماز بگذار و از حق تعالی طلب حفظ و حمایت الله را کن و آن
موضع و اهلش را وداع کن که هر موضعی اهلی از ملائکه است پس بگو السَّلَامُ
عَلَى مَلَائِكَةِ اللهِ الْحَافِظِينَ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللهِ الصَّالِحِينَ وَرَحْمَةُ
اللهِ وَبَرَكَاتُهُ فصل نهم در آداب سفر دریا و گذشتن از نهرها و جسرها بدانکه بدریا
سوار شدن در سفر تجارت و طلب روزی مذموم است و روایت شده کسیکه بکشتی سوار
شود برای تجارت دین خود را در معرض تلف در آورده است و نیز وارد شده که
حضرت رسول ص نهی فرمود از سوار شدن دریا در وقت تلاطم و هیجان آن و بدانکه
از برای سوار شدن بدریا آداب و ادعیه چند است از آنجمله چون بکشتی سوار شوی بگو بِسْمِ اللهِ
مَجْرِيهَا وَمُرْسِيهَا إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ و چون دریا موج آید بر جانب چپ تکیه کن
و بدست

[illegible]

و بدست راست بسوی موج اشاره کن و بگو قِرِّي بِقَرَارِ اللهِ وَاسْكُنِي
بِسَكِينَةِ اللهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ و اگر از غرق شدن بترسی
بگو بِسْمِ اللهِ مَجْرِيهَا وَمُرْسِيهَا إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ بِسْمِ اللهِ الْمَلِكِ الْحَقِّ وَمَا قَدَرُوا
اللهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ
بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ و بدانکه بر بلندیهای هر جسری دیوی شیطانی
هست چون بآنجا برسی و قدم خود بر آن بگذاشتی بگو بِسْمِ اللهِ اللَّهُمَّ ادْحَرْهُ عَنِّي
الشَّيْطَانَ الرَّجِيمَ فصل دهم در آداب مشایعت و استقبال و وداع مسافر و
آداب برگشتن آن از حضرت صادق ع منقولست که چون حضرت رسول ص
مؤمنی را وداع میکردند میفرمودند رَحِمَكُمُ اللهُ وَزَوَّدَكُمُ التَّقْوَى وَوَجَّهَكُمْ إِلَى كُلِّ
خَيْرٍ وَقَضَى لَكُمْ كُلَّ حَاجَةٍ وَسَلَّمَ لَكُمْ دِينَكُمْ وَدُنْيَاكُمْ وَرَدَّكُمْ سَالِمِينَ إِلَى
سَالِمِينَ و سزاوار است که چون از سفر برگردی مشغول کاری نشوی تا
غسل کنی و دو رکعت نماز بکنی و سجده روی و صد مرتبه شکر الهی بجا
آوری و نیز سنت است که چون برگشتی از سفر برادران مؤمن خود را
بضیافت بطلبی و از برای اهل خود تحفه بیاوری اگرچه سنگی باشد و بدانکه نعمت

واستقبال مؤمنان مستحب است و وارد شده که از برای مشایعت و استقبال
مؤمنان نماز را قصر میتوان کرد و روزه ماه مبارک رمضان را میتوان خورد
یعنی اگر کسی برود در تشییع یا در استقبال که بحد سفر برسد که موجب
قصر نماز و افطار روزه ماه رمضان میشود و چون کسی از سفر آمد با او
معانقه کن بخصوص حجاج بیت الله الحرام و زوار قبور ائمه انام ع
و وارد شده هر که دست در گردن حاجی بکند در وقتیکه با گرد راه بر
جبینش است چنانستکه حجر الاسود را بوسیده است و علامه مجلسی در بحار و تحفه
از بعضی کتب نقل کرده که از معلی بن خنیس روایت کرده که حضرت صادق ع فرمود
که هرگاه شخصی از برادران مؤمن شما برگردد از زیارت ما یا از زیارت قبرهای
ما بسوی او استقبال کنید و بر او سلام کنید و او را تهنیت و مبارک باد
بگوئید بآن کرامتی که یافته و ثوابی که خدا باو عطا فرموده است که
اگر چنین کنید شما را ثوابی مثل ثواب او خواهد بود و فرو میگیرد شما را
رحمت الهی چنانچه او را فرو گرفته است بدرستیکه هر که زیارت کند
ما را یا قبرهای ما را البته رحمتهای الهی او را فرو گیرد و گناهانش
آمرزیده شود و روایت شده از رسول خدا ص که آنحضرت میفرمود
باکسیکه

سال ۱۳۴۸ خورشیدی
بازبینی شد
کتابخانه آستان قدس رضوی

کتابخانه آستان

باکسیکه از مکه میآمد قبل الله منک و اخلف علیک نفقتک و
غفر ذنبک باین کلمه شریفه ختم مینمایم این مختصر را و رجا واثق آنکه حضرت
متعال ختم فرماید عمر ما را برحمت و مغفرت گناهان و از برادران
ایمانی که از این کتاب منتفع میشوند التماس دارم دعا و طلب آمرزش را
در حال حیوة و بعد از ممات و کان الاتمام علی ید مؤلفه الفقیر المجرم المسمی
عباس بن محمد رضا القمی فی المشهد الغروی علی ساکنه السلام یوم ١٢ من سنه
سبع عشر بعد ثلثمائة و الف والحمد لله اولا و آخرا و صلی الله علی محمد
و آله الطاهرین و حرره العبد اقل الکتاب غلامحیی ٢٢ ١٣

مخفی نماناد که این چند صفحه خطی که این کتاب مستطاب که در دست
ملکی جناب مستطاب عمدة الاخیار آقا کربلائی محمد حسن کفشدار حرم امام
از این محترم ضعیف لاشیء نظر علی الاسلاف من اولاد و احفاد حضرت حبیب بن
مظاهر الاسدی است و لد مرحوم جنت مکان خلد آشیان ملا ابو الحسن دوشنه
خواه علی الله مقامه خواستند که این اوراق مکتوب را بخط خود تحریر
تحریر نماید و این بنده بنا بر ضعف خدمت بنوع برادران دینی سیما صاحب
مشار الیه بعنوان یادگار نوشتم امید آنکه از باب مواهب باین کتاب باین عمل

[illegible]

سال ۱۳۴۸ خورشیدی
بازبینی شد

واستقبا
مؤمنان نما
یعنی انقد
قصرنما
معانق
ووار
جان
ازبعض
کرده ک
مابر
بگوئ
الکو
رح
ما
ها

کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی
شماره اموالی

بازبینی شد